مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا، دوره ۶، ضمیمه ۱

خلاصه مقالات پذیرفته شده

اولین کنگره کشوری دانشجویی کنترل بیماری های غیرواگیر



دانشگاه علوم پزشکی فسا – ششم لغایت هشتم مرداد ۱۳۹۵

حامیان مالی، علمی و معنوی کنگره

مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر

Fasa University of Medical Sciences

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ساختار سازمانی

اولین کنگره کشوری دانشجویی کنترل بیماری های غیرواگیر

رییس کنگره:

دکتر علیرضا عسکری

سرپرست کنگره:

دکتر رضا همایونفر

دبیر هیئت علمی کنگره:

دکتر مجتبی فرجام

دبیر دانشجویی کنگره:

رضا علیپور

دبیر علمی کنگره:

مریم هادی برحق طلب

دبیر اجرایی:

محمدحسین یزدان پناه

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تیم علمی کنگره

رضا علیپور	سالار حسین پور
مریم هادی برحق طلب	محمد نجاتی
علی خرمندار	سیده پگاه حمیدی
عباس شاهی	رکسانا گرگین
محمد حسین یزدان پناه	امیررضا نیک منش
علی داودی	امیرعباس خوشبویی
محمد پرخواه	محمدرضا خسروی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تیم اجرایی کنگره

علی خرمندار	نیلوفر سهرابی	مریم مفتاحی
محمد رضا خسروی	بهاره پرستار	فاطمه کشاورزی
امیرعباس برکتین	فاطمه رضایی	فروغ رضایی
محمدطاها سهیلی	مریم قریب پور	گلنوش فرح بخش
سید مرتضی رجبی	زهره سلیمی نژاد	کیمیا قبادی
پارسا محمدرحیم	امیرعباس خوشبویی	سیده مهشید هاشمیان
نادیا رحیمی زاده	علیرضا قنادی	مریم خاور
سپیده نیک نژاد	آرمین فریدونی	نگار جعفری
فرمهر خرمی	ابراهیم علی بابایی	فاطمه پوررمضان
پرنیا کامیاب	کامبیز آقارضایی	راضیه هاشمی
روژان بیگیان	مهدی علیپور	سمیه انصار
زهرا ایستاده	معین اسکندری نژاد	طیبه رحیمی
هانیه حشمتی	محمد نجاتی	پریسا کشاورز
سحر محمدی	محمد سامانی	زهرا تابش

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

فهرست مقالات

بخش اول : خلاصه مقالات فارسی پذیرفته شده به صورت سخنرانی صفحه ۱ تا ۱۸

بخش دوم : خلاصه مقالات فارسی پذیرفته شده به صورت پوستر صفحه ۲۰ تا ٦۹

بخش سوم : خلاصه مقالات انگلیسی پذیرفته شده به صورت سخنرانی صفحه ۷۱ تا ۷٤

بخش چهارم : خلاصه مقالات انگلیسی پذیرفته شده به صورت پوستر صفحه ۷٦ تا ۸٦

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بخش اول



خلاصه مقالات فارسی پذیرفته شده به صورت سخنرانی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط عقب ماندگی از رشد زمان تولد با سوءتغذیه یا اضافه وزن دوره کودکی و نوجوانی دردانش اموزان ابتدایی شهرستان فسا درسال۱۳۹۴

سمیه صف دار[۱]، علی خانی جیحونی[۲]، رضاهمایونفر[۳]، مهدی عبدی تهنه [۱]، زهراملکی[۱]، سعیده زارعی[۱]، زهرا اکبرزاده[۱]

۱- دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه وهدف: اختلال رشد به رشد جسمانی ناکافی یا ناتوانی درحفظ میزان رشد مورد نظردرطول زمان در کودکان اطلاق می شود. دلایل اختلال رشد چند وجهی است که می تواند طیفی از عومل بیولوژیکی و اجتماعی تا عوامل محیطی را شامل شود. مساله رشد و تکامل درانسان از اهمیت ویژه ای برخوردار است که گذشته کودک با وضع فعلی اوکاملا ارتباط دارد. اضافه وزن یا سوءتغذیه کودکی یک مشکل عمده محسوب می شود که می تواند تحت تاثیر عواملی چون اختلال رشد در دوره بدو تولد قرار گیرد. این پژوهش باتوجه به تاثیرات سوء اختلال رشد زمان تولد و ارتباط آن با سوءتغذیه یا اضافه وزن دوره کودکی و نوجوانی انجام شد.

مواد وروش ها: این تحقیق یک مطالعه مقطعی (توصیفی - تحلیلی) است که در آن تعداد ۱۳۹۲ دانش آموز به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای درمقطع ابتدایی در هردو جنس ودر شهر و روستای اطراف فسا مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت تعیین وضع تغذیه، شاخص‌های وزن برای سن ، قد برای سن و وزن برای قد درکودکان محاسبه و با استاندارد NCHS مقایسه گردید. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های دموگرافیک و پرسشنامه مواد غذایی از طریق مصاحبه با دانش آموزان یا استخراج از شناسنامه سلامت دانش آموزان که درمدارس وجود داشت وگرفتن داده های تن سنجی با استفاده ازمتر برای سنجش قد و اندازه گیری دورکمر،ترازوی عقربه ای برای وزن، از هرفرد جمع آوری شد.

نتایج: در این مطالعه بین وزن تولد و کودکی(pvalue =۰/۴۶ و **r**=۰/۲۰) و قد تولد وکودکی (pvalue =۰/۸۳ وr =۰/۰۰۶) همبستگی معنی داری دیده نشد. در مورد وضعیت قدی کودکان بیشترین فراوانی سوءتغذیه مربوط به دختران بود. بین قد تولد (pvalue >/۰۰۱) و قد کودکی (pvalue =۰/۰۳) با شیوع سوء تغذیه در دانش اموزان دختر و پسر ارتباط معنی داری وجود داشت. برعکس بین وزن تولد وکودکی با شیوع سوءتغذیه ارتباط معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه با توجه به میزان شیوع بالای انواع اختلال رشد و سوءتغذیه، حاکی از وجود یک خلأ بهداشتی و آموزشی درشهرستان فسا می باشدکه کودکان را به سمت سوءتغذیه پیش می برد. برنامه ریزی جهت پیشگیری ازاین اختلال و شناسایی کودکان درمعرض خطر از طریق توانمندسازی پرسنل بهداشتی و آگاهی خانواده ها ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: عقب ماندگی‌ازرشد، سوء تغذیه، اضافه وزن

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی رابطه نوع زایمان با سطح TSH در نوزادان مبتلا به کم کاری تیروئید

پروین جولا[۲،۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپوراهواز، اهواز، ایران
۲- معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

زمینه و هدف: کم‌کاری تیروئید اختلال متابولیک شایع در نوزادان می‌باشد که مطالعات مختلف نقش عوامل ژنتیکی و محیطی متعددی چون سن مادر، تعداد و نوع زایمان‌ها، نژاد و ابتلا مادر به برخی بیماری‌ها را در بروز آن مطرح کرده اند. با توجه به ادغام غربالگری و مراقبت کم‌کاری تیروئید در نظام مراقبت بیماری‌های غیرواگیر، این مطالعه به منظور ارزیابی رابطه نوع زایمان با سطح TSH در نوزادان مبتلا به کم‌کاری تیروئید انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، پرونده ۱۹۲ نوزاد مبتلا به کم‌کاری تیروئید در سنین ۳-۱ سال که در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۱ در برنامه غربالگری دانشگاه علوم پزشکی دزفول شناسایی و توسط پزشک منتخب تحت درمان بودند به روش سرشماری انتخاب گردیدند. داده های مورد نظر شامل سطح TSH مساوی و بالاتر از ۵ و نوع زایمان مادر از فرم مراقبت نوزادان استخراج، در نرم افزار وارد و توسط ازمون همبستگی اسپیرمن تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: ۴۸/۴ درصد زایمان‌ها از نوع سزارین و و ۵۱,۶ درصد از نوع طبیعی بودند. بین نوع زایمان و سطح TSH ارتباط معناداری مشاهده نشد($P\leq0.802$ $r=0.018$). بین نسبت فامیلی والدین و نوع زایمان مادر باردار ارتباط معنی‌دار بود($P\leq0.04$ $r=0.148$).

نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه نشان میدهد که میزان TSH نوزادی در بدو تولد ارتباطی با نوع زایمان اعم از سزارین یا طبیعی ندارد با اینحال بررسی‌های بالینی با تعداد نمونه بیشتر پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: عقب ماندگی از رشد، سوء تغذیه، اضافه وزن

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی آگاهی-نگرش و عملکرد در مورد مصرف قطره آهن درمادران دارای شیرخوار۶-۲۴ماهه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی–درمانی شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴

زهرا ملکی[۱]، طاهره غلامی[۱]، مصطفی دیانتی نسب[۲]، زهرا اکبرزاده[۱]، سمیه صف دار[۱]

۱- دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: آهن یکی از عناصر مهم و مورد نیاز بدن به خصوص در ۴ تا ۶ ماه اول زندگی است. این عنصر در یادگیری،حافظه وفعالیت های حسی و حرکتی انسان نقش مهمی دارد. کمبود فقر آهن یکی از عمده ترین نگرانی ها در سراسر جهان است و درکشورهای درحال توسعه شایعترین مشکل تغذیه ای در میان شیرخواران و کودکان به شمار می رود. یکی از راه های جبران این کمبود مصرف قطره آهن است که درکشور ما عمدتاً به صورت قطره فروس سولفات موجود می باشد. این مطالعه با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مادران دارای شیر خوار ۶-۲۴ ماه در مورد نحوه مصرف قطره آهن صورت گرفت.

مواد و روش ها: این پژوهش توصیفی- مقطعی بوده و جامعه مورد بررسی مادران دارای فرزندان شیرخوار۶-۲۴ماهه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی بودندکه به روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۲۲۰ مادرانتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد (α=۰/۶۸) چرکزی و همکاران بود. داده های جمع آوری شده با استفاده ازنرم افزارSPSS۱۸ موردتجزیه و تحلیل آماری قرارگرفت.P<۰/۰۵ از نظر آماری معنی دارت لقی گردید.

نتایج: از ۲۲۰ شیرخوار مورد مطالعه۴۶/۲٪ پسر و ۵۳/۸٪ دختر بودند.۵۳/۶٪ قطره آهن را به صورت منظم مصرف می کردند. شایعترین دلیل مصرف نامنظم قطره آهن فراموشی مادر بود(۴۵/۹٪). درمجموع ۵۶/۴٪ مادران آگاهی خوب،۴۳/۶٪ آگاهی پایین و ۶۴/۱٪ نگرش خوب ،۳۵/۹٪ نگرش بد و ۵۵/۵٪عملکرد خوب و ۴۴/۵٪عملکردبد درارتباط با مصرف قطره آهن داشتند.ارتباط معنی داری بین وضعیت مصرف قطره آهن با میزان آگاهی و نگرش مادران مشاهده شد(P<0.001). همچنین بین سطح تحصیلات مادر با آگاهی، عملکرد و نگرش رابطه معنی دار وجود داشت(P<0.001).

نتیجه گیری:در مطالعه حاضر بین وضعیت مصرف قطره آهن با میزان آگاهی مادران رابطه آماری معنی داری مشاهده شد.کمتر از نیمی از مادران آگاهی ضعیف داشتند، لذا تدوین برنامه هایی جهت بالا بردن آگاهی مادران ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، مادران، آهن، شیرخواران

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تعیین اثر ضد دیابتی عصاره آبی گیاه *Amygdaluseburnea* بر رت های دیابتی

فرشته اراوند[۱]، غلامرضا بهرامی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه ، کرمانشاه ، ایران
۲- گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه ، کرمانشاه ، ایران

زمینه و هدف: دیابت میلیتوس شایع‌ترین بیماری اندوکرین بوده که فاقد درمان قطعی می‌باشد. درمان‌های موجود به دلیل اثربخشی نسبی، عوارض جانبی و قیمت بالای داروهای موجود رضایت‌بخش نمی‌باشند. بنابراین مطالعه حاضر به منظور بررسی اثر و مکانیسم‌های احتمالی گیاه *Amygdaluseburnea* در کنترل دیابت بررت‌های دیابتی طراحی و اجرا گردید.

مواد و روش‌ها: ابتدا اثر ضد دیابتی عصاره تام به صورت حاد (۴ گروه ۷ تایی) (آب مقطر، عصاره ۵٪، ۱۰٪ و ۲۰٪) و مزمن (۶ گروه ۷ تایی) (شاهد، کنترل منفی، عصاره خوراکی، عصاره تزریقی، کنترل مثبت با متفورمین، کنترل مثبت با گلیبن کلامید)بر موش‌های صحرایی دیابتی شده با استرپتوزوتوسین(STZ) بررسی شد. سپس اثر مهاری نمونه بر گلوکونئوژنز (۴ گروه ۷ تایی)، آنزیم آلفاگلوکوزیداز (۴ گروه ۷ تایی) و تست تحمل گلوکز خوراکی (۴ گروه ۷ تایی) به عنوان مکانیسم‌های محتمل، مورد مطالعه قرار گرفت. به منظور بررسی اثر نمونه بر سلول‌های بتای پانکراس، آزمایشات پاتولوژی (۳ گروه ۷ تایی) این بافت انجام شد.

نتایج: براساس نتایج به دست آمده، گیاه *Amygdaluseburnea* به صورت حاد و مزمن (بعد از دو ماه) قند خون رت‌های دیابتی را کاهش می‌دهد. نمونه گلوکونئوژنز و آنزیم آلفاگلوکوزیداز را مهار می‌کند. نتایج به دست آمده از تست تحمل گلوکز خوراکی بیانگر بهبود تحمل گلوکز در گروه تحت درمان می‌باشد ($P<۰/۰۵$). بررسی‌های پاتولوژیکی بافت پانکراس نشان‌دهنده بهبود سلول‌هایبتا پس از گذراندندوره درمانی است.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج به دست آمده گیاه *Amygdaluseburnea* می‌تواند منجر به درمان دیابت تجربی در رت صحرایی شود.

کلمات کلیدی: دیابت میلیتوس، مکانیسم ضد دیابتی، گیاهان دارویی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

پایش میزان ید ادرار در دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴

زینب همت دار، معصومه زحمتکشان، مریم تشکر

معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه و هدف: کمبود ید و شیوع گواتر یکی از مشکلات تغذیه ای عمده در کشور بوده است. اجرای برنامه پیشگیری وکنترل کمبود ید و یددارکردن نمک های خوراکی طی سالیان گذشته موجب کاهش قابل ملاحظه شیوع گواتر درکشور شده است. این مطالعه به منظور پایش برنامه کشوری مبارزه با کمبود ید در دانش آموزان ۸ تا۱۰ساله شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴ به مرحله اجرا درآمد.

مواد و روش ها: این مطالعه بصورت تصادفی روی ۲۴۰ دانش آموز دختر و پسر ۸ تا ۱۰ ساله ساکن در مناطق شهری و روستایی انجام شد و نمونه ادرار از آن ها اخذ گردید. اندازه گیری ید ادرار به روش کلری متری و بر اساس هضم اسیدی طبق دستورالعمل اداره غدد و متابولیسم وزارت بهداشت صورت گرفت.

نتایج: میانه دفع ادراری ید در دانش آموزان مورد بررسی ۱۵ میکروگرم در دسی لیتر بود که ۷۵/۴٪ جمعیت مورد مطالعه دفع ادراری ید بین ۱۰ تا ۳۰ میکروگرم در دسی لیتر داشتند (حداقل میزان ید ادرار ۲ میکروگرم در دسی لیتر و حداکثر آن ۳۸ میکروگرم در دسی لیتربود). ۱۹/۲٪ از دانش اموزان دفع ادراری ید کمتر از ۱۰ میکروگرم در دسی لیتر و ۵/۴٪ دفع ادراری ید بیشتر از ۳۰ میکروگرم در دسی لیتر داشتند.

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که میزان ید ادرار بیشتر دانش آموزان در حد مطلوبی قرار دارد که نشان دهنده ی عدم وجود کمبود ید در شهرستان فسا است. با این حال میانه ید ادرار در ۱۹/۲٪ دانش آموزان از ۱۰میکروگرم در دسی لیتر کمتر است، لذا لازم است سطح آگاهی عمومی در زمینه استفاده خانوارها از منابع غذایی حاوی ید و نحوه نگهداری نمک یددار از طریق رسانه های گروهی و برگزاری کلاس های آموزشی بهبود یابد.

کلمات کلیدی: اختلالات ناشی از کمبود ید، گواتر دردانش آموزان، ، ید ادرار

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی دانش، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی زاهدان از عوامل پیشگیری بیماری های قلب عروق در سال۱۳۹۵

میثم زینلی بوجانی

دانشکده پزشکی، مرکز پژوهش های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

زمینه و هدف: بیماری های قلبی از مهمترین علل مرگ در جهان است که با توجه به شیوع بالای آنها در ایران شناسایی عوامل خطر این بیماریها در سنین جوانی میزان ابتلا و مرگ در سنین بالاتر زندگی را کاهش می دهد. پژوهش ها در این زمینه در دانشجویان محدود است. با توجه به ضرورت آن هدف مطالعه تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی دانشگاه زاهدان می باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی_تحلیلی تعداد۲۳۰نفر دانشجوی پزشکی دانشگاه زاهدان در بهار۱۳۹۵ به روش تصادفی-طبقه‌ای انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه که روایی و پایایی آن تایید شده بود استفاده شد که شامل چهار بخش مشخصات فردی، بررسی دانش، نگرش و عملکرد بود استفاده شد و برای آنالیز داده ها از spss ورژن ۱۶ استفاده شد برای بررسی ارتباط دانش، نگرش و ویژگی‌های فردی از آزمونهای آنالیزواریانس یکطرفه، ضریب همبستگی پیرسون و در مورد ارتباط عملکرد با ویژگیهای فردی و سایر متغییرها از آزمون خی۲ استفاده شد.

نتایج: بر اساس نتایج میانگین سنی دانشجویان ۲۱/۴۵ بود که شامل ۵۶/۵٪ مرد ۴۳/۵٪ زن و ۲۹/۵٪ بومی۷۰/۵٪ غیر بومی بودند میزان آگاهی و نگرش دانشجویان خوب ارزیابی شد (۴۲ از ۵۵ و ۲۶ از ۴۰ نمره) بین جنس و آگاهی، نگرش رابطه معنا داری دیده نشد pvalue>۰/۰۵ (بین جنس و عملکرد رابطه معنا دار بود pvalue<۰/۰۲۳) در مردان میزان استفاده از نمک و غذاهای پرچرب بیشتر از زنان ولی استرس در زنان بیشتر بود. در مجموع عملکرد مردان از زنان ضعیفتر بود (مردان ۱۲/۵و زنان ۱۵/۹۵ از ۳۰).

نتیجه گیری: آگاهی و نگرش دانشجویان خوب ولی عملکردشان ضعیف بود. لذا نیاز به فرهنگ سازی وتدارک برنامه های آموزشی برای بهبود عملکرد دانشجویان لازم است.

کلمات کلیدی: دانش، نگرش، عملکرد، دانشجو، بیماری های قلب عروق

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

گزارش عملکرد بخش تغذیه در طرح تحول نظام سلامت شهرستان فسا در گروه های مختلف سنی در سال ۱۳۹۴

معصومه زحمتکشان، زینب همت دار، مریم تشکر

معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی فسا،فسا، ایران

زمینه و هدف: در طرح تحول نظام سلامت با نگاه به اینکه تغذیه یک عامل بسیار مهم در حفظ سلامت مردم و پیشگیری از بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های غیرواگیر است، کارشناسان تغذیه در نظر گرفته شده‌اند. این تحقیق، با هدف ارائه گزارشاتی مبنی بر ارجاعات انجام شده به مشاوره تغذیه در گروه های مختلف سنی در شش ماهه دوم سال ۹۴ در شهرستان فسا انجام شد.

مواد و روش ها: ادغام بخش تغذیه درطرح تحول نظام سلامت از شهریور سال ۹۴ در شهرستان فسا انجام شد. افرادی که به مطب ها و مراکز بهداشتی مراجعه می کردند، در صورتی که ریسک فاکتورهای مرتبط با تغذیه داشتند، به مشاوره تغذیه ارجاع داده می شدند. مشاور تغذیه نیز اقدامات لازم در جهت بهبودی آن ها انجام می دهد و درصورت لزوم هر چند وقت یکبار پیگیری می شوند.

نتایج: مجموع ارجاعات انجام شده در سه ماهه سوم سال ۹۴ از ۹۱۸ ارجاع به ۱۰۲۸ ارجاع در سه ماهه چهارم سال ۹۴ رسیده است. ارجاعات انجام شده ۲٪ بعلت کم خونی، ۱۲/۷٪ بعلت کمبود وزن، ۵۳٪ بعلت اضافه وزن و چاقی، ۱۱/۳٪ بعلت دیابت، ۱۲/۲۸٪ بعلت فشارخون بالا و ۱۰/۳٪ بعلت هایپرلیپیدمی بوده است. ارجاعات انجام شده ۳/۳٪ مربوط به گروه سنی ۶-۰ سال، ۳/۹٪ گروه ۱۸-۶ سال، ۱۱/۵٪ گروه ۲۹-۱۹ سال، ۴۶/۴٪ گروه ۵۹-۳۰ سال و ۳۴/۷٪ گروه سنی ۶۰ سال به بالا بوده است. بیشتر ارجاعات انجام شده نیز بعلت اضافه وزن و چاقی بوده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که بیشتر ارجاعات انجام شده در گروه سنی میانسالان بوده است که بایستی گام هایی در جهت آموزش و افزایش آگاهی افراد برداشته شود. علاوه بر این، بالا بودن تعداد ارجاعات نشان دهنده رضایت مردم از خدمات ارایه شده توسط بخش تغذیه در تحول سلامت بوده است.

کلمات کلیدی: طرح تحول نظام سلامت، تغذیه، ارجاع، گروه های سنی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی علل عدم گزارش دهی اشتباهات دارویی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال ۱۳۹۵

زهرا پورنامدار[۱]، مهناز شهرکی پور[۱]، صادق زارع [۲]

۱- مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان ، ایران

زمینه و هدف: گزارش نمودن اشتباهات دارویی از یک سو موجب حفظ و رعایت ایمنی بیمار و از سوی دیگر به عنوان یک گنجینه اطلاعاتی ارزشمند در راستای پیشگیری از بروز اشتباهات دارویی در آینده محسوب می شود. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی علل عدم گزارش دهی اشتباهات دارویی از دیدگاه دانشجویان پرستاری انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه، یک پژوهش توصیفی می باشد که بروی ۸۷ نفر از دانشجویان پرستاری که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه ای دو بخشی که بخش اول مربوط مشخصات دموگرافیک و بخش دوم مربوط به عوامل موثر بر عدم گزارش دهی اشتباهات دارویی بود، استفاده گردید. در نهایت پس از جمع آوری پرسش نامه ها، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 19 و آمارهای توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: میانگین سنی افراد در این مطالعه ۲/۴۸ ± ۲۱/۰۹ ، ۵۱ نفر زن بودند. ۲۴ نفر در ترم ۴، ۳۱ نفر در ترم ۶ و۳۲ نفر در ترم ۸ مشغول به تحصیل بودند. بیشترین میانگین نمره در بعد عوامل مدیریتی بود. همچنین بیشترین میانگین نمره در گویه ها مربوط به گویه "تمرکز مسؤولان تنها به شخص اشتباه کننده بدون توجه به سایر عوامل دخیل در بروز اشتباه" و "عدم دریافت بازخورد مثبت از طرف مسئولین پرستاری به دنبال گزارش دهی" بود و کمترین میانگین نمره مربوط به گویه "اهمیت ندادن به گزارش دهی بعضی از اشتباهات دارویی" می باشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بالاترین میانگین نمره علل عدم گزارش دهی مربوط به بعد مدیریتی بود. بنابراین مسئولین و کارکنان پرستاری در مورد چگونگی برخورد با اشتباهات دارویی بایستی توجیه شده و مسائل را به طور سیستمی در نظر بگیرند.

کلمات کلیدی: خطای داروی، داشنجویان، زاهدان، پرستاری

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی تأثیر الگوی مراقبت پی گیر بر میزان قند و هموگلوبین گلیکوزیله خون در کودکان و نوجوانان دیابتی سن مدرسه

فائزه جهانپور، نیلوفر معتمد، طاهره موسوی، فرشته سبوحی

۱- دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

زمینه و هدف: دیابت از شایع ترین بیماری های مزمن متابولیکی می باشد که به علت فقدان انسولین در اثر آنتی بادی علیه سلول های بتای جزایر لانگرهانس پانکراس به وجود می آید که عوارضی را در ارگان های مختلف بدن ایجاد می کند. به منظور کاهش عوارض این بیماری الگو های مختلفی وجود دارد که یکی از آن ها الگوی مراقبت پی گیر می باشد. در این پژوهش تعیین تأثیر الگوی مراقبت پی گیر بر میزان قند و هموگلوبین گلیکوزیله خون در کودکان و نوجوانان دیابتی در سنین مدرسه بررسی شد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی(clinical trial) بر روی ۹۰ کودک و نوجوان دیابتی سن مدرسه مراجعه کننده به کلینیک دیابت شیراز بود، که طی آن تأثیر متغیر مستقل الگوی مراقبت پی گیر بر دو متغیر وابسته قند خون و هموگلوبین گلیکوزیله این بیماران بررسی شد. تعداد نمونه در این پژوهش شامل ۹۰ نفر از کودکان و نوجوانان دیابتی در سن مدرسه بود که به روش در دسترس انتخاب شده وسپس با استفاده از جدول تصادفی اعداد اکسل در دو گروه آزمون و کنترل قرارگرفتند. فرم اطلاعات بیوگرافی تکمیل گشت و به گروه آزمون کتابچه آموزشی داده شد. برای گروه آزمون پنج جلسه ی آموزشی درباره ی برگزار گردید. الگوی مراقبت پی گیر اجرا شد و در نهایت بعد از ۱۲ هفته که از آغاز این مطالعه گذشت، قند خون و هموگلوبین گلیکوزیله ی نمونه‌های دو گروه اندازه گیری و با آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: نتایج حاصل از همبستگی جزئی نشان داد که در سطح معناداری (۰/۰۱) بین مؤلفه های زیر همبستگی قابل استناد می باشد. آزمون تی مستقل نشان داد که سطح قند خون ناشتا در ابتدای پژوهش بین دو گروه کنترل و آزمون تفاوت معناداری وجود نداشت(pvalue =۰/۱۴). همچنین بعد از انجام مداخله نیز سطح قند خون ناشتا بین دو گروه تفاوت معناداری نداشت(pvalue =۰/۲۸). آزمون من ویتنی نشان داد که سطح هموگلوبین گلیکوزیله قبل از انجام مداخله بین دو گروه تفاوت معناداری داشته است(pvalue =۰/۰۰۵). اما پس از مداخله دو گروه از نظر سطح هموگلوبین گلیکوزیله با یکدیگر تفاوت معناداری داشتند(pvalue =۰/۰۵۳).

نتیجه گیری: میزان قند خون ناشتا و هموگلوبین گلیکوزیله قبل و بعد از مداخله تفاوت آماری معناداری را نشان می دهد. در واقع میزان هر دو مولفه بعد از مداخله روند نزولی داشته است. نکته ی حائز اهمیت آن است که تفاوت بسیار اندکی در گروه مداخله و کنترل مشاهده گردید. و این بر می گردد به این که در طول مصاحبه، این گروه از قبل تجربه آموزش هایی را در راستای مراقبت پی گیر دریافت کرده بودند. چیزی که مهم فرض شده این است که در هر دو گروه روند نزولی بعد از آموزش مراقبت پی گیر و مداخله در میزان قند خون و هموگلوبین گلیکوزیله مشهود است. بنابراین از این الگو می توان در جهت مدیریت بیماری دیابت استفاده کرد.

کلمات کلیدی: الگوی مراقبت پی گیر، دیابت، قند خون ناشتا، کودکی، نوجوانی، هموگلوبین گلیکوزیله

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارزیابی سطح سرمی آهن در مردان دچار سنگ کلیه مراجعه کننده به بیمارستان ولی عصر فسا در سال ۱۳۹۴

عبدالحمید ابراهیمی[۱]، سالار حسین پور[۱]، رضا علیپور[۱]، محمد صادق وزیری [۱]، غزال موسویان[۲]، ساناز حسین پور[۳]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۳- دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

زمینه و هدف: سنگ کلیه یکی از شایعترین شکایات در اورولوژی می باشد که حدود ۴ تا ۷ درصد مردم جهان به آن مبتلا هستند. میزان بروز سنگ کلیه در ایران از حداکثر میزان جهانی بیشتر است. هدف این مطالعه بررسی وضعیت سطح سرمی آهن در بیماران دچار سنگ های کلیوی با گروه شاهد بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مورد-شاهدی ۷۲ نفر از بیماران مبتلا به سنگ کلیه (گروه مورد) با ۷۲ نفر از افراد سالم از نظر ابتلا به این بیماری (گروه شاهد) مورد بررسی قرار گرفته و بین دو گروه یکسان سازی صورت گرفت. افرادی که قرص آهن و مکمل های غذایی مصرف کرده بودند از مطالعه خارج شدند. سپس تمامی افراد برای انجام آزمایش های لازم به آزمایشگاه بیمارستان ولی عصر فسا ارجاع شدند. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS 21 و آزمون‌های آماری t-test و chi-square ارزیابی شدند.

نتایج: میانگین سنی گروه مورد ۱۵/۶۹±۴۲/۳۶ سال و میانگین سنی گروه شاهد ۱۳/۹۷±۴۰/۸۳ سال بود. متوسط سطح سرمی آهن در گروه مورد ۳۳/۴۵±۶۱/۳۲ mg/dl در گروه شاهد ۳۷/۶۹±۱۰۸/۱۷ mg/dl و میانگین سطح سرمی فریتین در گروه مورد ۵۳/۶۸±۴۹/۷۹ ng/dl و در گروه شاهد ۸۳/۵۹±۸۷/۸۲ng/dl به دست آمد. به طوری که میانگین فریتین و آهن سرم دو گروه تفاوت معنی دار داشتند ($P_{value}<0.001$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین فریتین و آهن سرم در گروه مبتلایان به سنگ کلیه نسبت به گروه شاهد پایین تر است. لذا پیشنهاد می شود در افراد مبتلا به سنگ های کلیوی سطح سرمی آهن به عنوان یک عامل تاثیرگذار به صورت مداوم سنجش گردد.

کلمات کلیدی: سطح سرمی آهن، سنگ کلیه، فسا

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارتباط اعتیاد به ماری جوانا با افسردگی، اضطراب و استرس

علی اثنی عشری [۱]، مرتضی رجبی[۱]، رضا علیپور[۱]، نگین پیروی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: استفاده نابه‌جا از مواددارویی مشکل بزرگ مرتبط باسلامت است و هزینه‌های گزافی بر جامعه و خانواده‌ها تحمیل می‌کند.ماری‌جوانا یکی از رایج‌ترین مخدرهایی است که در سراسر جهان مصرف و قاچاق می‌شود. ماری‌جوانا،گل‌خشک گیاه شاهدانه (Cannabis) است وتتراهیدروکانابینول ترکیب‌مؤثر فراورده‌های شاهدانه و عامل‌اصلی آثار سرخوشی‌آور آن است. اگرچه ماری‌جوانا در سراسر دنیا در حال استفاده است؛ اما تاثیرات روانی آن همچنان در شک و تردید می‌باشد، لذا با توجه به اهمیت اختلالات روانی در جامعه و باتوجه به مصرف رو به‌گسترش ماری‌جوانا برآن شدیم تا با مطالعه‌ای پیرامون این موضوع به بررسی وضعیت افسردگی، اضطراب و استرس در جمعیت مصرف‌کننده ماری‌جوانا بپردازیم.

مواد و روش: مطالعه حاضر از نوع مقطعی-تحلیلی شامل ۱۱۰ نفر مصرف کننده دایمی ماری‌جوانا با شرط عدم مصرف هرگونه ماده مخدر دیگر که به صورت نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند؛ به این صورت که هر مصرف‌کننده یک مصرف‌کننده دیگر را معرفی نمود. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه DASS-21 بود. داده‌های توصیفی با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل داده‌ها پس از بررسی نرمالیته با استفاده از آزمون شاپرووبلک با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و من‌ویتنی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی افراد ۴/۶±۲۶/۳ و از تعداد ۱۱۰ نفر شرکت کننده در مطالعه ۷/۲ درصد زن و ۹۲/۸ درصد مرد بودند. ۶۵ درصد افراد شرکت کننده از افسردگی، ۱۹ درصد از اضطراب، ۵۹ درصد از استرس رنج می‌بردند. در بررسی تحلیلی داده ها بین میزان مصرف در هفته با نمره افسردگی، اضطراب و استرس رابطه معنی داری به دست‌آمد که P-Value آنها به ترتیب ۰/۰۰۴، ۰/۰۲۱ ، ۰/۰۰۱> بود. اما بین میزان افسردگی، اضطراب، استرس با میزان تحصیلات، جنسیت افراد و وضعیت تاهل ارتباط معنی‌داری نبود.

نتیجه‌گیری: ابتلا به افسردگی در نتیجه مصرف ماری‌جوانا می‌تواند موجب خودکشی،گرایش به مصرف سایر مخدرها، اعتماد به نفس پایین و نتایج حاصل ازآن،افت تحصیلی و درمجموع اختلال در عملکردهای شغلی، خانوادگی و اجتماعی شود که به طور مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های گزافی را به جامعه تحمیل می‌نماید. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به عوارض احتمالی مصرف از جمله وابستگی روانی و اختلالات رفتاری علاوه بر افزایش سطح آگاهی جوانان، در موارد لازم مداخله برای کاهش مصرف این مخدرها انجام گیرد.

کلمات کلیدی: اعتیاد، ماری‌جوانا، اضطراب، افسردگی، استرس

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تاثیر مصرف لبنیات کم چرب و پرچرب بر سطح LDL و HDL سرمی: یک مطالعه ی متا آنالیز

مریم هادی بر حق طلب[۱و۲]، رضا همایونفر[۲و۳]، عرفان صادقی[۴]، علی خرمندار[۱و۲]، حمیدرضا ثابت[۱]

۱- کمیته ی تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه تغذیه، دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۴- گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده ی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: LDL و HDL از جمله لیپوپروتئین های مهم خون هستند که سطح سرمی آن ها با بیماری های مختلفی در ارتباط است. سطح پایین HDL و بالا بودن میزان LDL از معیار های تشخیصی سندرم متابولیک و نمره ی فرامینگهام بوده و بدین ترتیب فرد را در خطر بالای ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی قرار می دهند. اصلی ترین عامل ورودی لیپوپروتئین ها به بدن الگوی تغذیه ای و از جمله ی آن لبنیات مصرفی فرد است. مطالعات متفاوتی تاثیر مصرف لبنیات کم چرب و پرچرب را بر سطح لیپوپروتئین های خون سنجیده و مقایسه کرده اند. در این مطالعه بر آن شدیم که مطالعات مختلفی که را در این زمینه انجام شده اند مورد آنالیز آماری قرار دهیم.

مواد و روش ها: در این مطالعه عباراتی چون low fat dairy, high fat dairy, LDL level and HDL level را در پایگاه های google scholar، PubMed، Medline، SID و Iranmedex را مورد جست و جو قرار دادیم. مجموع نتایج مرتبطی که یافت شد ۱۳۴ مورد بود. با محدود کردن سال چاپ مقاله از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ تعداد مطالعات به ۱۲۱ مورد کاهش یافت. از این میان مطالعاتی انتخاب شدند که جنبه ی مداخله ای داشته و با افزایش لبنیات مصرفی فرد، تاثیر آن را سنجیده بودند. در نهایت ۱۷ مطالعه مورد مرور و آنالیز آماری قرار گرفت.

یافته ها: با تجمیع جمعیت های مورد مداخله و آنالیز های آماری نتایج به این صورت حاصل شد: تاثیر افزایش مصرف لبنیات بر LDL در ۱۷ مطالعه گزارش شده بود که جمعا ۱۴۱۶ نفر را شامل می شد. به طور کلی ارتباط معنی داری میان افزایش لبنیات و تغییرات LDL در هر یک از زیر گروه های کم چرب و پر چرب وجود نداشت (P:0.06, CI -0.24 to 0.37). تاثیر افزایش لبنیات بر HDL نیز در ۱۷ مطالعه موجود بود که جمعا ۱۵۲۷ نفر را شامل می شد. در مورد HDL نیز ارتباط معنی داری میان افزایش لبنیات کم چرب و پر چرب و تغییرات HDL دیده نشد(P:0.06, CI -0.24 to 0.37).

نتیجه گیری: آن طور که مشخص شد، افزایش مصرف لبنیات، اعم از کم چرب و پرچرب، تاثیر چندانی بر سطح سرمی LDL و HDL ندارد. بسیاری اعلام می دارند مصرف لبنیات پرچرب ارتباط مستقیمی با ابتلا به بیماری های قلبی عروقی دارد. در این مرور اثبات شد این ادعا حداقل از مسیر افزایش سطح لیپوپروتئین های خونی صحیح نیست. برای بررسی سایر جنبه های مصرف لبنیات مطالعات طولی و مرور های آماری بیشتری مورد نیاز است تا بتوان یک گزاره ی کلی و قطعی در باره ی ارتباط مصرف لبنیات با ابتلا به بیماری های مختلف ارائه داد.

کلمات کلیدی: لبنیات کم چرب، لبنیات پرچرب، سطح LDL و HDL سرمی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارتباط لیپید های سرمی و تراکم توده استخوان در زنان یائسه تهرانی در سال ۱۳۹۴

محمدحسین یزدان پناه[۱]، عزیزالله دهقان[۲]، رضا همایونفر[۳]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳ -گروه تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه و هدف: تراکم توده استخوان می تواند تحت تاثیر افزایش اسیدیته خون باشد که یکی از عوامل این افزایش، چربی های خون و متابولیسم آنها می باشد. بنابراین هدف ما در این مطالعه یافتن ارتباط لیپید های سرمی و تراکم توده استخوان می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی روی ۳۶۶ زن یائسه انجام شد. از جمعیت مورد مطالعه خونگیری انجام شد و نمونه به آزمایشگاه جهت انجام تست بیوشیمیایی انتقال یافت. سپس اطلاعات تراکم توده است .بعد از پرسش اطلاعات دموگرافیک ، از فرد در شرایط ناشتایی ۱۲ ساعته نمونه خون وریدی تهیه شده و به آزمایشگاه جهت انجام تست بیوشیمیایی منتقل شد. سپس اطلاعات میزان تراکم استخوان به روش DEXA (dual energy x-ray absorptiometry) با استفاده از دستگاه دانسیتومتری Lunar در استخوان Pelvic و Spine و همچنین تمام بدن مشخص گردید. اطلاعات وارد SPSS 19 شدند و ارتباط بین متغیر های کمی با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: میانگین سن افراد مورد مطالعه ۴/۹۲±۵۵/۹۷ بود .همچنین میانگین وزن افراد ۸/۲۳±۱۰۱/۱۷ گزارش شد.

LDL (P-value = 0.008) ، HDL (P-value = 0.037) و میزان تری گلیسیرید خون (P-value = 0.01) با اطلاعات استخوان Pelvic ارتباط معنادار نشان داد. TC با اطلاعات تراکم توده استخوان ارتباط معناداری نداشت (P-value = 0.630). همچنین شاخص توده بدنی BMI با اطلاعات تراکم استخوان ارتباط معنی داری نشان نداد(P-value = 0.324).

نتیجه گیری: مطالعه ما نشان داد که LDL و تری گلیسیرید خون هر دو با تراکم توده استخوان ارتباط معکوس دارند. همچنین HDL یا چربی خوب نیز با میزان تراکم استخوان رابطه مستقیم معناداری نشان داد. سطح سرمی کلسترول نیز با تراکم مواد معدنی استخوان ارتباطی نداشت.

کلمات کلیدی: لیپید های سرمی، تراکم توده استخوان، زنان یائسه، تهران

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی شیوع فشارخون در جمعیت بالا ۱۰ سال شهر بندرعباس درسال ۱۳۹۴

سپهر راسخی[۱]، حسین حمادیان[۲]، فضیلت پورعاشوری[۱]، صغری فلاحی[۲]

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

۲. مرکزباروری و ناباروری خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: شیوع فشارخون بین۵/۴٪ تا ۱۹/۴٪ گزارش شده است. با توجه به افزایش شیوع فشارخون و قابل کنترل بودن و توانایی انجام غربالگری جهت تشخیص به موقع ویافتن افراد فاقد علامت که ازبیماری خودآگاهی ندارند وکاهش عوارض آن درصورت کنترل بموقع بیماری، برآن شدیم تا شیوع فشارخون را درجمعیت بالای ۱۰سال شهر بندرعباس بسنجیم.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه تحلیل-مقطعی است. معیارورود، سن ۱۰ سال و بالاتر، باردار نبودن و تمایل فرد برای همکاری بود. براساس پوشش مراکز بهداشتی شهر به ۱۲ ناحیه تقسیم شد، هرکوچه در هر محله یک خوشه درنظرگرفته شد و بصورت تصادفی باتماس تلفنی از افراد خواسته شد تا درصورت رضایت و داشتن معیارهای ورود به مطالعه به کمپین مراجعه کنند. فشارخون پس از ۱۰ دقیقه استراحت درحالت نشسته بایک فشارسنج متناسب با دور بازو و ازدست چپ گرفته شد. درصورت بالا بودن فشار، فشارخون مجددا ۲۰ دقیقه بعد اندازه گیری وثبت شد. از فرد درمورد مصرف اخیر سیگار وکافئین هیستوری گرفته شد و درصورت مثبت بودن هیستوری اندازه گیری فشارخون دو ساعت بعد صورت گرفت، و فشارخون سیستولی بیشترمساوی ۱۴۰ میلیمترجیوه و یا فشارخون دیاستولی بیشترمساوی۹۰ میلیمترجیوه و یا مصرف بیش از۱ماه دارو ضدفشارخون جهت کنترل فشارخون را به عنوان فرد مبتلا به فشارخون در نظرگرفتیم. حجم نمونه ۲۱۹۵ نفر تعیین شد.که با توجه به خوشه بودن نحوه نمونه گیری۲۰٪ به حجم نمونه اضافه شد و۲۶۳۴ نفر تعیین شد. اطلاعات بدست آمده وارد نرم افزار آماری SPSS.16 شد و باشاخص های حد مرکزی گزارش و با آزمون های آماری کای اسکویر و Independent t test موردتحلیل آماری قرارگرفتند.

نتایج: تعداد۲۵۶۰ نفر وارد مطالعه شدند که۱۴۲۳نفر مذکر و ۱۱۳۷نفر مونث بودند. از ۷۲۰ (۲۸/۱٪)نفرمبتلا به فشارخون ۴۹۶ مورد مرد و ۲۲۴ مورد زن بودند. میانگین سنی افراد مذکر۱۳/۶۱±۳۷/۱۰ و افراد مونث ۱۳/۹۴ ± ۳۶/۲۴ بود. میانگین فشارخون سیستولی۱۵/۱۴±۱۲۲/۵۲ و فشارخون دیاستولی ۱۰/۳۹±۷۹/۸۶ میلیمترجیوه بود. میانگین فشارخون سیستولی و دیاستولی درمردان به ترتیب ۱۳/۳۶±۱۲۵/۳۱و ۲۶/۰۷±۸۲/۲۴ و در زنان ۱۶/۴۷±۱۱۹/۹۹ و۱۰/۳۹±۷۷/۶۹ بودکه ازنظرآماری اختلاف معنادارداشتند (P<0.0001).

نتیجه گیری: احتمالا یکی از دلایل فشارخون بالا در شهر بندرعباس مصرف غذاهای بومی پرنمک باشد. بنابر این می توان انتظارداشت شانس ابتلا به بیماری های قلبی عروقی دراین شهر بالاتر باشد.

کلمات کلیدی: فشارخون، شیوع، فشارخون سیستولیک و دیاستولیک

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی تاثیر فتوتراپی بر میزان پلاکت وکلسیم نوزادان مبتلا به زردی بستری شده در بیمارستان کودکان شهر بندرعباس در پاییز ۱۳۹۴

حسین سنایی[۱]، حسین حمادیان[۲]، میلادآژ[۱]، صغری فلاحی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران
۲- مرکزباروری و ناباروری خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: زردی نوزادی ازشایعترین ناهنجاری ها درهفته اول تولد است و اغلب بدون درمان بهبود می یابد. اما در مواردی نیاز به درمان پیدا می کند. فتوتراپی یکی از روش های درمانی موثراست. عوارض فوتوتراپی در بالین مشخص شده است ولی به اثرات فتوتراپی برشمارش پلاکت ومیزان کلسیم کمترپرداخته شده است. این مطالعه با هدف بررسی اثر فتوتراپی برکلسیم و پلاکت در نوزادان انجام شده است.

مواد و روش ها: پژوهش حاض رمطالعه ای تحلیلی-مقطعی است. پرونده کلیه بیماران بستری با تشخیص زردی نوزادی که نیازب ه فوتوتراپی داشتند بررسی شد. اطلاعات بدست آمده درچک لیستی شامل اطلاعات دموگرافیک، علایم آزمایشگاهی و علت زردی ثبت شد. اطلاعات بدست آمده وارد نرم افزارآماریSPSS20 شد و با استفاده از آزمون هایIndependent T test وکای اسکویر مورد تجزیه وتحلیل آماری قرارگرفت و p-value کمتراز ۰/۰۵معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: تعداد۱۹۴نوزاد (۹۸مذکر و ۹۶ مونث) موردارزیابی قرارگرفتند.که ازاین تعداد ۶۱ نوزاد بعد از دریافت فتوتراپی دچار افت میزان پلاکت و ۱۸مورد دچار کاهش کلسیم شدند. میانگین پلاکت قبل از فتوتراپی ۲۴۱۴۶۵±۸۱۷۶۶ و بعد از فتوتراپی ۲۳۰۲۹۵±۷۹۹۶۷ بود که از نظر آماری اختلاف معنی داری نداشتند(P=0.169). میانگین کلسیم قبل از فتوتراپی 9.25±0.67 و بعد از فتوتراپی ۹/۱۸±۰/۶۲ بود که این هم ازنظرآماری اختلاف معنی داری نداشتند(P=0.170). میانگین پلاکت به تفکیک جنسیت قبل وبعد از فتوتراپی به ترتیب درمذکر ۲۴۲۶۷۵±۸۱۶۰۹ و ۲۳۵۰۰۵±۸۱۳۴۹ و درمونث ۲۴۰۲۲۵±۸۲۲۳۷ و ۲۲۵۴۹۵±۷۸۶۶۶ بود که از نظر آماری اختلاف آنها معنی دار نبود(P=0.409,P=0.835). میانگین کلسیم به تفکیک جنسیت قبل و بعد از فتوتراپی به ترتیب درمذکر۹/۲۴±۰/۶۸ و ۹/۱۸±۰/۶۴ و در مونث ۹/۲۷±۰/۶۷ و۹/۱۷±۰/۶۰ بود که این اختلاف نیز معنی دار نبود (P=0.785,P=0.887).

نتیجه گیری: فتوتراپی احتمالا موجب کاهش میزان کلسیم و شمارش پلاکت ها می شود ولی این کاهش ناچیز و در رنج نرمال خواهد بود و عوارضی به دنبال نخواهد داشت.

کلمات کلیدی: فتوتراپی، کلسیم، پلاکت، زردی نوزادی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

مقایسه سطح سرمی کلسیم و اوریک اسید بین زنان باردار سالم و مبتلا به فشارخون در شهر بندرعباس سال ۱۳۹۴

محمد نفیسی[۱]، حسین حمادیان[۱]، صغری فلاحی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران
۲- مرکزباروری و ناباروری خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: فشارخون در زنان باردار از عوامل اصلی بارداری پرخطر می‌باشد. تشخیص در مراحل اولیه راهی برای پیشگیری از بروز عوارض آن می‌باشد. تغییرات متابولیسم کلسیم می‌تواند در سیر ایجاد پره اکلامپسی نقش داشته باشد. هدف مطالعه حاضر مقایسه سطح سرمی‌کلسیم و اوریک اسید بین زنان باردار مبتلا به فشارخون و زنان باردار سالم می‌باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه تحلیلی-مقطعی دربیمارستان شریعتی شهر بندرعباس انجام شد، ۱۰۰ زن باردار سالم و ۴۸ زن باردار مبتلا به فشارخون که همگی در هفته ۲۸ یا بیشتر نخستین بارداری بودند وارد مطالعه شدند. سطح سرمی‌کلسیم و اوریک اسید بین این دوگروه مقایسه شد. مبتلایان به فشارخون ۲۸ بیمار پره اکلامپسی خفیف و۱۷بیمار پره اکلامپسی شدید بودند. از چک لیستی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد که ۲ بخش داشت. بخش اول اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم سطح سرمی کلسیم، اوریک اسید و آنالیز ادراری بود که این نمونه ها در۳ ماهه سوم بارداری در بدو بستری و قبل ازختم بارداری جمع‌آوری شدند. آنالیز اطلاعات توسطSPSS.16 انجام شد. اطلاعات کمی دو گروه با آزمون T تحلیل‌شد. میزان معناداری $P < 0.05$ درنظرگرفته شد.

نتایج: میانگین سطح سرمی کلسیم ۷/۸۸ (±۰/۹۴) mg/dl (۸/۸۲-۶/۹۴) در گروه مبتلا به فشار خون و در ۸/۲۸ (±۰/۷۷) mg/dl (۹/۰۵-۷/۵۱) در گروه کنترل بودندکه اختلاف آماری معنی داری داشتند (۰/۰۱). میانگین میزان سرم اسید اوریک در باردارن با فشارخون بالا ۱/۴۱±۵/۳۲ (۶/۷۳-۳/۹۱) و درگروه کنترل ۱/۱۴±۴/۵۵ (۵/۳-۰۹/۴۱)بودکه ازنظرآماری اختلاف معنی داری داشتند.(۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: میانگین سطح سرمی کلسیم در زنان باردار با فشار خون بالا به طور معناداری در مقایسه با زنان باردار سالم کمتر بود.احتمالا کلسیم در پیشگیری از فشارخون در زنان باردار نقش داشته باشد. وتوجه به این فاکتور درمراقبت پیش از زایمان مهم است.

کلمات کلیدی: کلسیم، اوریک اسید، بارداری، بیماری فشارخون

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارتباط بین آترواسکلروز و ضخامت اینتیما-مدیا شریان کاروتید با سطح پروتئین واکنش گر التهابی با حساسیت بالا (hs CRP) خون در مبتلایان به استئوآرتریت مفصل زانو

افشین رزمجویی، احسان بهرامعلی، علیرضا عسکری، سکینه دهقانی، عزیزالله دهقان

مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیردار، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه و هدف: استئوآرتریت شایع ترین بیماری مفصلی و بزرگترین علت ایجاد ناتوانی در میان افراد میانسال ومسن است، که با تخریب غضروف مفصلی باعث ایجاد دردهای مزمن می شود. هنوز علت اصلی این بیماری شناخته نشده اما مهمترین عامل ریسک فاکتور آن سن و چاقی است. طی چندین مطالعه در کشورهای دیگر ارتباط این بیماری با پاتولوژی های عروقی گزارش شده است. هدف ما از این مطالعه بررسی وضعیت ضخامت اینتیما-مدیای شریان کاروتید در افراد دچار استئوآرتریت زانو است.

روش بررسی: در این مطالعه ی توصیفی تحلیلی مقطعی بروی ۶۸ نفر از افراد میانسال ومسن مراجعه کننده به کلینیک که طبق معیارهای استئوآرتریت دچار استئوآرتریت زانو بودند انجام شد. با استفاده از سونوگرافی ضخامت اینتیما-مدیای شریان کاروتید اندازه گیری شد و از بیماران نمونه خون جهت اندازه گیری سطح hs CRP گرفته شد و مورد بررسی قرار گرفت.نتایج با استفاده از تست های آماری رگرسیون خطی ، independent t-test مورد تجزیه وتحلیل قرارگرفت.

یافته ها: در این بررسی ۶۸ بیمار با میانگین سنی ۵۸/۰۴ سال شرکت کرده بودند. میانگین ضخامت اینتیما-مدیای شریان کاروتید در این بیماران ۰/۶۷ بود و میانگین سطح hsCRP نیز ۱/۸۵ گزارش شد.با استفاده ازتست رگرسیون خطی و با حذف عامل های مخدوش کننده ارتباط معنادار آماری (p = ۰/۹۷۴) بین ضخامت اینتیما-مدیای شریان کاروتید و سطح hsCRP در این بیماران دیده نشد.

بحث ونتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل ازاین مطالعه همراهی معنی داری میان سطح hs CRP در بیماران استئوآرتریت زانو وآترواسکلروز عروقی براساس ضخامت اینتیما-مدیا شریان کاروتید دیده نشد. با توجه به نتایج این مطالعه می توان بحث گسترده تری درمورد فرضیه نقش داشتن پاتولوژی های عروقی در استئوآرتریت انجام داد.

واژگان کلیدی: استئوآرتریت، اترواسکلروز، ضخامت اینتیما-مدیای کاروتید، hsCRP

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی آگاهی، نگرش و رفتارهای استفاده از طب سنتی در مراجعین به کلنیک درمانی شهید مفتح یاسوج

داود خاضعی نسب[۱]، مژده داودی[۱]، طاهره پروین زاده[۱]، الهام داودی[۲]، علی میرزایی[۱]، فاطمه کیانی[۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران
۲- دانشگاه علوم تحقیقات اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: طب سنتی از روش های درمانی باسابقه شامل مداخلات پزشکی در شاخه های مختلفی مانند گیاه درمانی ، طب سوزنی ، حجامت و آب درمانی و ... می باشد که با توجه به افزایش شیوع استفاده از آن در بین جمعیت های مختلف این مطالعه با هدف تعیین آگاهی، نگرش و رفتارهای استفاده از طب سنتی در مراجعین به کلنیک درمانی شهید مفتح یاسوج انجام پذیرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی مقطعی بر روی ۱۵۶ نفر از مراجعین به کلنیک درمانی شهید مفتح شهر یاسوج که به روش نمونه گیری خوشه ای-تصادفی در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. داده ها توسط پرسشنامه ها محقق ساخته که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۸۸ محاسبه و روایی آن با آرای اساتید تایید شد، مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

نتایج : جامعه آماری این مطالعه ۵۸ درصد زن و ۴۲ درصد مرد با میانگین سنی ۳۹ سال بوده اند که ۴۳/۳ درصد جامعه آماری از آگاهی خوب ۲۷/۷ درصد آگاهی متوسط و ۳۰ درصد از آگاهی ضعیفی برخوردار بوده اند و ۴۷ درصد دارای نگرش مثبتی نسبت به طب سنتنی بودند. در نتیجه ۷۸ درصد افراد حداقل یکبار در یک سال گذشته از یکی از روش های طب سنتی همچون گیاه درمانی استفاده کرده اند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه و نگرش مثبت نسبت به طب سنتی به خصوص گیاهان دارویی بومی انجام مطالعات بیشتر به منظور تعیین کارایی و اثربخشی روش های طب سنتی و گیاهان دارویی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: طب سنتی، آگاهی، نگرش، کلنیک درمانی، یاسوج

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بخش دوم



خلاصه مقالات فارسی پذیرفته شده به صورت پوستر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

شیوع خودگزارشی بیماری دیابت نوع ۲ و عوامل خطرآن در مناطق شهری- روستایی کلیه ی استان های کشور: نتایجی از مطالعه کشوری مراقبت عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در ایران ۱۳۹۰

زهراخرمی[۱]، شهین یاراحمدی[۲]،کوروش اعتمادی[۳]، سهیلاخداکریم[۴]، محمداسماعیل کاملی[۵]، علیرضامهدوی هزوه[۲]

۱- بخش اپیدیومولوژی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲- بخش غدد و متابولسیم مرکز بیماری های غیر واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران
۳- بخش غدد و متابولیسم، مرکز بیماری های غیر واگیر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴- بخش اپیدیومولوژی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۵- دفتر مدیریت و برنامه ریزی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

پوستر

زمینه و هدف: شهر نشینی یکی از علل شیوع بالای دیابت در ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه است، که می تواند بدلیل گذار نسبتا سریع سبک زندگی روستایی به شهری باشد. هدف از این مطالعه برآورد شیوع دیابت خود گزارشی و تعیین عوامل خطر مرتبط با این بیماری درمناطق شهری و روستایی کشور است.

روش کار: این مطالعه قسمتی از یک بررسی مراقبت عوامل خطر بیماری های غیرواگیر که در ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. در مجموع ۱۰۰۶۹ فرد ۲۰تا۷۰ سال که شامل ۳۰۳۶ نفر از منطقه روستایی و ۷۰۳۳ نفر از منطقه شهری کشورانتخاب شدند. عوامل خطر مهم با توجه به رویکرد Steps سازمان جهانی بهداشت بررسی شدند. دیابت در این مطالعه طبق خود گزارشی افراد است. اطلاعات دموگرافیک، انتروپومتریک، فشارخون، فعالیت فیزیکی و رژیم غذایی افراد ثبت شدند. از آنالیز رگرسیون لجستیک چند متغیره جهت بررسی عوامل خطر مرتبط با دیابت به تفکیک منطقه سکونت استفاده شد، کلیه آنالیزها با نرم افزار آماری SPSS 21 انجام شد.

نتایج: در مطالعه حاضر شیوع دیابت خود گزارشی در کل کشور ۱۰٪ و شیوع آن در ساکنین روستایی و شهری بترتیب ۷/۴٪ و ۱۱/۱٪ بود. شیوع فعالیت فیزیکی کم و نمایه توده بدنی بالا و سابقه خانوادگی دیابت به طور معنی داری در ساکنین مناطق شهری بالاتر بود. سن، سابقه خانوادگی دیابت و اضافه وزن در هر دو منطقه سکونت ارتباط معنی داری با دیابت نشان دادند درحالی که فعالیت فیزیکی متوسط فقط در ساکنین مناطق روستایی ارتباط معنی داری با دیابت نشان داد (OR=0.45,CI95%=0.29-0.71) (P-value<0.0001). فشارخون سیستول (OR=1.01,CI95%=1-1.02) و اندازه دورکمر (OR=1.02,CI95%=1.01-1.03)(P-value<0.0001) در ساکنین مناطق شهری ارتباط معنی داری را با دیابت نشان دادند.

نتیجه گیری: این مطالعه، شیوع بالاتر دیابت را در منطقه شهری نسبت به روستایی نشان داد. سکونت در شهر، فعالیت فیزیکی کم، چاقی شکمی و فشارخون بالا از عوامل خطر مرتبط با این بیماری در کشور است، بنابراین اتخاذ استراتژی های پیشگیرانه در ارتباط با بیماری های غیرواگیر از جمله دیابت به منظور کاهش بار این بیماری ها ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: دیابت خود گزارشی، عوامل خطر، شهر، روستا، بیماری های غیرواگیر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی پتانسیل خورندگی و رسوب‌گذاری آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳

محمدعلی ززولی[۱]، **مریم یوسفی**[۲]

۱- مرکز تحقیقات علوم بهداشتی و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

پوستر

زمینه و هدف: وقوع پدیده‌های خوردگی و رسوب‌گذاری در شبکه‌های آب آشامیدنی و بهداشتی باعث آسیب‌های اقتصادی و بهداشتی می‌گردد. لذا هدف از این مطالعه بررسی کیفیت شیمیایی آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳ و تعیین پتانسیل خورندگی و رسوب‌گذاری آن می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی- مقطعی است. تعداد ۶۰ نمونه آب از نقاط مختلف مناطق روستایی شهرستان آمل برای بررسی کیفیت شیمیایی آب مطابق با روش استاندارد برداشت و مورد آزمایش قرار گرفت. تعیین پتانسیل خوردگی و رسوب گذاری با استفاده از اندیس‌های رایزنر، لانژلیه، تهاجمی، پوکوریوس و لارسن انجام گرفت. نتایج بدست آمده توسط نرم افزار SPSS 20 و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون t-test تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین غلظت کل جامدات محلول، هدایت الکتریکی و قلیائیت به ترتیب برابر با ۴۶۸/۶۱، ۷۷۹/۸۵ و ۳۰۵/۹۵ میلی‌گرم بر لیتر بوده است. میانگین، حداقل و حداکثر میزان سختی کل به ترتیب برابر با ۳۶۸/۲۵، ۲۸۰ و ۴۵۱ میلی‌گرم بر لیتر بر حسب کربنات کلسیم بوده است. شاخص‌های پتانسیل خورندگی و رسوب‌گذاری نشان دادند که آب شرب مناطق روستایی شهرستان آمل تمایل به رسوب‌گذاری دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که میزان غلظت پارامترهای مورد بررسی کمتر از حداکثر مجاز استاندارد ایران است، اما آب از نظر سختی کیفیت پائینی دارد و جزء آب‌های سخت و خیلی سخت است. لذا آب کلیه چاه‌های قابل شرب شهرستان آمل در مقایسه با استانداردهای ملی از نظر کیفیت شیمیایی، قابل قبول برای آشامیدن می‌باشد.

کلمات کلیدی: کیفیت شیمیایی، خورندگی، رسوب‌گذاری، آب آشامیدنی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

فراوانی گروه خونی ABO و Rh در بیماران مبتلا به دیابت ملیتوس در فسا

ساناز حسین پور [۱]، مهدی بخشی [۲]، محمد قربانی [۳]، سالار حسین پور [۴]، محمد صالحی [۵]

۱- دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران
۲- گروه پاتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه پاتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۴- دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۵- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

پوستر

زمینه و هدف: دیابت ملیتوس یک اختلال متابولیک در بدن است که توانایی تولید انسولین در بدن از بین رفته و یا در برابر انسولین مقاوم شده و بنابراین انسولین نمی‌تواند عملکرد طبیعی خود را انجام دهد. ارتباط بین گروه های خونی ABO و Rh با دیابت ملیتوس هنوز مورد بحث می باشد. هدف از این مطالعه تعیین ارتباط بین گروه های خونی ABO و Rh با دیابت در جمعیت فسا بود.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی در بیمارستان ولیعصر فسا در سال ۱۳۹۴ انجام شد. گروه مورد مطالعه شامل ۱۲۶ بیمار مبتلا به دیابت نوع I، ۱۳۴ بیمار دیابت نوع II بودند. از تمامی این افراد نمونه خون اتخاذ و مورد آزمایش گروه خونی ABO و Rh قرار گرفت. داده ها با نرم افزار SPSS 21 و آزمون های آماری t-test و chi-square ارزیابی شدند.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعه، ازین قرار بود که در گروه مبتلایان به دیابت نوع I، ۵۶ نفر (۴/۴۴٪) گروه خونی AB، ۲۹ نفر (۲۳٪) A، ۲۷ نفر (۲۱/۴٪) O و ۱۴ نفر (۱۱/۲٪) B بودند. همچنین در گروه دیابتی نوع II، ۵۲ نفر (۳۸/۸٪) گروه خونی A، ۳۴ نفر (۲۵/۴٪) B، ۳۳ نفر (۲۴/۶٪) AB و ۱۵ نفر (۱۱/۲٪) O بودند. اما ارتباط معنی داری بین گروه خونی Rh و دیابت طی مطالعه یافت نشد.

نتیجه گیری: ارتباط معنی داری بین گروه خون ABO و دیابت پیدا شد. افراد با گروه خونی AB ریسک بالای ابتلا به دیابت نوع I را دارند. همچنین افراد گروه خونی A نیز مستعد ابتلا به دیابت نوع II هستند. پیشنهاد می شود افراد با این دو گروه خونی، بیشتر زیر نظر مستقیم پزشک باشند تا درصورت نیاز، اقدامات لازم جهت پیشگیری و درمان هریک از انواع دیابت در این افراد بکار گرفته شود.

کلمات کلیدی: گروه خونی، دیابت ملیتوس، فسا

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تأثیر مداخله آموزشی بر رفتارهای پیشگیری کننده از دیابت بارداری در زنان باردار: مدل اعتقاد بهداشتی

مهین منوچهری خرم مکانی[۱]، فرزانه مباشری[۲]

۱-گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲-گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه و هدف: متأسفانه امروزه در سراسر جهان بروز دیابت بارداری با تحمیل بار مراقبت های بهداشتی و هزینه های اقتصادی بالا رو به افزایش است. لذا اقدامات پیشگیری کننده از این معضل اهمیت بسزایی دارد. این مطالعه با هدف ارزیابی اثرات اجرای مداخله آموزشی روی رفتاری زنان باردار در پیشگیری از ابتلا به دیابت بارداری انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مداخله ای با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی در مراکز بهداشتی درمانی فسا در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. ۹۱ زن باردار (۴۵ نفر در گروه مداخله و ۴۶ نفر در گروه کنترل) به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب و سه جلسه آموزشی با فواصل یک هفته ای برای گروه مداخله انجام شد. داده ها در دو مرحله قبل و پس از اجرای مداخله و از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه جمع آوری و با استفاده از آزمون های تی تست دو نمونه مستقل و تی تست زوجی و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۰/۰۵ در نرم افزار SPSS تحلیل شد.

نتایج: میانگین نمرات تمامی ابعاد در مرحله قبل از اجرای مداخله، بین دو گروه اختلاف چندانی نداشت اما پس از اجرای مداخله، این میانگین ها در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل به طور معناداری بالاتر بود ($P < ۰/۰۵$). ضمن اینکه نمره تمامی ابعاد در گروه مداخله، پس از اجرای مداخله به طور معناداری افزایش یافت درحالیکه تغییرات در گروه کنترل قابل ملاحظه نبود.

نتیجه گیری: از آنجا که نتایج مطالعه حاضر اثربخشی مداخله آموزشی در ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از دیابت بارداری را نشان می دهد و نظر به اهمیت پیشگیری از این بیماری، پیشنهاد می گردد برنامه ریزی های لازم جهت اجرای مداخلات آموزشی در این زمینه تدوین و اجرا گردد.

کلمات کلیدی: مدل اعتقاد بهداشتی، دیابت بارداری، پیشگیری، فسا

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی کیفیت آب منابع تامین آب شهرستان قائمشهر با اجرای برنامه ایمنی آب و تجزیه تحلیل خطر و کنترل نقاط بحرانی (HACCP)

محمدعلی ززولی[۱]، معصومه اولادی[۲]، مریم یوسفی[۲]

۱- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: کیفیت آب از جمله مسائلی است که با سلامتی، بهداشت فردی و عمومی جامعه نسبت مستقیم دارد. لذا پایش آب و تأمین شرایط بهداشتی و رعایت استاندارد از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. توزیع آب غیرمنطبق با استانداردها در کوتاه مدت و در بلند مدت اثرات جبران‌ناپذیری بر سلامت مصرف‌کنندگان می‌گذارد. لذا هدف از این مطالعه، تعیین آب منابع تامین آب شهرستان قائمشهر با اجرای برنامه ایمنی آب و تجزیه تحلیل خطر و کنترل نقاط بحرانی HACCP در سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی می باشد که بر روی منابع آب شرب شهرستان قائمشهر انجام گرفت. در شهرستان قائمشهر تعداد ۲۲ منبع آبی وجود دارد که به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفت. برای این مطالعه از چک لیست ارزیابی ریسک استاندارد منابع آب استفاده گردید. هر چک لیست شامل دو بخش بوده، بخش اول اطلاعات عمومی منابع آب و بخش دوم شامل ۱۲ سوال اعم از وضعیت بازرسی لوله‌ها، تمیزی تانکرها، فاصله با فاضلاب و ... است که پس از بازدید محقق از منابع آب مورد مطالعه به صورت بلی/خیر تکمیل گردید. در مجموع ۱۲ امتیاز برای ارزیابی ریسک وجود دارد، که بر اساس امتیاز به دست آمده از چک لیست، هر منبع به صورت ریسک بالا، متوسط و پائین ارزیابی می‌شود. نتایج حاصل از ارزیابی همه منابع موجود با استفاده از نرم افزار Excel 2007 و آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

نتایج: نتایج این پژوهش نشان داد که در مجموع ۵ مورد از چاه‌های مورد بررسی امتیاز صفر را کسب کردند که در واقع ریسک پائین بودند. ۱۷ مورد از چاه‌های مورد بررسی امتیاز ریسک متوسط را به دست آوردند و تنها یک چاه دارای ریسک بالا مشاهده شد. میانگین pH در نمونه‌برداری‌های انجام شده، ۷/۴ بوده و کمترین و بیشترین میزان آن به ترتیب ۶/۸ و ۷/۸ بوده است. میزان کلر باقیمانده نیز از صفر تا ۱/۵ بوده است. آزمایشات میکروبی هیچ آلودگی را در تمام نقاط مورد بررسی نشان نداد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر چاه‌های مورد بررسی دارای ریسک متوسط و قابل توجهی می‌باشند. لذا نیاز به توجه بیشتر مسئولین جهت بهبود و اصلاح وضعیت چاه‌های مورد بررسی می‌باشد.

کلمات کلیدی: کیفیت آب، آب آشامیدنی، HACCP، قائمشهر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

مطالعه ارتباط برخی عوامل تغذیه ای با سرطان پستان در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر نجف آباد

سیداحسان اسدی[۱]، صبا نوریان[۲]

۱-کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۲-دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

پوستر

زمینه و هدف: سرطان پستان شایع ترین سرطان در زنان می باشد. میزان بروز آن دایم در حال افزایش است و با وجود پیشرفت در روشهای درمانی مرگ و میر ناشی از آن هنوز هم بالاست.این مطالعه با هدف تعیین ارتباط برخی عوامل تغذیه ای با سرطان پستان در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر نجف آباد صورت گرفته است.

مواد و روش ها: در این مطالعه موردی - شاهدی ۱۵۰ بیمار مبتلا به سرطان پستان (بین ۲۰ تا ۶۰ سال) با ۱۵۰ شاهدی که از نظر سن و جنس با هم همسان شده بودند مورد مقایسه قرار گرفتند. موردها زنانی بودند که حداکثر یکسال از تشخیص سرطان پستان شان می گذشت و گروه کنترل زنانی بودند که هیچ سابقه ای از سرطان، بیماری های زنان، هورمونی یا گوارشی نداشتند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های عمومی و پرسشنامه تکرر غذایی (FFQ) نیمه کمی استفاده شد. نسبت برتری (Odds Ratio) محاسبه گردید و روش های آماری رگرسیون لجستیک و منتل - هنزل مورد استفاده قرار گرفتند.

نتایج: نسبت برتری (با ۹۵ درصد فاصله اطمینان) برای چربی تام، اسیدهای چرب اشباع، اسیدهای چرب با یک پیوند دوگانه، اسیدهای چرب با چند پیوند دو گانه، کلسترول، پروتیین و کربوهیدرات به ترتیب ۱/۹۵ (۱/۳-۰۶/۵۷)، ۱/۱۷ (۰/۲-۵۴/۱۴)، ۲/۱ (۱/۴-۱۳/۱۱)، ۴/۱۸ (۲/۲-۷/۶۱)، ۰/۴۳ (۰/۲۲-۰/۷۳)، ۰/۸۵ (۰/۳-۱/۸۸) و ۰/۹۲ (۰/۱-۳۴/۸۵) بود.

نتیجه گیری: سال ها طول می کشد تا عوامل رژیمی که در سبب شناسی سرطان پستان دخالت دارند نتایج بیماریزا بر روی بافت ها به جا بگذارند با وجود این، تکرر مصرف چربی در طول یکسال گذشته روش خوبی برای محاسبه عادات غذایی فرد می باشد. مطالعه حاضر نشان می دهد که چربی تام دریافتی و انواع چربی دریافتی با سرطان پستان ارتباط دارند، چنانچه چربی تام (Total fat)، اسیدهای چرب غیراشباع با یک پیوند دو گانه (MUFA)، اسیدهای چرب غیراشباع با چند پیوند دوگانه (PUFA)، حتی پس از تطبیق انرژی ارتباط مثبت و معنی داری را با سرطان پستان نشان دادند. در حالیکه کلسترول ارتباط معکوس معنی داری را با سرطان پستان نشان داد.

کلمات کلیدی: سرطان پستان، عوامل تغذیه ای، نجف آباد

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی وضعیت خود درمانی با دارو در زنان بندرعباس

صدیقه رضایی جابری، لاله حسنی، شکرالله محسنی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران

زمینه و هدف: خوددرمانی با دارو، جزء مهمی از رفتار پزشکی افراد است. با توجه به شیوع رو به افزایش مصرف خودسرانه دار و مطالعه حاضر با هدف تعیین فراوانی خوددرمانی و برخی از عوامل موثر بر آن درزنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به صورت توصیفی – تحلیلی انجام شد. نمونه پژوهش ۴۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس بودند که به صورت در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه شامل شش قسمت (مشخصات دموگرافیک، منبع اطلاعات زنان درزمینه خوددرمانی (۷سؤال)، عوامل دخیل در پیشگیری از مصرف خودسرانه دارو (۳سؤال)، عملکرد زنان در زمینه خوددرمانی (۱۲سؤال)، داروهایی که فرد به صورت خود سرانه مصرف می نمودند (۱۶سؤال) و دیدگاه زنان در خصوص عوامل مؤثر بر مصرف خودسرانه داروها (۱۴ سؤال) بود.

نتایج : یافته های این پژوهش نشان داد که ۷۹/۵٪از کل زنان مورد بررسی مصرف خودسرانه دارو داشتند. شایعترین بیماری هایی که سبب خود درمانی شده بود شامل : سرماخوردگی ۱۷۱نفر(۴۲/۸٪)، سردرد۱۶۲نفر(۴۰/۵٪)، اختلالات قاعدگی ۹۳ نفر (۲۳/۲٪)،کم خونی۶۳ نفر (۱۵/۸٪) بود. شایعترین علل خود درمانی نیز به ترتیب شامل:گرانی حق ویزیت پزشکان ۱۵۲ نفر (۳۸٪)، تجربه قبلی از بیماری ۱۴۴نفر (۳۶٪)، مهم تلقی نکردن بیماری (۳۵/۸٪) و نتیجه قبلی خوددرمانی ۱۲۵نفر (۳۱/۲٪) بود. بیشترین داروهایی که به صورت خود سرانه مصرف شده بودند نیز به ترتیب عبارت بودند از: مسکن ها ۱۵۵ نفر (۳۸/۸٪) و قرص سرماخوردگی (۲۲/۸٪).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان دادکه درصد بالایی از زنان مصرف خودسرانه دارو را داشتند. از این رو لازم است برنامه های آموزشی خاصی برای افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد زنان طراحی و اجرا گردد.

کلمات کلیدی: خوددرمانی، زنان، مراکز بهداشتی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تاثیر برنامه آموزش خود مراقبتی بر کیفیت زندگی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی مراجعه کننده به بخش قلب بیمارستان ولیعصر (عج) فسا در سال ۱۳۹۴

مصطفی بیژنی[۱]، محمود حاتمی[۱]، الهه غضنفری شبانکاره[۱]، زهرا غضنفری شبانکاره[۲]

۱- دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

پوستر

زمینه و هدف: نارسایی مزمن قلبی یکی از مهم ترین و شایع ترین اختلالات قلبی عروقی است. لذا مطالعه ی حاضر به منظور تعیین تاثیر آموزش خود مراقبتی برکیفیت زندگی بیماران نارسایی قلبی انجام شده است.

مواد و روش ها : این مطالعه به صورت مداخله ای (قبل و بعد) در دو گروه مداخله و کنترل صورت گرفته است. نمونه های این مطالعه ۵۰ نفر از بیماران دچار نارسایی قلبی بودند که به صورت تقسیم تصادفی ساده در دو گروه قرار گرفتند. گروه مداخله ۵ جلسه، به میزان ۴۵ دقیقه و به مدت ۳ ماه تحت آموزش قرار گرفتند. داده ها با نرم افزار SPSS18 و با استفاده از تست های آماری تی زوج، کای اسکوئر آنالیز شدند.

نتایج: بین میانگین نمره کلی کیفیت زندگی (از ۸/۶±۳۷/۴۳ به ۱۰/۷±۶۵/۱۵) در گروه مداخله و نیز ابعاد آن (جسمی، روحی روانی و اجتماعی اقتصادی) تفاوت آماری معنی داری نشان داده شد (P = ۰/۰۲۵).

نتیجه‌گیری: با اجرای برنامه آموزشی، میانگین نمرات کیفیت زندگی در هر سه بعد در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل، بهبودی معنی داری یافته است لذا توصیه می شود که به عنوان یک روش موثر جهت ارتقاء کیفیت زندگی بیماران نارسایی قلبی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: نارسایی قلبی، کیفیت زندگی، آموزش خود مراقبتی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تجزیه و تحلیل پیوستگی ژنتیکی لوکوس DFNB39 در بیماران ناشنوای غیرسندرمی مغلوب اتوزومی استان خوزستان

نرگس زارع پور[۱]، محمد امین طباطبایی‌فر[۲]،افسانه تقی پور[۱]، فاطمه نعمتی[۱]،لادن صادقیان[۱]، مرتضی هاشم‌زاده چالشتری[۱]

۱- مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.
۲- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

پوستر

زمینه و هدف: ناشنوایی رایج ترین نقص حسی در انسان است و در حدود یک مورد از هر ۱۰۰۰کودک دارای ناشنوایی شدید یا عمیق می‌باشند. حدود ۶۰ درصد موارد ناشنوایی،ارثی است و تقریبا ۷۰٪ موارد ناشنوایی، غیرسندرمی است که تقریبا ۸۰ ٪ این نوع ناشنوایی به صورت مغلوب اتوزومی به ارث می رسد. این بیماری هتروژن می باشد و شیوع آن درکشورهای درحال توسعه بیشتر است. در ایران نیز به دلیل بالا بودن نرخ ازدواج های خویشاوندی، فراوانی بالایی دارد. هدف از این مطالعه تجزیه و تحلیل پیوستگی ژنتیکی لوکوسDFNB39 در خانواده هایی با ناشنوایی غیرسندرمی مغلوب اتوزومی در استان خوزستان می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی آزمایشگاهی، ۲۵ خانواده با ناشنوایی غیرسندرمی مغلوب اتوزومی از استان خوزستان بررسی شد. خانواده‌های انتخاب شده در این مطالعه، ازدواج خویشاوندی داشتند و از نظر جهش‌های ژن *GJB2* منفی بودند. تجزیه و تحلیل پیوستگی ژنتیکی توسط ۵ نشانگر برای لوکوس DFNB39 صورت گرفت.

نتایج: پس از بررسی خانواده های مختلف، هیچ یک از خانواده ها با لوکوس DFNB39 پیوستگی نشان نداد. این مطالعه حاکی از آن است که جهش های ژن *HGF* در ایجاد ناشنوایی در خانواده های مورد بررسی احتمالا نقشی ندارند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، لوکوس DFNB39 اهمیت چندانی در بروز ناشنوایی در جمعیت مورد مطالعه ندارد، ولی برای تعیین نقش دقیق‌تر این لوکوس در جمعیت ایرانی مطالعات بیشتر ضروری است.

کلمات کلیدی: لوکوس DFNB39، ژن *HGF*، ناشنوایی غیرسندرمی مغلوب اتوزومی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی کیفیت زندگی سربازان یکی از یگان های نظامی بندر عباس (۱۳۹۵)

صدیقه رضایی جابری[۱]، صدیقه عابدینی[۱]، شکرالله محسنی[۱]، زهرا فولادی[۱]

۱-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران

زمینه وهدف: با توجه به اهمیت فوق العاده و بسیار مهمِ دوران خدمت سربازی، پرداختن به کیفیت زندگی آنان بسیار ضروری به نظر می رسد. مطالعه حاضر با هدف تعیین کیفیت زندگی در سربازان یکی از یگان های نظامی بندرعباس انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و مقطعی می باشد. جامعه پژوهش ۲۴۷ نفر از سربازان یکی از یگان های نظامی بندرعباس بودند. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش: مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استانداردکیفیت زندگیSF36 (شامل دو بعد جسمی و روانی) بود. بعد جسمانی شامل ۴ زیر مقیاس: کارکرد جسمی، اختلال نقش اختلال نقش بخاطر سلامت هیجانی ، درد و سلامت عمومی بود. بعد روانی مشتمل بر ۳ زیر مقیاس: انرژی و خستگی، بهزیستی هیجانی و کارکرد اجتماعی بود. داده ها با استفاده از نر م افزارSPSS19 و آزمون های آماری کای دو، تی تست، آنالیز واریانس، نسبت شانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین سن سربازان شرکت کننده درپژوهش ۳/۰۵۷±۲۳ بود. میانگین کیفیت زندگی در بعد جسمانی ۵۹/۳۵ بود که بالاترین میانگین نمره درزیر مقیاس کارکرد جسمی(۷۴/۷۶) و پایین ترین میانگین نمره مربوط به به زیر مقیاس اختلال نقش بخاطر سلامت جسمی(۵۱/۲۱) بود. میانگین کیفیت زندگی در بعد روانی۴۳/۷۰ بود.که بالاترین میانگین نمره درزیر مقیاس بهزیستی هیجانی (۵۲/۱۲) و پایین ترین میانگین نمره مربوط به زیر مقیاس اختلال نقش بخاطر سلامت هیجانی (۳۶/۱۴) بود. همچنین اختلاف آماری معناداری بین کیفیت زندگی در بعد جسمانی با بعدروانی مشاهده شد ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر بیانگر پایین بودن کیفیت زندگی سربازان در بعد روانی است. لذاپیشنهاد می شود که برنامه های مداخله ای جهت ارتقای کیفیت زندگی سربازان بخصوص در بعد روانی اجرا گردد.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، سرباز، بندرعباس

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط بین نارسایی مزمن کلیه و سن در بین بیماران تحت همودیالیز بیمارستان شهدا خلیج فارس بوشهر

زینب قربانی مقدم[۱]، شریف شریفی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲-گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: نارسایی مزمن کلیه از مسایل عمده بهداشتی است که امروزه روند رو به رشدی را دارد. با توجه به نقش کلیه ها در متابولیسم مواد غذایی و تغییرات این نقش بدلیل شرایط سنی بیماران، مطالعه حاضر به بررسی شیوع این بیماری در بین گروه های مختلف سنی می پردازد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی – تحلیلی شامل ۹۳ بیمار تحت درمان با همودیالیز مراجعه کننده به مرکز همودیالیز بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر بود. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک و عوامل مستعد کننده بیماری (دیابت، فشارخون بالا، مصرف دخانیات، بیماری های قلبی-عروقی) بدست آمد که با استفاده از نرم افزار spss v.19 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج : میانگین سن بیماران ۵۵/۰۷ سال، با محدوده ۸۷ -۱۹ سال بود. ۳۴/۴۴ ٪ شرکت کنندگان بالاتر از ۶۰ سال و ۱/۰۷٪ کمتر از ۱۹ سال داشتند. فشارخون بالا در ۳۱/۲ ٪، دیابت در ۳۹/۳ ٪، فشارخون بالا و دیابت در ۱۰/۳ ٪ و بیماری قلبی-عروقی در ۲۳٪ نمونه ها مشاهده شد. نتایج همچنین نشان داد که هر چند که سن یک فاکتور تاثیرگذار بر بروز بیماری می باشد ولی بین میزان ابتلا به بیماری و سن افراد رابطه آماری منی داری یافت نشد. ($p>0/05$).

نتیجه گیری: افزایش سن ابتلا به بیماری در افراد مسن می تواند تا حدی به دلیل بیماری های زمینه ای مانند بیماری های قلبی-عروقی و یا دیابت باشد. همچنین پایین بودن سن شروع دیالیز می تواند به علت بیماری های مادرزادی مانند دیابت و فشار خون بالا باشد که در پیشگیری، درمان و آموزش آن باید تلاش کرد.

کلمات کلیدی: بیماری نارسایی مزمن کلیه، کلیه، عوامل خطر بیماری کلیوی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی نقش سبک زندگی در بروز بیماری نارسایی مزمن کلیه

زینب قربانی مقدم[۱]، شریف شریفی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲-گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: نارسائی مزمن کلیه ها از مسائل عمده بهداشتی در جهان است. با توجه به ماهیت بدون علامت آن، اغلب به موقع تشخیص داده نمی شود، در نتیجه فرصت برای درمان آن از دست می رود. یکی از راهکارها جهت پیشگیری و شناسایی در مراحل اولیه، بررسی سبک زندگی افراد و عوامل بوجود آورنده آن است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی – تحلیلی شامل ۹۳ بیمار همودیالیزی بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر بود. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه علل بیماری، سطح فعالیت، میزان آموزش رژیم غذایی و رعایت آن، میزان شاخص توده بدنی بود که با استفاده از نرم افزار spss v.19 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: فشار خون بالا (۳۴/۲٪) و دیابت (۲۶/۹٪) از علل اصلی نارسایی مزمن کلیه در بیماران بود. طبق شاخص توده بدنی ۷/۵ ٪ سوء تغذیه و ۴۱/۹۳ ٪ دارای اضافه وزن و چاقی بودند. این شاخص در افراد دارای تحصیلات بالاتر کمتر از گروهای تحصیلی دیگر بود. ۲۶٪ افراد اعلام کردند که رژیم غذایی دیابتیک را رعایت نمی کردند و ۱۰۰٪ افراد مکمل غذایی استفاده نمی کردند. همچنین ۹۶/۸٪ افراد هیچ گونه فعالیت جسمی و ورزشی نداشتند.

نتیجه گیری: با توجه به علل بیماری(دیابت و فشار خون بالا) با اتخاذ تدابیر مناسب و آموزش عمومی از طریق کنترل و کاهش عوامل خطرساز از جمله رژیم غذایی نامناسب، بی تحرکی، چاقی، کنترل منظم فشار خون، متعادل نگه داشتن وزن بدن، از ابتلا به این بیماری می توان پیشگیری و یا به تعویق انداخت و نیز با شناخت علل بیماری در هر منطقه جغرافیایی با تمرکز بر عوامل زمینه ساز می توان قدم مهمی در کاهش ابتلا به این بیماری برداشت. تحصیلات بالاتر احتمالا با تاثیر بر شناخت بهتر عوامل موثر در انگیزه و عملکرد افراد باعث کاهش میانگین شاخص توده بدنی شده بود.

کلمات کلیدی: نارسایی مزمن کلیه، سبک زندگی، شاخص توده بدنی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

مهشید سرافراز، صغری فلاحی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

زمینه و هدف: سلامت روان یکی از مؤلفه های مهم بهداشت عمومی است و بهداشت روان، توانایی برقراری توازن در زندگی و مقاومت در برابر مشکلات است. مشکلات روانی، فشار قابل ملاحظه ای را بر افراد وارد می کند ، به طوری که پیش بینی می شود در سال ۲۰۲۰ افسردگی بعد از ناراحتی قلبی بالاترین میزان هزینه ها را در سیستم بهداشتی جوامع به خود اختصاص می‌دهد. از آنجا که دوران دانشجویی از حساس ترین دوران های زندگی هست، هدف از انجام این مطالعه بررسی سلامت روانی در دانشجویان علوم پزشکی هرمزگان در سال ۱۳۹۴ می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در سال ۱۳۹۴ انجام شد. حجم نمونه ۲۰۰ نفر برآورد شد اما برای اطمینان بیشتر ۲۵۲ نفر از اعضای جامعه بعنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استاندارد سلامت روان GHQ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی (آنوا، اسپیرمن و غیره) و به کمک نرم افزار SPSSV19 انجام شد.

نتایج: طبق آمارهای بدست امده ۱۶۷ نفر از افراد مورد پژوهش را زنان (۶۶/۳ ٪) و ۸۵ نفر (۳۳/۷ ٪) را مردان تشکیل می دادند . از نظر گروه سنی نیز گروه سنی ۲۲-۲۰ سال با ۱۱۸ نفر (۴۸/۴ ٪) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. ۱۷۱ نفر (۶۷/۹ ٪) از افراد مورد پژوهش ساکن خوابگاه و ۸۱ نفر (۳۲/۱ ٪) در منزل شخصی زندگی می کردند. ۱۲۶ نفر (۵۱/۶ ٪) از افراد از نظر روانی هیچ مشکلی نداشتند، ۱۰۶ نفر (۴۳/۴ ٪) افراد دچار سطح خفیفی از مشکلات روانی بودند و ۱۲ نفر (۴/۹ ٪) در سطح متوسطی از سلامت روانی قرار داشتند.

نتیجه گیری: سلامت روانی در بین دو جنس دختر و پسر و از نظر رده های مختلف سنی تفاوت معنی داری از نظر آماری ندارد (p-value= ۰/۱۶۹) (p-value= ۰/۱۰۹). در مجموع با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش مشاهده شد که دانشجویان این دانشگاه در سطح خوب و متوسطی از نظر سلامت روانی قرار داشتند.

کلمات کلیدی: سلامت روانی، دانشجویان، هرمزگان

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی فراوانی انجام آزمایشات ژنتیک در زوجین ناقل و مشکوک تالاسمی در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۰

پروین جولا[۲،۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپوراهواز، اهواز، ایران
۲- معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

پوستر

زمینه و هدف: تالاسمی یکی از انواع کم خونی‌های همولیتیک ارثی است که از ابزارهای مهم پیشگیری و کنترل ان انجام آزمایشات ژنتیک مرحله اول و دوم می باشند. آزمایش ژنتیک مرحله اول جهت تشخیص نوع جهش در زوجین و مرحله دوم جهت تشخیص سالم یا بیمار بودن جنین در بارداری انجام میگردد. هدف از این مطالعه بررسی فراوانی انجام آزمایشات ژنتیکی در مراکز بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی دزفول بود.

مواد و روش‌ها: دراین مطالعه توصیفی مقطعی، پرونده تمام زوجین ناقل یا مشکوک تالاسمی که درسالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۰ از طرف تیم‌های مشاوره ژنتیک به ازمایشگاه های ژنتیک پزشکی ارجاع شدند، به روش سرشماری انتخاب گردیدند. اطلاعات از طریق پرونده-های موجود جمع اوری، در نرم افزارSPSS۱۶ وارد و از طریق آزمون‌های توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: درصد فراوانی آزمایش ژنتیک مرحله اول در سال‌های۱۳۹۰(۳۰٪)، ۱۳۹۱(۳۳٪)، ۱۳۹۲(۳۸٪) و ۱۳۹۳(۴۳٪) بود. درصد فراوانی آزمایش ژنتیک مرحله دوم در سال ۱۳۹۰(۶۸٪)، ۱۳۹۱(۷۱٪)، ۱۳۹۲(۸۷٪)، ۱۳۹۳(۹۳٪) بود.

نتیجه‌گیری: روند کند افزایش آزمایش مرحله اول پس از رفع نسبی مشکل هزینه آزمایشات، ناشی از محدویت تاسیس آزمایشگاه ژنتیک در شهرستان ها و مساله بعد مسافت است که برقراری تسهیلاتی ویژه جهت مرتفع شدن این مانع پیشنهاد می گردد. با اینحال روند مطلوب فراوانی آزمایشات مرحله دوم با وجود قومیت های مختلف در منطقه و گاها عدم پذیرش سقط شرعی، حاکی از وجود بسترهای مناسب و کیفیت بالای مشاوره در تغییر نگرش زوجین می باشد.

کلمات کلیدی: آزمایشات ژنتیک، زوج ناقل تالاسمی، علوم پزشکی دزفول

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط بین بیماری های شغلی و استرس شغلی در دندانپزشکان شهر شیراز

زهرا زمانیان[۱]، مریم یوسفی[۲]، بهرام کوهنورد[۳]

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۲- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

پوستر

زمینه و هدف: انسان به عنوان یک واحد زیستی، روانی و اجتماعی، تحت تاثیر استرس تعادل خود را از دست می دهد. طبق مطالعات ۵۰ تا ۷۰ درصد بیماری ها با استرس در ارتباط هستند. لذا از هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین بیماری های شغلی و استرس شغلی در دندانپزشکان شهر شیراز بود.

مواد و روش ها: این مطالعه در سال ۱۳۹۱ بصورت تحلیلی و مقطعی در بین ۱۵۰ نفر از دندانپزشکان شیراز نفر که بطور تصادفی انتخاب شدند، انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استرس شغلی(ENSS) و سوالاتی در خصوص بیماری ها بود. تجزیه و تحلیل بوسیله آزمون های آماری T-test مستقل و Mann-Whitney Test با استفاده از نرم افزار SPSS 19 صورت گرفت.

نتایج: ۷۱/۱ درصد از دندانپزشکان مرد و ۲۸/۹ درصد زن بودند. از نظر تحصیلات ۶۳/۶ درصد دارای تحصیلات عمومی و ۳۶/۳ درصد متخصص بودند که ۱۵ درصد آنها در شیفت صبح، ۵۰ درصد آنها در شیفت عصر و ۳۵ درصد آنها در شیفت عصر مشغول بکار بودند. شیوع انواع بیماری ها در دندانپزشکان نشان داد که ۱۱/۳ درصد آنها از افزایش فشارخون، ۸/۹ درصد از کمردرد و آرتروز گردن، ۶/۷ درصد از ناراحتی قلبی، ۶/۶ درصد از سردرد، ۴/۶ درصد از ناراحتی های گوارشی، ۴/۴ درصد از آسم و ۲/۲ درصد آنها از ناراحتی های پوستی رنج می بردند. میزان استرس شغلی در زنان بیشتر از مردان، در افراد مجرد بیشتر از متاهل، در افراد دارای فرزند نیز بیشتر از بدون فرزند و هم چنین در افراد با تحصیلات تخصصی نیز بیشتر از افراد با تحصیلات عمومی بود که تمامی این ارتباط ها از لحاظ آماری معنادار نبودند ($P<0.05$). ارتباط سردرد، ناراحتی قلبی و افزایش فشار خون با استرس شغلی از لحاظ آماری معنا دار بدست آمد ($P=0.04$).

نتیجه گیری: جهت حفظ و بهبود استرس در دندانپزشکان می توان از روشهای کنترل استرس که با استفاده از متد استاندارد و علمی، جهت پیشگیری و درمان بیماری های ناشی از استرس اقدام نمود و از این طریق کیفیت زندگی آن ها را بهبود بخشید.

کلمات کلیدی: بیماری های شغلی، دندانپزشکان، استرس شغلی، شیراز

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تأثیر مدل مراقبت پیگیر بر شاخص توده بدنی و سبک زندگی میانسالان چاق

علی دلشاد نوقابی[۱]، مهدی بصیری مقدم[۲]، مهدی مشکی[۲]، میترا توکلی زاده نوقابی[۳]

۱- دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
۲- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

پوستر

زمینه و هدف: روند فزاینده چاقی این عامل را به یکی از بزرگترین چالش‌های سلامت در دنیا تبدیل کرده است. با توجه به ماهیت مزمن چاقی وجود یک الگوی مراقبتی پیگیر برای بهبود سبک زندگی این افراد لازم است. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر مدل مراقبت پیگیر بر شاخص توده بدنی و سبک زندگی میانسالان چاق انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه بصورت نیمه تجربی با انتخاب تصادفی ۱۰۵ میانسال در دو گروه آزمون و کنترل انجام شد. ابزار پژوهش متر، ترازو و پرسشنامه سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت واکر و ویژگی های دموگرافیک بود که قبل از انجام مداخله، یک، دو و سه ماه پس از مداخله توسط آزمودنی‌ها تکمیل شد. داده‌ها وارد نرم افزار spss نسخه ۲۰ و با آزمون تی، کای دو و آنوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. P<۰/۰۵ معنادار درنظر گرفته شد.

نتایج: قبل از انجام مداخله آموزشی تفاوت معنی داری بین گروه‌های مداخله و کنترل از نظر تمام متغیرهای تحت مطالعه وجود نداشت. اما بعد از انجام مداخله تفاوت معنی‌داری در دو گروه در مولفه‌های سبک زندگی و عملکرد کنترل چاقی مشاهده شد، ولی در متغیر شاخص توده بدنی ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده‌ی مؤثر بودن مدل مراقبت پیگیر بر سبک زندگی میانسالان چاق می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در برنامه های آموزشی از این مدل مراقبتی استفاده شود.

کلمات کلیدی: مدل مراقبت پیگیر، شاخص توده بدنی، سبک زندگی، میانسالی، چاقی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی اثر سیلی مارین بر غلظت سرمی هورمون FSH در موش صحرایی نر

زینب اسماعیلی[۱]، افسانه رمضانی[۱]، آوا حسینی[۱]، نگین نام آوری[۱]، حسین کارگر جهرمی[۲]، زهرا کارگر جهرمی[۲]، شکوفه آتش پور[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم ایران
۲- مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم ایران

پوستر

زمینه و هدف: امروزه ناباروری و مشکلات مربوط به آن به عنوان یکی از مسائل مهم در زندگی زوجین شناخته شده است. سیلی مارین یک ترکیب فلاونوئید پلی فنل است که از دانه های خار مریم Silybum marianum استخراج می شود. با توجه به اثرات آنتی اکسیدانی سیلی مارین هدف از این مطالعه بررسی اثرات سیلی مارین بر سطح سرمی FSH در موش صحرایی نر بوده است.

مواد و روش: در این تحقیق تجربی، ۴۰ سر موش صحرایی نر بالغ از نژاد ویستار به ۵ گروه ۸ تایی شامل کنترل، شاهد، تجربی دریافت کننده سیلی مارین (با غلظت های ۵۰، ۱۰۰، و ۱۵۰ mg/kg) تقسیم شدند. سیلی مارین به صورت گاواژ به حیوانات خورانده شد. در بیست و نهمین روز پس از شروع آزمایش خونگیری از قلب انجام گرفت و غلظت سرمی هورمون FSH اندازه گیری شد. نتایج با آزمون آماری ANOVA و تست دانکن در سطح معنی داری $p\leq ۰/۰۵$ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: میانگین غلظت هورمون FSH در گروه های دریافت کننده سیلی مارین با غلظت ۱۵۰ mg/kg افزایش معنی داری نسبت به گروه کنترل نشان داد. البته سیلی مارین با غلظت های ۵۰ و ۱۰۰ mg/kg نیز باعث افزایش غیرمعنی دار غلظت هورمون FSH شد.

نتیجه گیری: سیلی مارین به دلیل خاصیت آنتی اکسیدانی باعث افزایش ترشح هورمون FSH در موش های صحرایی نر می شود.

کلمات کلیدی: سیلی مارین، FSH، موش صحرایی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی آگاهی و نگرش مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس در مورد بهداشت دهان و دندان کودکان ۱ تا ۶ ساله

عاطفه محمدی، فاطمه انصاری، صدیقه عابدینی، شکرالله محسنی

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران

زمینه و هدف: امروزه بیماری های دهان و دندان در کودکان شیوع زیادی پیدا کرده است. دانستن میزان آگاهی و نگرش مادران می تواند سبب روشن شدن نقاط ضعف آنان شده و به کارکنان بهداشتی کمک کند تا با تاکید بر نقاط ضعف آنان به آموزش های مناسب در این خصوص اقدام نمایند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین آگاهی و نگرش مادران مراجعه کننده به مراکزبهداشتی درمانی شهر بندرعباس در مورد بهداشت دهان و دندان کودکان ۶-۱ ساله انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه توصیفی – تحلیلی بر روی ۳۰۰ نفر از مادران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر بندرعباس که دارای کودک ۶-۱ساله بودند، انجام شد. نمونه گیری به صورت طبقه ای صورت گرفت. ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسشنامه ای مشتمل بر مشخصات دموگرافیک، سوالات آگاهی سنج (۲۴ سوال) و سوالات مربوط به نگرش (۲۲ سوال) بود. برای هر پاسخ صحیح سوالات سنجش آگاهی یک امتیاز و برای پاسخ نادرست نمره صفر در نظر گرفته شد. برای سنجش نگرش از مقیاس لیکرت با امتیاز بندی یک تا پنج استفاده شد. اطلاعات جمع آوری با استفاده از نرم افزار spss19 و روش های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره آگاهی مادران ۱۴/۷۶±۳/۲۶ و میانگین نمره نگرش ۹۲/۵۸±۹/۵۲ بود. ارتباط آماری معناداری بین آگاهی با تحصیلات مادر، شغل مادر و تعداد فرزندان مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهاد می گردد با برگزاری کلاس های آموزشی یا توزیع پمفلت و بروشور سطح آگاهی مادران ارتقاء داده شود.

کلمات کلیدی: آگاهی، نگرش، بهداشت دهان و دندان، کودکان، مادران، شهر بندرعباس

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

شیوع خوددرمانی در دانشجویان دانشگاه های شهر بندرعباس

عاطفه محمدی، فاطمه انصاری، صدیقه عابدینی، شکرالله محسنی

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران

زمینه و هدف : خوددرمانی منجر به مخفی شدن شدت بیماری واقعی، تاخیر در تشخیص، پیچیده کردن روند درمان، حتی عوارض جانبی خطرناک و مسمومیت های ناخواسته می شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوع خوددرمانی در بین دانشجویان دانشگاه های شهر بندرعباس انجام شد.

مواد و روش ها: مطالعه توصیفی- مقطعی حاضر بر روی ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های شهربندرعباس (آزاد اسلامی، پیام نور و علوم پزشکی) انجام شد. نمونه گیری به صورت طبقه ای صورت گرفت. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲بخش، مشخصات دموگرافیک (۶ سوال) و سوالات مربوط به سنجش عوامل مرتبط با خوددرمانی و داروهایی که خودسرانه مصرف می شود (۲۶سوال) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار spss19 وبا استفاده از آزمون های آماری مناسب مورد تجزیه وتحلیل قرارگرفت.

نتایج: میانگین سن دانشجویان ۵/۸۵±۲۴/۱۱ سال بود.۱۹۱نفر (۳۱/۸درصد) مرد و ۴۰۹ نفر(۶۸/۲ درصد) زن بودند. نتایج شیوع خوددرمانی را ۷۹/۸ درصد نشان داد. شیوع خوددرمانی در دانشگاه علوم پزشکی ۱۶۲ نفر (۲۷/۱۳ درصد)، دانشگاه آزاد اسلامی ۱۵۷نفر (۲۶/۲۹ درصد) ودر دانشگاه پیام نور ۱۶۰ نفر(۲۶/۸درصد) بود. شایعترین داروهایی که به صورت خودسرانه توسط دانشجویان مصرف می شد به ترتیب عبارت بودند از: استامینوفن ۳۹/۸ درصد، داروهای گیاهی ۱۷/۲ درصد، آنتی بیوتیک ها ۱۰/۳درصد، آنتی اسیدها ۱۰ درصد و داروهای آرامبخش ۴/۷ درصد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای خوددرمانی (۷۹/۸درصد) که در این مطالعه بدست آمده، لازم است ضمن توجه بیشتر به آموزش مداوم و ارتقای فرهنگ مصرف دارو، به راهکارهایی همچون افزایش دسترسی آسان دانشجویان به خدمات پزشکی در دانشگاه ها نیز توجه شود.

کلمات کلیدی: خوددرمانی، دارو، دانشجویان، دانشگاه، شهر بندرعباس

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی دیدگاه پرستاران اتاق عمل بیمارستان های آموزشی زاهدان نسبت به مفروضات تئوری مک گریگور(X و Y) در سال ۱۳۹۴

علیرضا سالار[۱]، مهدی رضوانی امین[۲]، شهلا شفیعی[۳]، صادق زارع[۳]

۱- مرکز تحقیقات سلامت جامعه نگر، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲- مرکز تحقیقات سلامت بارداری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۳-کمیته تحقیقات داشجویی، دانشکده ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

پوستر

زمینه و هدف: هیچ سازمانی نمی تواند بدون تعهد و تلاش کارکنان موفق گردد. بدین دلیل مدیران و دانشمندان رشته مدیریت همواره درباره انگیزش، تئوری هایی ارائه کرده اند. این تئوری ها به نوبه خود بر نوع و رفتار مدیران با کارکنان اثر می گذارد. هدف هر سازمان نه تنها افزایش بهره وری، بلکه تلاش برای حفظ بقای خود با بهبود عملکرد می باشد و مدیران مسئولند انگیزش لازم را در کارکنان به وجود آورند تا آنها مشاغل خود را به خوبی انجام دهند. هدف از انجام این مطالعه بررسی دیدگاه پرستاران اتاق عمل نسبت به مفروضات تئوری مک گریگور می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصفی – تحلیلی می باشد که بروی ۱۱۱ نفر از پرسنل اتاق عمل که به روش سرشماری انتخاب شده بودند، در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. در این پژوهش جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دو بخشی که بخش اول آن مربوط به مشخصات دموگرافیک و بخش دوم مربوط به پرسش نامه تئوری X و Y که توسط مک گریگور طراحی شده بود، استفاده گردید. پس از جمع آوری پرسش نامه ها، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 19 و روشهای آمار توصیفی، آزمون انالیز واریانس و کای دو مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین سنی افراد ۳۱/۶۳±۶/۶۸ و ۳۴ نفر مجرد و ۷۷ نفر متاهل بودند. ۲۷ نفر از افراد مرد و مابقی افراد زن بودند. ارتباط بین مشخصات افراد با نگرش افراد در رابطه با مفروضات تئوری X وY معنادار نبود($P>0.05$). وضعیت موجود در اتاق عمل از دیدگاه پرسنل وضعیت X ارزیابی شده است و افراد به مفروضات تئوری X و Y دیدگاه مثبتی داشتند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که دیدگاه پرسنل اتاق عمل بیمارستان های آموزشی زاهدان نسبت به مفروضات تئوری X و y بصورت مثبت است و وضعیت موجود در محیط کار خود را وضعیت X ارزیابی کردند.

کلمات کلیدی: اتاق عمل، تئوری، X And Y، مک گریگور

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی شیوع عوامل خطر بیماری های مزمن غیر واگیر در ساکنان سرای سالمندان شهر سبزوار سال ۱۳۹۳

مصطفی پیوند [۱]، فاطمه اهتمام [۲]، مرجان وجدانی [۳]، فاطمه دارینی [۲]

۱- مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
۳- مرکز تحقیقات سلامت سالمندان، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

پوستر

زمینه و هدف: امروزه با گسترش مراقبت های بهداشتی اولیه، بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی و همچنین ظهور روش های نوین پیشگیری، تشخیص و درمانی، افزایش جمعیت افراد با سن بالای ۶۰ سال را شاهد هستیم. به دنبال این موضوع جایگزین شدن بیماری های مزمن غیر واگیر به جای بیماری های واگیر می باشد .عوامل خطر مرتبط با بیماری های مزمن غیر واگیر علاوه بر عوامل زمینه ای همچون سن و جنس، شامل عوامل رفتاری، تغذیه نا مناسب، بی تحرکی، استعمال دخانیات و مصرف الکل می باشد. بدون شک استمرار این وضعیت در آینده نزدیک منجر به بروز اپیدمی های گسترده بیماری غیر واگیر خواهد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی شیوع عوامل خطر بیماری های مزمن غیر واگیر در ساکنان سرای سالمندان شهر سبزوار انجام گردید.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی، مقطعی بر روی ۱۷۱ نفر سالمند (زن و مرد) ساکن سرای سالمندان شهر سبزوار به روش سر شماری در سال ۱۳۹۳ انجام شد. داده ها توسط پرسشنامه ای شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات مربوط به شیوه زندگی سلامت سالمندان که روایی و پایایی آن در مطالعه صادقیان وهمکاران به تایید رسیده بود،استفاده شد .پرسشنامه ها به صورت مصاحبه و معاینه تکمیل گردید و سپس با استفاده از نرم افزار spss (v16) وآمار توصیفی ،تحلیل شد.

نتایج: در این مطالعه ۶۰ نفر(۳۵/۱) مرد و۱۱۱ نفر (۶۴/۹) زن با میانگین سنی ۹/۴±۷۹/۶ سال وارد مطالعه شدند. ۴۱ نفر (۲۴٪) آنها دارای اضافه وزن و۱۴ نفر (۸/۲٪) در معرض چاقی بودند.۱۲۳نفر(۷۱/۹٪) دارای استرس و دلشوره بودند و ۷۸ نفر (۴۵/۷٪) دارای مشکلات گوارشی بودند، ۹۰نفر (۵۲/۶٪)، دارای افزایش ضربان قلب،۴۰ نفرآنها دارای کم تحرکی و ۳۰ نفر(۱۷/۵٪) آنها سیگار مصرف می کردند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد عوامل خطر بیماری های مزمن غیر واگیر ساکنان سرای سالمندان در حال افزایش است. با توجه به افزایش جمعیت سالمند و افزایش روند بیماری های مزمن غیر واگیر و آسیب پذیری این قشر جامعه توجه ویژه در این قشر جامعه می تواند در ارایه برنامه های ورزشی، بهداشتی و آموزشی مناسب در جهت این قشر جامعه موثر باشد. سیاست گذارن می توانند با برنامه ریزی جامع و ارایه دستورالعمل های مناسب از بروز مشکلات مربوط پیشگیری کنند.

کلمات کلیدی: سالمند، غیر واگیر، عوامل خطر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی سبک زندگی دانشجویان دختر از نظر اصول پیشگیری از پوکی استخوان در دانشگاه علوم پزشکی جهرم

شیوا بیگی زاده[۱]، یوسف حسینی[۲]

۱- مرکز تحقیقات مولفه های اجتماعی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

پوستر

زمینه و هدف: استئوپروز شایع ترین بیماری متابولیک استخوان است و با توجه به این که سبک زندگی در سنین نوجوانی نقش اصلی در پیشگیری از پوکی استخوان در سنین سالمندی را دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی سبک زندگی دانشجویان دختر از نظر اصول پیشگیری از پوکی استخوان در دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۰ انجام شده است.

مواد و روش ها: در مطالعه توصیفی حاضر پرسش نامه ای با تعداد سی سؤال در زمینه های تغذیه، فعالیت فیزیکی و عادات (شامل مصرف دخانیات، رژیم غذایی و داروی لاغری) طراحی شد که شامل دو بخش بود. بخش اول اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم در مورد وضعیت سبک زندگی در خصوص اصول پیشگیری از پوکی استخوان. این پرسش نامه در اختیار ۳۸۴ دانشجوی دختر قرار گرفت. در نهایت اطلاعات مورد نظر توسط نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: کمترین و بیشترین میزان نمره سبک زندگی دانشجویان دختر از نظررعایت اصول پیشگیری از پوکی استخوان در زمینه تغذیه و فعالیت فیزیکی و عادات به طور کلی ۱۸ و ۴۰ با میانگین نمره ۲/۸۹±۲۳/۹۵ بدست آمد و در هیچ یک از زمینه ها تفاوت معنا داری وجود نداشت. از نظر اطلاعات دموگرافیک توزیع میانگین نمره سبک زندگی دانشجویان دختر از نظر رعایت اصول پیشگیری از پوکی استخوان بر حسب سن، در گروه سنی کمتر از ۲۰ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال نسبت به بیشتر از ۲۴ سال بهتر بود. بر حسب رشته تحصیلی توزیع میانگین نمره سبک زندگی، در زمینه عادات در مقایسه با سایر موارد، به طور معنا داری پایین تر بود($p<0.001$). اما میانگین نمره سبک زندگی در این مطالعه به تعداد فرزندان خانواده، وضعیت اقتصادی، میزان تحصیلات مادر و پدر بستگی نداشت و تفاوت معنا داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: در این مطالعه با توجه به این که سبک زندگی اکثر دانشجویان در ارتباط با پیشگیری از پوکی استخوان مناسب نبود، آموزش و اطلا ع رسانی جهت پیروی از سبک زندگی مناسب در پیشگیری از بیماری خاموش پوکی استخوان و همچنین برنامه ریزی در خصوص بهبود تغذیه دانشجویان و ترویج فعالیت های فیزیکی آنان ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: سبک زندگی، پوکی استخوان، دانشجویان دختر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی شیوع بی تحرک و عوامل مرتبط با آن در سالمندان سرای سالمندان شهر سبزوار سال ۱۳۹۳

مصطفی پیوند [۱]، **فاطمه اهتمام** [۲]، **مرجان وجدانی** [۳]، **فاطمه دارینی** [۲]

۱- مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران
۳- مرکز تحقیقات سلامت سالمندان، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران

پوستر

زمینه و هدف: ورود به سن سالمندی، پیشرفت فناوری و سبک زندگی انسان را به سمت بی تحرکی سوق می دهد. بی تحرکی فیزیکی یکی از عوامل بسیار مهم بیماری های مزمن غیر واگیر مانند چاقی، دیابت، بیماری های قلبی عروقی و سرطان می باشد که این امر پیامد های مخاطره آمیزی برای سلامت عمومی مردم دارد. با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت فعالیت بدنی در زندگی سالمندان لذا این مطالعه با هدف بررسی شیوع بی تحرک و عوامل مرتبط با آن در سالمندان سرای سالمندان شهر سبزوار انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی، مقطعی بر روی ۱۷۱ نفر سالمند (زن و مرد) ساکن سرای سالمندان شهر سبزوار به روش سرشماری در سال ۱۳۹۳ انجام شد. ابزار گرد آوری داده ها از پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات مربوط به شیوه زندگی سلامت سالمندان که روایی و پایایی آن در مطالعه صادقیان وهمکاران به تایید رسیده بود، استفاده شد. پرسشنامه ها به صورت مصاحبه و معاینه تکمیل گردید و سپس با استفاده از نرم افزار spss (v16) وآمار توصیفی، تحلیلی و آزمون های تی تست، مجذورکای استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه ۶۰ نفر(۳۵/۱) مرد و۱۱۱ نفر (۶۴/۹) زن با میانگین سنی ۹/۴±۷۹/۶ سال وارد مطالعه شدند. ۴۱ نفر (۲۴٪) آنها اضافه وزن داشتند و۱۴ نفر(۸/۲٪) در معرض چاقی بودند. و ۱۵۴ نفر (۹۰٪) آنها از درد های مفصلی رنج میبردند . شیوع بی تحرکی در آنها ۲۳,۴٪ بود. در این مطالعه بی تحرکی با متغیر های جنس، سن، داشتن بیماری مزمن، ارتباط معنا داری نشان داد ($p<0.05$). ولی با متغیر های وضعیت تاهل، شغل و تحصیلات ارتباط معنی داری نشان نداد ($p>0.05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد، شیوه زندگی بی تحرک، نبود انگیزه کافی، نبود امکانات ورزشی و کهولت سن از عوامل اصلی بی تحرکی در سالمندان باشد با توجه به اهمیت فعالیت بدنی در سلامت افراد جامعه به خصوص سالمندان، سیاست گذاران سلامت باید اقدامات مناسبی را از طریق آموزش، مشاوره و ترغیب به فعالیت بدنی در این قشر اسیب پذیر جامعه اتخاذ تا موجب ارتقاء سبک زندگی و بهبود سلامتی در این افراد شود.

کلمات کلیدی : بی تحرکی، سالمندان، فعالیت بدنی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط ابعاد استرس شغلی با اختلالات اسکلتی عضلانی و رسم پروفایل شغلی در بانکداران شهر فسا

سعیده زارعی کوشک قاضی[۱]، طاهره غلامی[۲]، فرزانه مباشری[۳]

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- گروه بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

زمینه و هدف: افراد شاغل در بانک با توجه به ویژگی های شغلی خود تحت استرس شغلی و فشارهای متعددی هستند که در صورت پیشرفت سبب کاهش سلامت عمومی افراد شاغل و نیروهای فعال می شود. هدف از انجام این مطالعه بررسی ابعاد استرس شغلی و پروفایل شغلی در بانکداران شهر فسا بود.

مواد و روش ها: در این پژوهش مقطعی کارمندان بانک به صورت خوشه ای و با اخذ رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند. نسخه ی فارسی پرسشنامه محتوای شغلی و عمومی نوردیک توسط خود کارمندان بانک، برای جمع آوری داده ها استفاده شد. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی، آزمون کای اسکوئر در نرم افزار spss16 استفاده شد.

نتایج: میانگین و انحراف معیار استاندارد ابعاد استرس شغلی، آزادی تصمیم گیری (۱۳/۸ ± ۶۴)، نیازهای روانشناختی (۵/۲۲ ±۳۷/۷۰)، حمایت اجتماعی (۴/۳۶ ± ۲۲/۷۵)، نیاز های فیزیکی شغل(۹۱/۴۵±۱۱/۲) و عدم امنیت شغلی(۳/۴۵± ۶/۶۲) بدست آمد. از بین ۱۰۴ نفر کارمند بانک، ۲۲ نفر شغل خود را فعال، ۲۴ نفر غیر فعال، ۲۵ نفر استرین کم و ۲۵ نفر استرین زیاد گزارش کردند. درد در نواحی ستون فقرات با بعد نیازهای فیزیکی شغل، اندام های فوقانی با بعد نیازهای روانشناختی و فیزیکی شغل و اندام تحتانی با بعد نیازهای روانشناختی و فیزیکی شغل ارتباط معنی داری بدست آمد.(P<0/005)

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه باید گفت که با انجام مداخلات ماکروارگونومیک میزان استرس فرد در ابعاد نیازهای روانشناختی و فیزیکی شغل افزایش یافته و موجب گزارش درد در نواحی ستون فقرات، اندام فوقانی و تحت شده و در پی آن میزان بهره وری فرد کاهش خواهد یافت.

کلمات کلیدی: استرس شغلی، شغل بانکداری، ترسم پروفایل شغلی، اختلالات اسکلتی عضلانی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی تأثیر گروه درمانی شناختی- رفتاری بر کاهش افسردگی بیماران مبتلا به سرطان پستان

محسن ندیمی[۱]، معصومه پیشگر[۲]

۱- باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد استهبان، دانشگاه آزاد اسلامی، استهبان، ایران
۲- باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

پوستر

زمینه و هدف: مطالعه حاضر با هدف ارزیابی میزان تأثیر گروه درمانی شناختی-رفتاری بر کاهش افسردگی در بیماران مبتلا به سرطان پستان انجام شد.

مواد و روش ها: آزمودنی های این پژوهش ۲۶ زن مبتلا به سرطان پستان بودند که با مراجعه به بخش کنترل و مبارزه با بیماری های دانشکده علوم پزشکی بیرجند پس از مصاحبه بالینی و تشخیص افسردگی اساسی انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. پیش از مداخله درمانی هر دو گروه با تست افسردگی بک (BDI) مورد ارزیابی قرار گرفتند. گروه آزمایش در ده جلسه گروه درمانی شناختی-رفتاری شرکت نمودند و در گروه گواه، هیچ گونه مداخله روانشناختی انجام نشد. در پایان مداخله درمانی، هر دو گروه بار دیگر با آزمون یاد شده مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده های به دست آمده با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS (ویرایش۱۶) و از طریق تحلیل کوواریانس و آزمون t تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: مقایسه میانگین نمرات افسردگی بک در پیش آزمون وپس آزمون گروه مورد و شاهد از نظر آماری تفاوت معنی دار($P<۰/۰۱$) نشان داد. به طوری که میانگین نمرات افسردگی در گروه شاهد تغییری نشان نداد اما در میانگین نمرات افسردگی گروه مورد تغییرات زیادی مشاهده شد که به لحاظ آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: در پژوهش حاضر نتایج نشان داد که گروه درمانی شناختی-رفتاری در کاهش افسردگی زنان مبتلا به سرطان پستان مؤثر است.

کلمات کلیدی: سرطان پستان، افسردگی، گروه درمانی، درمان شناختی-رفتاری

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تاثیر مکمل درمانی امگا-۳ بر بیماری های قلبی عروقی(CVD)

مرادی فاطمه [۱]، دکتر فاطمه برازجانی [۲]

۱- گروه علوم تغذیه، دانشکده بهداشت و تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲- گروه علوم تغذیه، دانشکده بهداشت وتغذیه، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: بیماری های قلبی عروقی یا CVD اولین علت مرگ و میر در آمریکایی ها بوده که شامل بیماری های مربوط به عروق کرونر قلب، سکته قلبی، بیماری آریتمی قلبی، CHD، انوریزم، روماتیسم قلبی و بیماری های شریان های محیطی می شود. یکی از عوامل خطر برای این بیماری افزایش در شاخصهای پروفایل لیپیدی می باشد. شواهد نشان می دهد که امگا۳ می تواند بر پروفایل لیپیدی تاثیر معنی داری داشته باشد. پژوهش حاضر به بررسی تاثیر بین مصرف مکمل امگا۳ و CVD می پردازد.

مواد و روش ها: کلید واژه های امگا۳ و cardiovascular disease در پایگاه های pubmed و google scholar استفاده شده و ۲۱مقاله با کیفیت مناسب به عنوان منابع مورد استفاده قرار گرفتند.

نتایج: از بین ۲۱ مقاله موجود ۷ مقاله بر عدم تاثیر مکمل درمانی امگا۳ با دوز متوسط و کاهش فاکتورهای التهابی مثل CRP، IL-6 در بیماران قلبی عروقی تاکید داشتند اما ۴ مقاله عکس این موضوع را نشان دادند. سایر مقالات به تاثیر امگا۳ در بهبود HRV ، افزایش ظرفیت انتی اکسیدانی بدن، بهبود کیفیت زندگی بیماران، بهبود خواص الاستیک شریانی و عملکرد اندوتلیال عروقی از طریق کاهش در پروفایل لیپیدی خصوصا TG تاکید داشتند. همچنین مصرف امگا۳ اثر معنی داری برروی امار مرگ و میر ناشی از بیماری قلبی عروقی و کاهش نداشته است. مصرف روزانه ۲ گرم امگا۳ قبل از عمل جراحی (CABG) در جهت کاهش استرس و التهاب و (artrial failure) میتواند کمک کند.

نتیجه گیری: امگا۳ میتواند به عنوان یک فاکتور کمک کننده درجهت پیشگیری از بیمای های قلبی عروقی نه درمان آن مفید باشد.همچنین استفاده ار دوز مناسب قبل از عمل جراحی (CABG) به بهبودفرایند درمان کمک کند.

کلمات کلیدی: امگا-۳، بیماری قلبی عروقی، پروفایل لیپیدی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی اپیدمیولوژی پیوند کلیه در استان کهگیلویه وبویراحمد از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳

سید سعادت غلامی[۱]، مژده داوودی[۱]، سعید فهیمی تبار[۱]، حمید رضا غفاریان شیرازی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران
۲- دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

پوستر

زمینه و هدف: بیماری کلیوی یکی از بیماری هایی هست که افراد زیادی با آن دست و پنجه نرم می کنند. یکی ار روش های درمانی برای بیماران مبتلا به بیماری های کلیوی مرحله نهایی، پیوند کلیه می باشد. در پیوند کلیه یک کلیه را از اهدا کننده زنده یا جسد گرفته و به شخص مبتلا به بیماری پیشرفته و غیر قابل برگشت کلیه پیوند می زنند. رقم پیوند کلیه در ایران ۲۴ مورد به ازای هر یک میلیون نفر است که تقریبا ۵ برابر رقم آن درجهان می باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین اپیدمیولوژی پیوند کلیه در استان کهگیلویه و بویراحمد از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ انجام گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۳ در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام گرفت. اطلاعات حاصل از پرونده ۲۰۲بیمار پیوند کلیه بصورت تمام سرشماری و مبتنی برهدف از طریق چک لیست بیماری های کلیه که پایایی و روایی آن توسط سه عضو هیئت علمی تایید شدجمع آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل دادها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون های آماری توصیفی و کای مربع استفاده گردید.

نتایج: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ۶۲ درصد (۱۲۹) بیماران پیوند کلیه در ده سال گذشته مرد و ۳۶ درصد (۷۳نفر) زن بودند. بیشترین وکمترین سن پیوند این بیماران به ترتیب سن ۲۱ تا ۳۰ سال با ۳۱/۸ درصد و بالاتر از۶۱ سال ۱/۳ درصد بود. در بین سال های۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ ۶۲/۹ درصد (۱۳۷نفر) از این افراد پیوند کلیه دریافت کردند. شایع ترین گروه خونی پیوند کلیه o مثبت ۳۷/۱ درصد (۷۵ نفر) بود. ۶۴/۹ درصد علت پیوند کلیه ناشناخته بود. ۴۲/۶ درصد پیوندهای کلیه از مرگ مغزی افراد دریافت شد ($p<0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به افزایش موارد پیوند کلیه در استان و به دلیل هزینه های سنگین پیوند کلیه و عدم اطمینان صددرصدازموفق بودن پیوند توصیه می شود که مسئولین بهداشتی درمانی مراقب باشند تا با تشخیص زود هنگام بیماری کلیوی، هزینه های سنگین ناشی از درمان مراحل نهایی بیماری های کلیوی را کاهش دهند و برنامه های لازم جهت حمایت از این بیماران را تدارک ببینید.

کلید واژه ها: اپیدمیولوژی، پیوند کلیه، بیماری های خاص

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴

سید سعادت غلامی، مژده داوودی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

پوستر

زمینه و هدف: افسردگی از شایع ترین مشکلات روانی است. افسردگی می‌تواند باعث ابتلاء بیمار به انواع بیماری‌های جسمی و روانی شود. بیش تر افراد درباره علایم احساسی بیماری افسردگی اطلاعاتی دارند. نظر به اهمیت برآورد شیوع افسردگی در بین دانشجویان جهت ارزیابی وضع موجود و برنامه ریزی جهت انواع پیش گیری ها، پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوع افسردگی و تاثیر آن بر موفقیت تحصیلی وشغلی دانشجویان دانشگاه یاسوج انجام گرفت.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک پژوهش مقطعی است و جامعه مورد مطالعه آن ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج می باشد. به منظور جمع آوری داده ها از فرم مشخصات فردی و پرسش نامه سنجش افسردگی دانشجویان (USDI) استفاده شد. اطلاعات جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS و با آزمون های توصیفی در قالب جداول توزیع فراوانی وآزمون کای اسکوایر تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: ۱۴۷نفر(۴۲درصد) از این نمونه ها پسر و ۲۰۳ نفر(۵۸درصد) دختر بودند نتایج پژوهش نشان داد که ۳۵/۴ درصد از دانشجویان دچار افسردگی خفیف و ۲۸/۲ درصد از دانشجویان دچار افسردگی شدید بودند. جنس با نمره کل افسردگی در دانشجویان رابطه معنی داری داشت و پسران در مجموع نسبت به دختران افسردگی بیشتری داشتند؛ که این میزان افسردگی نسبت به شیوع آن درجامعه که حدود ۲۵ درصد می باشد سطح بالایی را نشان می دهد. هر کدام از متغیر های دانشکده، رشته تحصیلی و نوع مسکن نیز با نمره کل یا زیر مقیاس های مقیاس افسردگی دانشجویان رابطه ی معنی داری را نشان دادند.

نتیجه گیری: نتایج، نشان دهنده ی شیوع بالای افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج بود. با توجه به تاثیر افسردگی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان وهمچنین بیماری های جسمی و روانی که به دنبال افسردگی می تواند به وجود بیاید باید تدابیری اندیشیده شود تا عواملی که در بروز افسردگی در دانشجویان موثر هستند با برنامه ریزی و ایجاد مهارت های کنترل استرس و مدیریت آن تعدیل شوند و با شناسایی و تشخیص این عوامل از عواقب افسردگی در دانشجویان پیش گیری شود.

کلمات کلیدی: شیوع، افسردگی، دانشجویان، دانشگاه یاسوج

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی رابطه سواد سلامت و رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی

مژگان زارعی ونوول[۱]، فرزانه خادم الحسینی[۱و۲]، الهام زارعی ونوول[۳]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۳-کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

پوستر

زمینه و هدف: سواد سلامت را می توان توانایی بیماران دیابتی در نحوه دریافت اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن و عمل کردن بر اساس توصیه های بهداشتی و سلامتی تعریف نمود و خود مراقبتی عملی است که شخص به عنوان یک منبع و به طور مستقل از دیگران از سلامت خویش مراقبت می کند. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین سواد سلامت و خود مراقبتی در بیماران دیابتی می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه مروری سیستماتیک، با توجه به واژگان کلیدی فارسی و انگلیسی که شامل سواد سلامت، دیابت و خود مراقبتی از پایگاه‌های انگلیسی زبان Scopus, Google Scholar, PubMed و فارسی زبان SID, ISC از سالهای ۲۰۱۰ تا ابتدای سال ۲۰۱۵ جست و جو صورت گرفت. به منظور انتخاب مقالات سه معیار ورود شامل سال چاپ مقالات ۲۰۱۰ به بعد، زبان فارسی یا انگلیسی، چاپ مقاله در مجلات داخلی یا خارجی که نهایتاً ۲۵ مقاله عمیقاً مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان می دهد یکی از روش های مطلوب بهبود روند بیماری دیابت خود مراقبتی است. بیماران دیابتی جهت کنترل موفقیت آمیز بیماری خود نیازمند آگاهی و نگرش مناسب در انجام عملکرد خود مراقبتی مطلوب هستند. به عبارتی دیگر اگر بیماران دیابتی دارای سطح سواد سلامت، آگاهی و درک لازم از بیماری خود باشند و در طول دوره درمان خود توصیه های متخصصان را با استفاده از برنامه های سازمان یافته دریافت و به آنها عمل نمایند، نقش به سزایی در کنترل بیماری خواهند داشت. ضمن این که افراد با سواد سلامت ناکافی، آموزش و دستورات ارایه شده توسط متخصصان سلامتی را درک نکرده در نتیجه انرژی، هزینه و زمان بیش تری را برای درمان خود باید صرف کنند که چه بسا باعث مزمن شدن بیماری و وخیم تر شدن عوارض آن خواهد شد.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد انجام رفتارهای خود مراقبتی در بیماران دیابتی تحت تاثیر سواد سلامت آن ها بوده که این خود لزوم توجه بیشتر به امر سواد سلامت را در برنامه های پیش گیری نشان می دهد. از این رو با آموزش مهارت های سواد سلامت به همراه مداخلات آموزشی کارآمد برای بیماران دیابتی میتوان گامی موثر برای کنترل بیماری و کاهش عوارض آن برداشت.

کلمات کلیدی: دیابت، سواد سلامت، خود مراقبتی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی میزان رضایت بیماران از آموزش به وسیله پرستاران خود در بیمارستان های شهر فسا

محمد طاها سهیلی[۱]، ژیلا فریدونی[۲]، راحله ثابت سروستانی[۲]، غلامرضا حریری[۲]، سید امین کوهپایه[۳]، فرزانه مباشری[۲]، محسن نورایی[۱]، الهه غضنفری[۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

زمینه و هدف: امروزه ضرورت تمرکز بر رفع شکاف عدالت در سیستم های بهداشتی و درمانی بیشتر احساس می گردد. یکی از راهکارهای مفید برای از بین بردن این مشکل، توانمند سازی مردم برای قادرسازی آنها به درک اطلاعات و انتخاب های سلامتی که با آنها روبرویند و قادرسازی آنها برای تصمیم گیری است که لازمه آن آموزش موثر به بیماران است. برای ارتقاء این فرایند لازم است که اطلاعات پایه ای درباره وضع موجود بیمارستان ها داشته باشیم. لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان رضایت بیماران از آموزش به وسیله پرستاران خود در بیمارستان های شهر فسا انجام گردید.

مواد و روشها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی–تحلیلی و به روش مقطعی است که بر روی ۱۸۰ بیمار مراجعه کننده به بیمارستان های ولیعصر و شریعتی فسا در سال ۱۳۹۵ انجام گردید. روش نمونه گیری از نوع آسان یا در دسترس بود. ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته در رابطه با مشخصات دموگرافیک و سؤالات تخصصی بررسی آموزش به بیمار بوده است. روایی آن از طریق تعیین روش اعتبار محتوا و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تامین گردید .داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ و انجام آزمون های تی-تست و آنالیز واریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین نمره رضایت بیماران از آموزش به وسیله پرستاران خود ۳۳/۴۲ بود که در گروه خوب قرار داشت. بیشترین رضایت افراد از پرستاران (نمره خیلی خوب) در مورد در دسترس بودن آنها، پاسخ قابل فهم آنها برای بیمار و گوش دادن موثر پرستار بود و کمترین رضایت افراد از پرستاران (نمره متوسط و ضعیف) در مورد گویه های آموزش به بیمار در زمان پذیرش و ترخیص و بلاتکلیفی بیمار در روزهای بستری بود. در کل تفاوت آماری معنی داری بین جنس، سن، بخش بستری و مدت زمان بستری افراد از نظر نمره رضایت از آموزش به وسیله پرستاران دیده نشد. اما نمره رضایت بیماران از آموزش به وسیله پرستاران در بیمارستان های ولیعصر و شریعتی متفاوت و تفاوت معنادار بود ($P<0.001$).

نتیجه گیری : این مطالعه نشان داد که میزان رضایت بیماران از آموزش توسط پرستاران متوسط و کمترین نمره رضایت در قسمت پذیرش و ترخیص بیماران است. از آنجایی که پرستاران بیش از ۷۰ ٪ افراد تیم بهداشتی- درمانی را تشکیل می دهند و نقش ارزنده ای در آموزش به بیماران دارند که باید از ابتدای زمان بستری تا ترخیص آموزشهای لازم را ارائه دهند، پیشنهاد می گردد که امکانات و شرایط لازم برای ارتقای آموزش به بیماران از جمله تامین نیروی کافی پرستاری و برگزاری دوره های آموزشی ضمن خدمت برای پرستاران فراهم گردد.

کلمات کلیدی : آموزش به بیماران، رضایت، پرستاران

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی تاثیر واکسن پروتئین‌های شوک حرارتی بر درمان سرطان : مروری سیستماتیک

فاطمه حسین پور سلیمانی، امیر زمانی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: پروتئین‌های شوک حرارتی به گروهی از پروتئین‌ها گفته می‌شود که در همه سلول‌ها وجود داشته و به طور معمول حدود ۵٪ از پروتئین‌های درون سلولی را تشکیل می‌دهند. بیان این پروتئین‌ها در شرایط استرس‌زا (شرایط ناگهانی که سلول آمادگی پاسخ به آن را نداشته باشد) همچون سرطان، به بیش از ۱۵٪ افزایش پیدا می‌کند. عملکرد این پروتئین‌ها در بدن و نقشی که بر القای ایمنی سلولی دارند، آن ها را کاندید ساخت واکسن‌های درمانی قرار داده است؛ زیرا در موضع سرطان هدف اصلی، ایمنی سلولی است. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر واکسن‌های ساخته شده بر مبنای پروتئین‌های شوک حرارتی بر درمان سرطان‌ها انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مروری سیستماتیک با استفاده از مقالات فارسی و انگلیسی موجود از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ بر روی پایگاه‌های Google Scholar ، PubMed، Embase و Magiran صورت گرفته است. در مجموع ۳۶ مقاله بررسی شد. کلید واژه‌های به کار رفته شامل پروتئین‌های شوک حرارتی، ایمونوتراپی، سرطان، واکسن سرطان، ایمنی سلولی، عرضه متقاطع بوده است.

نتایج: نتایج این بررسی نشان داد که پروتئین‌های شوک حرارتی باتوجه به محل قرارگیری در سلول، وظایف مختلفی بر عهده دارند. این پروتئین‌ها هنگامی که در شرایط خارج سلولی قرار می‌گیرند، می‌توانند به عنوان هشدار و زنگ خطری برای سیستم ایمنی عمل کرده و از طریق گیرنده‌های مربوط به خود، ایمنی اکتسابی و ایمنی ذاتی را فعال کنند. با توجه به این ویژگی واکسن‌های مذکور از طریق استخراج سلول‌های توموری از بیمار و تخلیص پپتیدهای تومورِی متصل به پروتئین‌های شوک حرارتی، تهیه شده و به طور اختصاصی برای همان تومور و همان بیمار کاربرد دارند. این کمپلکس پپتید-HSP مشتق شده از سلول‌های توموری می تواند پاسخ‌های ایمنی سلولیِ ویژه تومور را القا کرده که این عمل تحت عنوان عرضه متقاطع _تحریک ایمنی سلولی توسط آنتی‌ژن خارج‌سلولی_ شناخته می‌شود.

نتیجه گیری: مرور متون نشان داد که واکسن‌های ساخته شده بر مبنای پروتئین‌های شوک حرارتی بر درمان سرطان موثر است و مطالعات صورت گرفته هم راستا و حمایت کننده بودند. با توجه به محدودیت‌های این روش _نیاز به تزریق دوزهای بالا و کافی نبودن سلول‌های توموری بیمار برای ساخت واکسن_ توصیه می‌گردد مطالعات بعدی در راستای برطرف نمودن این محدودیت‌ها باشد.

کلمات کلیدی: پروتئین‌های شوک حرارتی، ایمونوتراپی، سرطان، واکسن سرطان، عرضه متقاطع آنتی ژن

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی وضعیت فلز روی در افراد مبتلا به بیماری کرون، یک مطالعه مروری

امیر زمانی[۱]، **فاطمه حسین پور سلیمانی**[۱]

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: بیماری کرون یکی از انواع بیماری‌های التهابی روده است که یکی از علل مطرح در پاتوفیزیولوژی آن اختلال در سیستم ایمنی می‌باشد. بروز و شیوع این بیماری در دو دهه اخیر به سرعت در آسیا افزایش یافته است. در این بیماری مجرای گوارشی، به ویژه قسمت انتهایی روده باریک و نیز ناحیه‌ی رکتال_آنال دچار التهاب و زخم می‌گردد. باتوجه به اختلال جذب در این بیماران، اهمیت بررسی سطح مواد معدنی مطرح می شود. از سوی دیگر نقش فلز روی بر عملکرد سیستم ایمنی و نیز روند بهبودی زخم و التهابات شناخته شده است. باتوجه اهمیت سیستم ایمنی و نیز زخم مجرای گوارشی در این افراد، این مطالعه سعی در بررسی وضعیت فلز روی در این بیماران دارد.

مواد و روشها: این یک مطالعه‌ی مروری است که از طریق جستجوی مقالات انگلیسی در پایگاه‌های PubMed و Google scholar با کلیدواژه‌های "Crohn's disease"، "inflammatory bowel disease" و "zinc" انجام گردید. در مجموع ۱۸ مقاله دریافت شد که مقالات گزارش مورد کنار گذاشته و بقیه مقالات مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: از بررسی مقالات به دست آمد که کمبود روی در این بیماران رایج است. این کمبود گاه به حدی بوده که سبب بروز علائم پوستی در برخی بیماران شده است. فقر روی علل متفاوتی از جمله بی اشتهایی و عدم مصرف خوارکی آن دارد؛ اما در برخی مطالعات اختلال در جذب روده‌ای آن نیز در این بیماران دیده شده است. از طرفی عدم تعادل سطح سرمی روی در میان این بیماران نسبت به افراد سالم بیشتر مشاهده شده است. میان تراکم استخوان این بیماران و سطح سرمی روی همبستگی وجود دارد. یافته‌های ضد و نقیضی در مورد وجود یا عدم وجود اختلاف در سطح سرمی روی، بین دو دوره‌ی خاموشی و فعالیت بیماری وجود دارد. در دو مطالعه‌ی هم گروهی مربوط به زنان مشخص شده که مصرف روی با کاهش خطر ابتلا به کرون در ارتباط بوده، در حالی که اثری بر کولیت زخمی ندارد.

نتیجه گیری: باتوجه به اثر روی بر بهبودی زخم‌ها و نیز تراکم استخوان، مبتلایان به بیماری کرون می‌بایست از دریافت کافی روی مطمئن شوند. همچنین نظر به نقش فلز روی در عملکرد سیستم ایمنی، پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری بر روی نقش احتمالی آن در ایجاد این بیماری انجام شود.

کلمات کلیدی : بیماری کرون، بیماری التهابی روده، روی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

مقایسه میزان رضایت بیماران از آموزش به وسیله پزشکان و پرستاران در بیمارستانهای شهر فسا

محمد طاها سهیلی[۱]، ژیلا فریدونی[۲]، راحله ثابت سروستانی[۲]، غلامرضا حریری[۲]، سید امین کوهپایه[۳]، فرزانه مباشری[۲]، محسن نورایی[۱]، الهه غضنفری[۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- گروه فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

زمینه و هدف: مطالعات نشان داده اند که بسیاری از مشکلات بهداشتی قابل پیشگیری هستند یا می توان وقوع آنها را به تعویق انداخت اما متاسفانه در مراکز بهداشتی- درمانی ایران رسالت مهم آموزش به بیمار به خوبی انجام نمی شود و از این مسئله نه تنها بیمار و خانواده اش بلکه جامعه به طور اعم رنج می برد. از آنجایی که میزان رضایت بیماران یک معیار مهم برای ارزیابی کیفیت مراقبتهای بهداشتی محسوب میشود، این مطالعه با هدف مقایسه میزان رضایت بیماران از آموزش به وسیله پزشکان و پرستارن خود در بیمارستان های شهر فسا انجام گردید.

مواد و روشها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی–تحلیلی و به روش مقطعی است که بر روی ۱۸۰ بیمار مراجعه کننده به بیمارستان های ولیعصر و شریعتی فسا در سال ۱۳۹۵ انجام گردید. روش نمونه گیری از نوع آسان یا در دسترس بود. ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته در رابطه با مشخصات دموگرافیک و سؤالات تخصصی بررسی آموزش به بیمار بوده است. روایی آن از طریق تعیین روش اعتبار محتوا و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تامین گردید .داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ و انجام آزمون های تی- تست و آنالیز واریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین نمره رضایت بیماران از آموزش به وسیله پزشکان خود ۴۲/۲۳ و پرستاران ۴۱/۳۳ بود که هر دو در گروه خوب قرار داشتند که نمره رضایت تفاوت آماری معناداری نداشت. بیشترین نارضایتی درباره آموزش های زمان بستری و حین ترخیص و بلاتکلیفی بیمار در روزهای بستری بود که در پزشک و پرستار یکسان بود و بیشترین رضایت در مورد گوش دادن موثر پزشک و پرستار به سوالات بیمار بود. همچنین تفاوت آماری معنی داری بین جنس ، سن، بخش بستری و مدت اقامت افراد از نظر نمره رضایت از آموزش به وسیله پزشکان و پرستاران دیده نشد. ($P\geq0.05$)

نتیجه گیری: در کل نتایج نشان داد که نمره رضایت بیماران از آموزش پزشکان و پرستاران متفاوت نیست و هر دو متوسط عمل کرده اند. لذا پیشنهاد می گردد با تشکیل کمیته های پرستاری و پزشکی در جهت رفع نارضایتی بیمار، اقدامات لازم به عمل آید و ضمن ایجاد هماهنگی با قسمتهای مختلف و ایجاد امکانات آموزشی مناسب در پاسخ دادن به سوالات بیمار با تشکیل دوره های آموزشی ضمن خدمت در جهت رفع نارضایتی های بیمار اقدام شود.

کلمات کلیدی : آموزش به بیماران، رضایت، پرستاران، پزشکان

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی رفتارهای تغذیه ای زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر میناب در خصوص پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی (۱۳۹۵)

سیده فاطمه وحدانی[۱]، صدیقه عابدینی[۲]، شکراله محسنی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران
۲- گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندر عباس، ایران

پوستر

زمینه و هدف: امروزه بیماری های قلبی و عروقی، شایع ترین علت مرگ و میر در جوامع مختلف است که در این خصوص، تغذیه ی ناسالم مهم ترین عامل بروز بیماری های قلبی عروقی می باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین رفتارهای تغذیه ای پیشگیری کننده از بیماری های قلبی عروقی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر میناب انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی_مقطعی است. نمونه پژوهش ۱۶۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری میناب بودند که به صورت در دسترس انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲ بخش: اطلاعات دموگرافیک (۱۰سوال) و سوالات رفتارهای تغذیه ای پیش گیری کننده از بیماری های قلبی عروقی (۲۱سوال) با نمره دهی در طیف ۱-۹ بود. حداقل و حداکثر نمره کسب شده ۲۱-۱۸۹ بود، که نمره بالا نشان دهنده انجام رفتارهای تغذیه ای پیش گیری کننده از بیماری های قلبی عروقی بود. روایی و پایایی پرسشنامه مورد تائید قرار گرفت. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS18 و آزمون های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی نمونه های پژوهش ۴±۳۲ سال بود. میانگین نمره کسب شده از رفتارهای تغذیه ای پیش گیری کننده از بیماری های قلبی عروقی ۹±۱۲۸ بود. بین انجام رفتارهای تغذیه ای با وضعیت تاهل افراد ارتباط آماری معناداری مشاهده شد ($p<۰/۰۰۱$) که افراد متاهل عملکرد بهتری نشان دادند. ارتباط آماری معنی داری بین انجام رفتارهای تغذیه ای با متغیر های دیگر مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان دادکه رفتارهای تغذیه ای پیش گیری کننده از بیماری های قلبی عروقی در نمونه های مورد پژوهش چندان مطلوب نمی باشد. بنابراین توصیه می شود که با انجام مداخلات مناسب به اصلاح این رفتارها اقدام شود. به امید آن که با اصلاح رفتارهای تغذیه ای، بتوان از بار بیماری های قلبی عروقی در جامعه کاست.

کلمات کلیدی: رفتارهای تغذیه ای پیشگیری کننده، بیماری های قلبی عروقی، زنان، مراکز بهداشتی درمانی، میناب

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تاثیر الگوی توانمند سازی خانواد محور بر کیفیت زندگی، خودکارآمدی و عوارض بی حرکتی در بیماران سکته ی حاد مغزی در سال ۱۳۹۴

مصطفی بیژنی[۱]، محمود حاتمی[۱]، الهه غضنفری شبانکاره[۱]، زهرا غضنفری شبانکاره[۲]

۱- دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

پوستر

زمینه و هدف: سکته ی مغزی شایع ترین و در عین حال پرعارضه ترین بیماری مغز و اعصاب محسوب می گردد که بر فعالیت های حرکتی وکیفیت زندگی بیماران تاثیر گذار می باشد. هدف از مطالعه ی حاضر تاثیر برنامه توانمند سازی خانواده محور برکیفیت زندگی و خودکارآمدی و عوارض بی حرکتی در بیماران سکته ی حاد مغزی می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه به صورت نیمه تجربی برروی خانواده ی ۵۰ بیمارسکته ی مغزی ایسکمیک در دو گروه شاهد و آزمون (در هر گروه ۲۵ نفر) انجام شد. برنامه ی آموزشی خانواده محور به مدت ۶ هفته (هر هفته ۴ جلسه و هر جلسه به مدت ۴۰ دقیقه) برای گروه آزمایش انجام گرفت. ابزار گردآوری دادها پرسشنامه ی استاندارد کیفیت زندگی سکته ی مغزی (SSQOL) بود. آنالیز داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با کمک نرم افزار SPSS-18 انجام شد.

نتایج: نتایج مداخله، تفاوت آماری معنی داری را بین نمره کیفیت زندگی، خودکارآمدی و عوارض بی حرکتی در گروه مداخله نسبت به گروه شاهد نشان داد ($P<0.001$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش، برنامه های آموزشی درجهت توانمند سازی افراد خانواده بیماران سکته مغزی نقش به سزایی درکاهش عوارض بیماری ناشی از بی حرکتی و همچنین بهبود کیفیت زندگی آنان خواهد داشت.

کلمات کلیدی : توانمند سازی، خانواده، سکته ی مغزی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی فاکتورهای اپیدمیولوژیک کودکان مراجعه کننده با مسمومیت به بیمارستان های شهرستانی تابعه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در شش ماهه اول سال ۱۳۹۳

پوستر

محمد مهدی پرویزی[۱]، سارا روستا[۱] ، مسعود منشی[۱]

مرکز پایش مراقبتهای درمانی (MCMC)، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: مسمومیت یکی از اورژانس های مهم و خطرناک در کودکان است و از مهم ترین علل مرگ و میر در کودکان به شمار می رود. در این مطالعه با هدف توجه بیش تر برنامه ریزان بالینی و سیاست گذاری های کلان در سطوح مختلف بهداشت و درمان به بررسی فاکتورهای اپیدمیولوژیک کودکان مسموم مراجعه کننده به بیمارستان های شهرستانی استان فارس پرداخته می شود.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی_مقطعی و گذشته نگر می باشد که در آن به بررسی فاکتورهای اپیدمیولوژیک کودکان مسموم مراجعه کننده به بیمارستان های شهرستانی استان فارس در شش ماهه نخست سال ۹۳ بر اساس اطلاعات ثبت شده در سامانه مرکز پایش مراقبت های درمانی(MCMC) پرداخته ایم. برای انجام آنالیز آماری از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده گردید.

نتایج: بر اساس این مطالعه از ۸۶ کودک گزارش شده ۵۱ مورد (۵۹/۳ ٪) پسر و ۳۵ مورد (۴۰/۷٪) دختر بودند که به ترتیب دارای میانگین سنی ۱/۲۴±۲/۲۴ و ۱/۳۴±۲/۳۶ می باشند که از نظر سنی اختلاف آماری معناداری بین دو جنس وجود نداشت(P<۰/۰۵). شایع ترین گروه سنی متعلق به کودکان کمتر از ۳ سال با ۸۰/۲٪ بود. شایع ترین علل مسمویت کودکان به ترتیب شامل مواد مخدر (۳۸/۴٪)، مواد نفتی (۱۶/۳٪)، داروها (۱۷/۴٪)، و سموم حیوانی و گیاهی (۱۲/۸٪) و داروهای گیاهی (۳/۵٪) بود که با ارزیابی های به عمل آمده ۷۷/۹٪ از این کودکان دارای خطر متوسط بالینی و ۲۲/۹٪ جزء کودکان با خطر شدید طبقه بندی شده اند. ۸/۱٪ از کودکان به علت وخامت شرایط بالینی به مراکز مجهز تر اعزام شده بودند. خوشبختانه بیمار فوت شده در اثر مسمومیت با این سموم در بازه زمانی مذکور مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به شایع بودن مسمومیت در کودکان به ویژه در سنین کمتر از ۳ سال به نظر می رسد آگاه سازی والدین و آموزش نحوه ی نگهداری از انواع مواد مخدر، داروها و سایر مواد مسمومیت زا در منزل می تواند گامی موثر در کاهش وقوع این موارد به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی: مسمومیت، کودکان، خود مراقبتی، MCMC

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط نمایه توده بدنی با وضعیت عوامل اقتصادی–اجتماعی دانش آموزان اول ابتدایی شهر فسا در سال ۹۵-۱۳۹۴

علیرضا معصومی[۱]، کریم زارع[۲]، عرفان خوارزمی[۳]، زهرا استادی[۴]

۱- مدیریت خدمات بهداشتی درمانی،واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۲- گروه آمار، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۳- گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۴- مدیریت خدمات بهداشتی درمانی،واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

پوستر

زمینه و هدف: کودکان دبستانی از گروه های آسیب پذیر می باشند و رشد جسمانی مناسب وسلامتی آنان زمینه را برای ارتقاء قدرت یادگیری و موفقیت آنها درآینده فراهم می نماید. ارزیابی شاخص های تن سنجی نه تنها بطور وسیعی برای ارزیابی رشد کودکان استفاده می شود، بلکه افزون بر سادگی، ارزانی و قابل اعتماد بودن قوی ترین ابزار بررسی روند رشد و و ضعیت تغذیه ای کودکان در جوامع مختلف است. مطالعه حاضر با هدف تعیین نمایه توده بدنی در کودکان اول ابتدایی براساس شاخص های تن سنجی و رابطه آن با برخی عوامل اقتصادی و اجتماعی از جمله میزان تحصیلات و شغل والدین، تعداد فرزندان خانواده انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی که بصورت مقطعی و درسال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ انجام شد، قد و وزن ۳۰۵ کودک اول دبستان شهر فسا که به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. اندازه گیری قد، وزن و محاسبه نمایه توده بدن(BMI) با استفاده از پرسشنامه تن سنجی تعیین شد. داده ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس و آزمونهای آماری کای اسکور، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در سطح معنی داری $P\leq ۰/۰۵$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: ارتباط معنی داری بین متغیرهای وزن با سن، قد با تحصیلات مادر و سن، نمایه توده بدنی با شغل مادرو جنس دانش آموزان وجود دارد($P\leq ۰/۰۵$). بین تعداد اعضاء خانوار با قد دانش آموزان ارتباط معنی داری وجود دارد ($P=۰/۰۴۹$). میزان قد با و ضعیت اقتصادی- اجتماعی خانوارها ارتباط معنی دار داشته ($P=۰/۰۳۴$)، اما با متغیر های وزن و نمایه توده بدنی ارتباط آماری وجود ندارد. نکته قابل توجه اینکه در خانوارهای با وضعیت اقتصادی–اجتماعی بالاتر میزان قد، وزن و نمایه توده بدنی کمتراز سایر گروه ها می باشد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان می دهد، درمیان متغیر های اقتصادی–اجتماعی، تحصیلات و شغل والدین دو عامل مهم و موثر در میزان نمایه توده بدنی و وزن دانش آموزان می باشند و عوامل اجتماعی در روند رشد دانش آموزان از عوامل اقتصادی موثرتر است.

کلمات کلیدی: نمایه توده بدنی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی، دانش آموزان

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارتباط بین اختلالا ت خواب و سطح هموگلوبین A1c در بیماران مبتلا به دیابت شیرین نوع ۲؛ مطالعه مورد شاهدی

آروین هدایتی[۱]، علی پوراسماعیل[۲]، یوسف غلامپور[۳]، عزیزاله دهقان[۴]

۱- بخش روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۴- مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

زمینه و هدف: کیفیت خواب یکی از فاکتورهای مهمی است که می تواند بر ابعاد مختلف سلامتی تاثیر داشته باشد، بنابراین هدف از انجام این مطالعه بررسی ارتباط بین اختلالات خواب و سطح هموگلوبین A1c در بیماران مبتلا به دیابت شیرین نوع۲ می باشد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از نوع مورد شاهدی بوده که برروی ۱۱۲ نفر از بیماران مبتلا به دیابت شیرین نوع ۲ در محدوده ی سنی ۳۰ تا ۷۰ سال که به درمانگاه دیابت بیمارستان ولی عصر فسا ارجاع داده شدند، انجام شد. این بیماران بر اساس نتیجه ی هموگلوبین A1c بدو ورود به مطالعه، که با روش اسپکتروفوتومتری اندازه گیری شد، به ۲ گروه تقسیم شدند: گروهی شاهد که هموگلوبین A1c کمتر و مساوی ۷٪ داشتند، و گروه مورد که هموگلوبین A1c بیشتر از ۷٪ داشتند. بعد از کسب رضایت نامه کتبی، از پرسش نامه استاندارد وضعیت خواب پیتزبورگ (Pittsburgh Sleep Quality Index) برای بررسی وضعیت اختلالات خواب استفاده شد. داده ها با روش آماری کای دو و رگرسیون لوجستیک در نرم افزار۱۶ SPSS تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: (۵۹/۸٪)۶۷ نفر از شرکت کنندگان مرد و مابقی زن بودند. میانگین سنی در مردان و زنان به ترتیب ۸/۸۷±۵۴/۴۳ و ۸/۳۴±۵۰/۶۰ بود. در آنالیز رگرسیون لوجستیک رابطه معنی داری بین سطح هموگلوبین A1c و کیفیت خواب مشاهده شد (P<0.001).

نتیجه گیری: وجود رابطه بین اختلالات خواب و هموگلوبینA1c اهمیت توجه به این محور را نشان می دهد و پیشنهاد می گردد مبتلایان به دیابت شیرین نوع ۲ از جهات مختلف شامل راهکارهای درمان و پیشگیری اختلالات خواب، رعایت بهداشت روانی و همچنین مصرف داروهای خواب آور و ضد افسردگی مورد توجه قرار گیرند.

کلمات کلیدی: اختلالات خواب ، هموگلوبین *A1c* ، دیابت شیرین

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی رویدادهای استرس زای زندگی سالمندان مبتلا به دیابت و غیردیابتی شهرستان رفسنجان ۱۳۹۴

مهین غیاثی[۱]، حیدر علی عابدی[۱]، علی خدادادی زاده[۲]

۱- گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲- گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

پوستر

زمینه و هدف: به دلیل وجود رویدادهای استرس زا در طول زندگی و افزایش شیوع بیماری های مزمن از جمله دیابت در سالمندان، پژوهشگر به بررسی و مقایسه رویداد های استرس زای زندگی بین دو گروه سالمندان مبتلا به دیابت و غیردیابتی پرداخته است .

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی، که روی ۲۴۰ نفرسالمند بالای ۶۰ سال (۱۲۰ نفر سالمند دیابتی و ۱۲۰ نفر غیر دیابتی) که با نمونه گیری در دسترس و با مراجعه به کلینیک دیابت و آزمایشگاه بیمارستان علی ابن ابیطالب انتخاب شدند، انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه دو قسمتی که شامل، مشخصات دموگرافیک و ۶۹ سوال مربوط به رویدادهای استرس زا زندگی پیکل استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون آماری من ویتنی، کای دو، فیشر، آزمون تی تست در نرم افزارSPSS۱۸ استفاده شد.

نتایج: میزان فشار روانی از عوامل استرس زای خانوادگی، فردی و محیطی در بین سالمندان دیابتی ($p<۰/۰۵$) ومیزان فشار روانی از عوامل استرسزای اجتماعی در بین سالمندان غیردیابتی بیشتر بود($p<۰/۰۵$). تعداد عوامل استرس زای شغلی–مالی و عوامل محیطی در مردان دیابتی و تعداد عوامل استرس زای فردی در زنان بیشتر بود($p<۰/۰۵$) و تعداد عوامل استرس‌زای شغلی -مالی در مردان غیر دیابتی بطور معناداری بیشتر از زنان بوده است ($p<۰/۰۵$).

نتیجه گیری: در این پژوهش، عوامل استرس زا در ایجاد بیماری دیابت نقش بیشتری نشان دادند که با شناسایی این عوامل استرس زا با همکاری بیماران و خانواده آنان و تیم درمانی می توان در جهت بر نامه ریزی پیشگیری و کنترل عوارض دیابت اقدامات موثری انجام داد .

کلمات کلیدی: رویدادهای استرس زا، سالمندی، دیابت

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی میزان و شیوع کم‌وزنی تغذیه‌ای و برخی عوامل موثر برآن در دانش‌آموزان شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴

سعیده زارعی کوشک قاضی[۱]، علی خانی جیحونی[۱]، رضا همایونفر[۳]، مهدی عبدی تهنه[۱]، زهراملکی[۱]، زهرا اکبرزاده[۱]، ،سمیه صف دار[۱]

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

گروه تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

سابقه و هدف: ارزیابی شاخص‌های تن‌سنجی و وضعیت تغذیه یک قدم مهم برای اطمینان از رشد مطلوب در کودکان است. کودکان لاغر مصرف ناکافی از انرژی و موادمغذی را دارند که نتیجه آن کاهش عملکرد سیستم ایمنی، خطر بیماری‌های عفونی، تاخیر در رشد بدن، کوتاهی قد، اختلال در تکامل ذهنی، عدم پیشرفت تحصیلی و کاهش بازده کاری در آینده می‌شود. مطالعه‌ی حاضر به دنبال بررسی میزان و شیوع کم‌وزنی تغذیه‌ای و برخی عوامل موثر برآن در دانش‌آموزان شهرستان فسا در سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش مقطعی،۱۳۸۹ نفر از کودکان ۱۱-۶ سال درحال‌تحصیل در مدارس ابتدایی شهرستان فسا به صورت خوشه‌ای مورد بررسی قرارگرفتند. ارزیابی وضعیت تغذیه‌ای از طریق مصاحبه با دانش‌آموزان و تکمیل پرسشنامه‌های دموگرافیگ، سلامت رژیم‌غذایی، اندازه‌گیری قد، وزن و دورکمر صورت‌پذیرفت. ارزیابی وضعیت تغذیه‌ای برحسب z-score در کم‌وزنی (W/A)، توسط نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: کم‌وزنی در کودکان۲۱٪، که شیوع آن در دختران و پسران به ترتیب ۲۹/۲۲٪ و۴۱/۱۹٪ است. کم‌وزنی با اندازه‌ی دورکمر، غذاخوردن به همراه خانواده، مصرف میان‌وعده و حبوبات ارتباط معنی‌داری داشت($P<0.05$) و با وضعیت تحصیلی، نوع زایمان، رتبه تولد، فاصله با فرزند قبلی و شغل پدر و مادر ارتباط معنی‌داری نداشت.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های فوق کم‌وزنی در دختران شیوع بیشتر دارد. با توجه به آسیب‌پذیر بودن و نقش اساسی دختران به عنوان مادران آینده در خانواده، اقداماتی مانند ارتقا وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، افزایش آگاهی والدین می‌تواند نقش موثری در کاهش شیوع کم‌وزنی در کودکان داشته‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نیز می‌تواند در طرح نظام سلامت کاربرد اساسی داشته‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سوءتغذیه، کم وزنی، z-score، تن سنجی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی جنبه های مختلف سلامت روان در زنان نابارور درشهربندرعباس۱۳۹۴

محمد مهاجر بسطامی[۱]، حسین حمادیان[۱]، صغری فلاحی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی هرمزگان، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

۲- مرکزباروری و ناباروری خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

پوستر

زمینه و هدف: یکی ازعلل اختلالات روانشناسی درزنان، ناباروری می باشد. عدم درمان ناباروری تنش بسیار زیادی را به فرد تحمیل می‌کند. حدودا ۱۲-۲۰٪ زوجین مشکلات ناباروری دارند. هدف از مطالعه حاضر شناخت جنبه های مختلف سلامت روان زنان نابارور، جهت کنترل بهتر و کاهش مشکلات همراه با ناباروری بود.

مواد و روش ها: دراین مطالعه تحلیلی-مقطعی،۲۰۰ زن نابارور مراجعه کننده به کلینیک نازایی شهر بندرعباس به صورت نمونه‌گیری آسان وارد مطالعه شدند. اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28) تکمیل‌شد. هر یک از بخشها بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌دهی شدند.کسب پایین ترین نمره نشان دهنده‌ی بهتربودن سلامت روان است. مطالعات مختلف درایران روایی وپایایی پرسشنامه را تاییدکرده اند. اطلاعات واردنرم افزارآماری SPSS16 شد. برای تحلیل داده ها از آزمون های کای اسکویر، test t- و ANOVA استفاده شد و p-value کمتر مساوی ۰/۰۵ معنی دار در نظرگرفته شد.

نتایج: میانگین سن افراد ۵/۶۷±۲۹/۶۵سال بود.۹۰ نفر (۴۵٪) نمره بالاتراز نمره برش گرفتند، درحایکه ۱۱۰ نفر (۵۵ ٪) نمره کمتر از نمره برش را کسب کردند. میانگین نمرات افراد در خرده مقیاس ها بدین صورت بود: نشانه‌های جسمانی ۴/۳۴±۱۳/۳۹ اختلالات خواب و اضطراب ۴/۷۲±۱۲/۶۸ اختلال کارکرد اجتماعی ۲/۸۱±۱۳/۸۱ و افسردگی ۴/۴۵±۱۶/۴۶ بود. بین سن افراد و نمره علایم جسمانی همبستگی منفی وجود داشت. بین طول مدت نازایی (برحسب ماه) با علایم جسمانی، اختلال کارکرد اجتماعی، افسردگی و سلامت عمومی بدن همبستگی منفی وجود داشت (0.05>) . ارتباط معناداری بین میزان درآمد افراد با افسردگی و عملکرد اجتماعی وجود داشت (0.05>). ارتباط معناداری بین علت نازایی، محل زندگی، استعمال دخانیات و سایر خرده مقیاس ها وجود نداشت (p>0.05).

نتیجه گیری: احتمالا این یافته ها نشان دهنده ریسک بالاتر برای ابتلا به اختلالات روانی در زنان نابارور می‌باشد.بنابراین در صورت امکان با درمان به موقع ناباروری و انجام مشاوره های روانشناسی می توان از بروز مشکلات سلامت روان در این افراد جلوگیری نمود.

کلمات کلیدی:زنان، ناباروری، سلامت روان

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

کاربرد تئوریها و مدلهای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت در مداخلات مربوط به سرطان

فرزانه خادم الحسینی[۱*]، مژگان زارعی ونوول[۲]، الهام زارعی ونوول[۳]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

پوستر

زمینه و هدف: به دنبال گذار اپیدمیولوژیک، بیماری های غیرواگیری همچون سرطان ها در جای بیماری های واگیر قرار گرفته اند. سرطان ها بعنوان سومین عامل شایع مرگ و میر در ایران مطرح بوده و لذا آموزش پیشگیری از آن با بهره گیری از تئوری ها و مدل ها در اولویت قرار می گیرد. هدف این پژوهش بررسی مداخلات انجام گرفته در زمینه سرطان ها و کاربرد تئوری ها و مدل های آموزشی در آنها می باشد.

روش جستجو: مطالعه حاضر از نوع مرور مطالعات پنج ساله (۱۳۹۰-۹۴) بوده که با جستجوی واژگان کلیدی آموزش بهداشت، مداخلات آموزشی سرطان و تئوری ها و مدل های آموزش بهداشت در پایگاه های اطلاعاتی magiran, iranmedex, google scholar, SID انجام گرفت و ۲۳ مقاله عمیقا بررسی شد. معیار ورود استفاده از تنها یک تئوری یا مدل آموزش بهداشت در مداخله مدنظر بود.

یافته ها: نتایج نشان می دهد در بین ۲۳ مداخله صورت گرفته،۱۷ مداخله مربوط به سرطان های سینه، کلورکتال، دستگاه گوارش و معده از مدل اعتقاد بهداشتی با ۴ سازه اصلی حساسیت، شدت، موانع و فواید درک شده بهره برده است (۷۴ درصد)، در ۳ مورد مداخله مربوط به سرطان های سینه و دهانه رحم از تئوری رفتار برنامه ریزی شده (۱۳درصد)، در ۲ مورد مداخله مربوط به سرطان پوست از تئوری انگیزش حفاظت (۸/۵درصد)، و مدل پرسید در یک مورد از مداخلات مربوط به سرطان پوست (۴/۵درصد) استفاده شده است، که همگی بصورت متناسب بوده چرا که اثربخشی مداخله را به دنبال داشته است.

نتیجه گیری: به نظر می رسد از تئوری ها و مدل های آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت در مداخلات آموزشی مربوط به سرطان میتوان بهره جست و به اثربخشی مدنظر دست یافت و لازم است در مداخلات پیشگیرانه بیماری های غیرواگیر با شیوع بالا همچون سرطان ها از تئوری ها و مدل های متناسب همچنان که مطالعات فوق نشان می دهد، استفاده نمود.

واژه های کلیدی: آموزش بهداشت، مداخلات آموزشی سرطان ها، تئوری ها و مدل های آموزش بهداشت

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی عوامل موثردر بروز انواع مسمومیت ها درشهرستان فسا طی سال های۱۳۹۴-۱۳۹۳

زهرا ملکی[۱]، سعیده جعفرزاده[۲]، سمیه صف دار[۱]، فرزانه مباشری[۳]

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

زمینه و هدف: امروزه با گسترش صنعت و دستیابی انسان ها به روش های پیچیده، تولید مواد شیمیایی گوناگون و در دسترس بودن ترکیب های دارویی متعدد، استفاده روزافزون از پاک کننده ها و همچنین توسعه شهرنشینی و پیدایش هر چه بیشتر ناهنجاری های رفتاری زمینه را برای بروز مسمومیت های گوناگون فراهم نموده است. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی بررسی عوامل موثردر بروز انواع مسمومیت ها درشهرستان فسا انجام پذیرفت.

روش کار: مطالعه حاضریک مطالعه توصیفی- مقطعی است که از فروردین ماه ۱۳۹۳ لغایت مهرماه ۱۳۹۴ به صورت تمام شماری برروی ۲۷۵ مسموم مراجعه کننده به بیمارستان ولی عصر شهرستان فسا انجام شد. داده های مورد نیاز همچون مشخصات دموگرافیک، محل و بروز مسمومیت، عامل مسمومیت، اعتیاد به مواد، سابقه قبلی اقدام به خودکشی، تاریخچه مصرف داروها، میانگین مدت زمان بستری و پیش آگهی بیماران از پرونده های بیماران استخراج و در چک لیست محقق ساخته ثبت گردید و سپس به نرم افزارSPSS نسخه ۱۸وارد و تجزیه و تحلیل آماری شد.

یافته ها: از ۲۷۵ نمونه مورد مطالعه ۶۳/۵٪ مرد، ۳۶/۵٪ زن و میانگین سنی آنان ۱۸/۶±۲۸/۲ سال بود. اکثر افراد درگروه سنی ۵۹-۳۶ سال قرار داشتند. مهم ترین عوامل مسمومیت زا شامل نارکوتیک ها (۴۴٪)، چندداروبی (۲۲٪/۹)، داروهای اعصاب (۱۲٪)، گزش(۵/۱٪)، سموم (۴/۷٪)، الکل (۲/۵٪)، غذا (۲/۲٪)، موادشیمیایی (۱/۸٪) و سایر (۴/۷٪) بودند.

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که نارکوتیک ها و داروهای اعصاب مهم ترین عوامل مسمومیت زا بودند. لذا دسترسی آسان و بدون نسخه دریافت نمودن داروهای ضد درد و تجویز بیش از اندازه دارو های اعصاب توسط پزشکان و درست مورد استفاده قرارنگرفتن این دسته از داروها را می توان از جمله علل افزایش مسمومیت ها با داروهای نارکوتیک و آنالجزیک دانست. در نتیجه طراحی و ارائه برنامه آموزشی مناسب در خصوص نحوه تجویز دارو و رعایت استانداردها در این زمینه ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: مسمومیت، عوامل بروز، فسا

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی تاثیر مکمل روی بر رشد جسمی کودکان ۵ تا ۷ ساله شهر یاسوج

داود خاضعی نسب، مژده داودی

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران
۲- دانشگاه علوم تحقیقات اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: سوء تغذیه یکی از شایعترین مشکلات تغذیه ای در بین کودکان کشورهای در حال توسعه می باشد. که با پیامدهای نامطلوبی از جمله اختلال های رشد همراه می باشد. هدف از این مطالعه بررسی اثر مکمل روی به عنوان یک ریزمغذی مهم بر رشد جسمی کودکان ۵ تا ۷سال شهر یاسوج می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی دوسوکور بوده که به صورت تصادفی تعداد ۱۰۸ کودک ۵ تا ۷ ساله در سال ۹۴-۹۵ در شهر یاسوج با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده و به دو گروه ۵۴ نفره شاهد و مورد تقسیم شده اند که به مدت ۶ ماه گروه شاهد از دارونما و گروه مورد از ۱۰ میلی گرم مکمل روی (ترکیب محلول سولفات روی) استفاده می کردند. وزن، قد و وضعیت تغذیه در بدو ورود به مطالعه و هرماه اندازه گیری و داده ها با آزمون های آماری واریانس تی و مجذور کا تحلیل شدند.

نتایج: مصرف مکمل روی باعث افزایش رشد قدی ۱/۷۰± ۳/۴۲ در گروه مورد و۰/۸۶± ۱/۵۹ در گروه شاهد و همچنین افزایش رشد وزنی ۱/۸۸ ± ۱/۸۹ در گروه مورد و ۱/۹۶± ۰/۷۷ در گروه شاهد بوده است.

نتیجه گیری : این مطالعه مشخص کرد،که روی در کودکان در حال رشد در افزایش رشد جسمی آن ها تاثیر خواهد داشت لذا با توجه به شیوع کمبود روی و اختلالات رشد در بین کودکان استفاده، ار مکمل روی در این سن توصیه می شود.

کلمات کلیدی: روی، رشد جسمی، کودکان، مکمل روی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

نقش لیپید های سرمی در تراکم توده استخوان: یک بررسی مقطعی در زنان تهرانی در سال ۱۳۹۴

محمدحسین یزدان پناه[۱]، عزیزالله دهقان[۲]، رضا همایونفر[۳]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی ، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳ -گروه تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

زمینه و هدف: افزایش چربی های خون و متابولیسم آنها باعث افزایش اسیدیته خون می شود. این افزایش اسیدیته خون، می تواند بر روی مواد معدنی استخوان تاثیر گذار باشد و فرد را به سمت پوکی استخوان ببرد. بنابراین هدف ما در این مطالعه یافتن ارتباط لیپید های سرمی و تراکم توده استخوان می باشد.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی روی ۵۶۴ زن غیر یایسه انجام شد. پس از تکمیل اطلاعات دموگرافیک، نمونه خون وریدی در شرایط ناستایی ۱۲ ساعته تهیه شد. اطلاعات میزان تراکم استخوان به روش DEXA (dual energy x-ray absorptiometry) به وسیله دستگاه Lunar در مهره ها، لگن و همچنین تمام بدن مشخص گردید. اطلاعات وارد SPSS 19 شدند و ارتباط بین متغیر های کمی با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد آنالیز قرار گرفت. همچنین سطح معناداری زیر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین سن افراد مورد مطالعه ۴/۹۲±۵۵/۹۷ بود .همچنین میانگین وزن افراد ۸/۲۳±۱۰۱/۱۷ گزارش شد. ارتباط لیپید های سرمی از جمله LDL, HDL, TG و TC با اطلاعات تراکم استخوان Pelvic و Pelvis) Spine Z-score , Pelvis Z-score, Spine Z-score Pelvis BMD)، معنی دار بودند(P-value< 0.001). همچنین شاخص توده بدنی BMI با اطلاعات تراکم استخوان ارتباط معکوس معنی داری نشان داد (P-value < 0.001).

بحث و نتیجه گیری: مطالعه ما نشان داد که LDL و تری گلیسیرید خون و سطح سرمی کلسترول با تراکم توده استخوان ارتباط معکوس دارند. همچنین HDL یا چربی خوب با میزان تراکم استخوان رابطه مستقیم معناداری نشان داد.

واژگان کلیدی: لیپید های سرمی، تراکم توده استخوان، تهران

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تعیین مولفه های شیوه زندگی دختران دانش آموز دارای اضافه وزن و چاقی پایه چهارم تا ششم دبستان شهر انزلی در سال ۱۳۹۴

دکترفردین محرابیان[۱]، سعید امیدی[۱]، مرجان مهدوی روشن[۲]، معصومه میرزایی[۳]

۱ -دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران
۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران
۳- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران

پوستر

زمینه و هدف: چاقی به یک اپیدمی در سراسر جهان تبدیل شده و به سرعت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله ایران پدیدار شده است. شیوع چاقی و اضافه وزن در ایران در دختران دبستانی بیشتر از پسران است و از آنجا که عادات غلط تغذیه ای در سنین پایین شکل می گیرد. لذا این مطالعه با هدف تعیین مولفه های شیوه زندگی دختران دانش آموز دارای اضافه وزن و چاقی پایه چهارم تا ششم دبستان شهر انزلی صورت می گیرد.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر از دسته مطالعات توصیفی- مقطعی است. جامعه و محیط پژوهش ۲۱۰ نفر از دانش آموزان دختر ۱۰ مدرسه ابتدایی شهر انزلی بودند که به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و تکنیک های میدانی شامل اندازه گیری های آنتروپومتری قد، وزن و نمایه توده بدنی و تعیین فعالیت بدنی روزانه با استفاده از (GPAQ) بود. روایی و پایایی پرسشنامه قبل از مطالعه بررسی و تایید شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 16 و شاخص های آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، توزیع فراوانی، آزمونهای همبستگی و کای دو (آزمون فیشر) انجام شد.

نتایج: در مطالعه حاضر ۲۱۰ دانش آموز با میانگین سنی ۱۱/۵ سال، میانگین قد دانش آموزان ۱۴۶/۱۲ سانتی متر و میانگین وزنی آنها ۴۲/۴۵ کیلوگرم شرکت کردند. ۸٪ دانش آموزان چاق ودارای اضافه وزن، ۴۹٪ دانش آموزان دارای وزن نرمال و ۴۳/۸٪ دانش آموزان کم وزن بودند. با استفاده از آزمون اسپیرمن رابطه معنی داری بین زمان صرف فعالیت های بی تحرک و BMI دیده شد. ($P<0.01$). در رابطه با وضعیت حذف وعده های اصلی غذایی در گروه مورد تحقیق رابطه آماری معنی داری میان این مولفه و اضافه وزن و چاقی وجود داشت ($P<0.01$).

نتیجه گیری: یافته های پژوهش حاکی است که چاقی و اضافه وزن در دختران با برخی مولفه های سبک زندگی نظیر میزان ساعات بی تحرکی و حذف وعده های اصلی غذایی در دختران دبستانی مورد بررسی ارتباط داشت.

کلمات کلیدی: چاقی، اضافه وزن، تنقلات، فعالیت فیزیکی، ساعات بی تحرکی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

تشخیص تومور مغزی با استفاده از قطعه بندی

سمیرا شریفیان، گلایل قرائتی، رضا احسن

۱- موسسه آموزش عالی پویش، تهران، ایران
۲-دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

پوستر

قطعه بندی تصویر در زمینه پردازش تصویر پزشکی حائز اهمیت است و توانایی کاربرد جهت تشخیص تومور از تصاویر MRI را دارد. در این مطالعه روشی پیشنهاد شده است که توانایی تشخیص و مکان یابی تومور مغزی را دارد .در این روش از الگوریتم خوشه بندی K-means در کنار الگوریتم برچسب زدن شیء (object labeling algorithm) استفاده می‌شود.

در این روش یک تکنیک تشخیص تومور برای تصاویر MRI وزن داده شده- T2 ارائه می شود. تصاویر MRI وزن داده شده- T2 تومور مغزی در مقایسه با بافت طبیعی مغز فوق العاده سخت به نظر می‌رسند. این روش تشخیص تومور مغزی بر پایه الگوریتم‌های یادگیری بدون نظارت متفاوت (K-means و C-means فازی(FCM) و غیره) می‌باشد. K-means بخشی از روش خوشه‌بندی است و در FCM مقدار عضویت هر پیکسل محاسبه می گردد به طوری که یک پیکسل خاص می‌تواند متعلق به یک مرکز خوشه باشد. آستانه یک مقدار شدت خاص است که یک مقدار شدت از پیش تعیین شده را برآورده می‌کند. از آنجا که روش‌های خوشه‌بندی پس از آستانه نمی‌توانند به طور مناسبی تومور را از تصویر MRI تشخیص بدهند، از روش برچسب زدن شیء نیز بهره برده‌ایم. همچنین مراحل پیش پردازش فیلترینگ متوسط و عملیات مورفولوژیکی به هدف تشخیص تومور به کار رفته است.

کلمات کلیدی: تومور مغزی، پردازش تصویر، قطعه بندی، الگوریتم خوشه بندی، الگوریتم برچسب زدن

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی ارتباط بین نارسایی مزمن کلیه و جنسیت در بین بیماران تحت همودیالیز بیمارستان شهدا خلیج فارس بوشهر

زینب قربانی مقدم[۱]، شریف شریفی[۲]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران
۲-گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

پوستر

زمینه و هدف: نارسائی مزمن کلیه ها یکی مسائل عمده بهداشتی در جهان است که در حال تبدیل شدن به یک معضل جهانی است که گروه های مختلف جنسی را درگیر می کند. به همین دلیل پیش بینی شیوع و بروز بیماری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطالعه حاضر به بررسی توزیع شیوع بیماری و ارتباط آن در گروههای مختلف جنسی می پردازد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی–تحلیلی، شامل ۹۳ بیمار مراجعه کننده به مرکز همودیالیز بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر بود. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه (اطلاعات دموگرافیک و عوامل مستعد کننده بیماری: دیابت، فشارخون بالا، مصرف دخانیات، بیماری های قلبی – عروقی) بدست آمد که با استفاده از نرم افزار SPSS v.19 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: از ۹۳ نفر واحد های مورد پژوهش۵۲/۷ ٪ را مردان و ۴۷/۳ ٪ را زنان تشکیل داده اند. همچنین ۳۱/۲ ٪ بیماران فشارخون بالا، ۳۹/۳ ٪ دیابت داشتند. فشارخون بالا همراه با دیابت در ۱۰/۳ ٪ موارد و بیماری قلبی–عروقی در ۲۳ ٪ نمونه ها مشاهده شد. همچنین بین درصد ابتلا به بیماری و جنسیت رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد ($p>0/05$).

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که حدود نیمی از بیماران را مردان و نیمی را زنان تشکیل می دهند که می تواند ناشی از ابتلاء و دسترسی هر دو جنس به خدمات بهداشتی–درمانی بطور یکسان باشد. در خصوص بالاتر بودن نسبت مردان می توان گفت که بعضی از فاکتورهای خطر بیماری، بطور مثال مصرف سیگار و الکل و بیماری های قلبی–عروقی که عموما در بین مردان بالاتر است ممکن است در این مورد مؤثر باشد.

کلمات کلیدی: نارسایی مزمن کلیه، دیابت، فاکتورهای خطر نارسایی کلیه

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

ارزیابی برنامه غربالگری کم کاری تیروئید نوزادان در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۱

پروین جولا[۲،۱]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپوراهواز، اهواز، ایران
۲- معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران

پوستر

سابقه و هدف: کم‌کاری تیروئید نوزادان از علل مهم عقب افتادگی ذهنی در نوزادان است که در صورت عدم درمان سبب کاهش ضریب هوشی و شنوایی نوزادان می گردد. غربالگری این بیماری از موفق ترین برنامه‌های اجرا شده در حوزه بیماری‌های غیرواگیر می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی شاخص‌های برنامه غربالگری کم‌کاری تیروئید در دانشگاه علوم پزشکی دزفول می باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی تمام نوزادانی که طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۱ در برنامه غربالگری شرکت داشتند به روش سرشماری انتخاب گردیدند. اطلاعات از طریق پرونده های موجود جمع آوری، در نرم افزار SPSS۱۶ وارد و از طریق آزمون های توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در این سه سال ۴۳۰۵۳ نوزاد غربالگری شده است که "درصد نمونه گیری ۵-۳ روز" در سال ۱۳۹۱(۸۲٪)، ۱۳۹۲(۸۳٪) و ۱۳۹۳(۸۶٪) می باشد. "درصد ارجاع به پزشک منتخب" در سال ۱۳۹۱ (۰/۵٪)، ۱۳۹۲ (۰/۴٪) و ۱۳۹۳ (۰/۴٪) می باشد و درصد "درمان زیر ۲۸ روز" در سال ۱۳۹۱ (۸۶٪)، ۱۳۹۲ (۸۲٪) و ۱۳۹۳ (۹۲٪) می باشد. میانگین بروز ۵ در ۱۰۰۰ تولد زنده می باشد.

نتیجه‌گیری: روند رو به افزایش "شاخص ۵-۳ روز" و "درمان کمتر از ۲۸ روز" که از ابزارهای مهم پایش غربالگری است از میزان کشوری که به ترتیب ۷۰٪ و ۸۰٪ می باشد نیز بیشتر بوده که حاکی از موفقیت اجرای برنامه می باشد. بخشی از بروز بالای بیماری می تواند ناشی از کمبود ید در منطقه باشد که پیشنهاد می گردد در این خصوص بررسی‌های بیشتر صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: غربالگری، کم‌کاری تیروئید نوزادان، علوم پزشکی دزفول

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بررسی میزان عفونت بعد از سزارین در زنان باردار مراجعه کننده به بیمارستان ولی عصر فسا ۱۳۹۳

زهرا اکبرزاده[۱]، زهرا مرادی[۲]، مهدی شرفی[۳]

۱- گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۲- دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران
۳- مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

پوستر

سابقه و هدف: آندومتریت شایع ترین عارضه سزارین است و عوارضی از قبیل طولانی شدن مدت بستری دربیمارستان، تحمیل هزینه های اضافی، کاربرد طولانی مدت آنتی‌بیوتیک ها وایجاد چسبندگی و نازایی را بدنبال دارد. فراوانی عفونت پس از سزارین۳ تا ۵ درصد تخمین زده شده است. میزان بروز عفونت به عوامل اجتماعی- اقتصادی بستگی دارد و با کاربرد داروهای ضدمیکروبی دردوره حول و حوش عمل تغییر چشمگیری‌کرده است.

روش کار: پس از کسب رضایت آگاهانه ۳۰۰ نفر که به شیوه سزارین زایمان کرده بودند، وارد مطالعه شدند. زنانی که عفونت پس از زایمان داشتند به عنوان گروه مورد و کسانی که عفونت پس از زایمان نداشتند به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه خودساخته جمع‌آوری گردید. روش های آماری کای اسکویر و تی تست مستقل در سطح $\alpha = 0.05$ استفاده گردید. داده ها با نرم افزار spss آنالیز شدند.

یافته: از بین ۳۰۰ مورد مطالعه ۱۵ نفر (۵٪) عفونت پس از زایمان داشتند. بین عفونت پس از زایمان و نوع سزارین (انتخابی با اورژانسی) با p-value=0.021 و سابقه عفونت وازینال و عفونت پس از زایمان با p-value=0.039 و میانگین سن حاملگی بین دو گروه با p-value=0.034 اختلاف معنی دار شد. از نظر طول مدت عمل ،دریافت آمپول فشار با عفونت پس از زایمان ارتباط معنی داری مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه گیری: سن، مدت بارداری وعفونت واژینال قبلی از عوامل خطر عفونت بعد از سزارین می باشند. در مطالعه حاضر در افراد گروه مورد بیش از افرد گروه‌کنترل بود. امید است با کنترل عوامل قابل پیشگیری میزان بروز این عارضه خطرناک و تبعات بهداشتی آن برای مادر و همچنین نظام سلامت کاهش یابد.

واژه های کلیدی: زنان باردار، سزارین، عفونت

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بخش سوم



خلاصه مقالات انگلیسی پذیرفته شده به صورت سخنرانی

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Prevalence of Diabetes, Impaired Fasting Glucose and Impaired Glucose Tolerance in Patients with Thalassemia Major in Iran-A Meta-Analysis

Kourosh Sayehmiri [1], Milad Azami [2], Ali Sharifi [3]

1-Department of Biostatistics, Research Center for Prevention of Psychosocial Impairment, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran
2-Student Research Committee, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran
3-Department of Interstice Medicine, Faculty of Medicine, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

Oral Presentation

Background & Objective: This study aimed to investigate the prevalence of diabetes, Impaired Fasting Glucose (IFG) and Impaired Glucose Tolerance (IGT) in patients with Thalassemia major in Iran as a meta-analysis.

Materials & Methods: The present study has been conducted based on PRISMA checklist. To obtain corresponding Persian and English documentations, databases Magiran, Iranmedex, SID, Medlib, IranDoc, Scopus, PubMed, Science direct, Cochrane, Web of Science, Springer, Online Library Wiley as well as search engine Google Scholar were searched with no time limit to December 2015. Searching, study selection, quality evaluation and data extraction have been done by two researchers independently. All of the reviewed studies that had inclusion criterion were evaluated. Data manipulation and statistical analyses were performed with random effect model using Stata Ver.11.1.

Results: 32 studies were surveyed between 1991 and 2012 with a sample size of 4344 people. The average age of the patients was 16.83 years old. The prevalence of diabetes in patients with Thalassemia in Iran was estimated as 8.7% (CI: 95%, 6.8-10.5). The prevalence of IFG and IGT in patients with Thalassemia major in Iran were 12.9% (CI: 95%, 7-18.8) and 9.6% (CI: 95%, 6.6-12.5), respectively. No relationship between serum ferritin and development of Diabetes was noted.

Conclusion: Prevalence of diabetes, IFG and IGT in patients with Thalassemia major in Iran are high and requires new management strategies and policies to minimize endocrine disorders in Iranian patients with thalassemia major. It is recommended to screen patients for early diagnosis of disorders of endocrine glands, particularly diabetes, pre-diabetes and IGT.

Keywords: Diabetes, Impaired Fasting Glucose, Impaired Glucose Tolerance, Ferritin, Thalassemia major, Iran, Meta-analysis

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Survey of Urinary Thallium in The Patients Poisoned with Opioid-Like Compounds

Amir Ghaderi[1], Naser Vahdati Mashhadian[2], Reza Afshari[3]

1- Departments of Addiction Studies, School of Medical, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
2- Departments of Pharmacodynamics and Toxicology, School of Pharmacy, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
3- Addiction Research Centre, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Oral Presentation

Background & Objective: Thallium (Tl) is a toxic heavy metal that exists in nature. Tl poisoning may occur in opioid addict cases. This study was designed to evaluate the frequency and level of urinary Tl in opioid abusers. In addition, clinical findings were evidenced.

Materials & Method: One-hundred and fifty subjects were examined. Cases with history of at least three years abuse were admitted in Imam-Reza hospital as the case group; 50 non-opioid abusers from the target population were included as the control group. Twenty-four hour urinary qualitative and quantitative Tl analysis was performed on both groups.

Result: For all subjects, 128 (85%) were negative for qualitative urinary Tl, followed by 5% (trace), 7% (1+), 2% (2+), and 1% (3+). Mean (SD, Min–Max) quantitative urinary Tl levels were 14 (44, 0–346 μg/L). Mean urinary Tl levels in the case group were 21 (53, 0–346) and in controls were 1 (1, 0–26), which were significantly different (P = 0.001). The most frequent clinical findings were ataxia (86%), sweating (81%), and constipation (54%). In all cases (n=150), mean (SD) with positive qualitative urinary Tl was 26.8 (12) and in negative cases was 2.3 (3.0), which were significantly different (P = 0.002).

Conclusion: This study showed that long-term opioid abuse might lead to Tl exposure. In opioid abusers with clinical manifestation of thallotoxicosis, urinary Tl should be determined.

Keywords: Thallium, opioid-like, poisoning, drug abuse

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Serum Levels of Cytokines Related to TH17 Cells in Patients with Osteoarthritis

Alireza Askari [1], Mohammad Mehdi Naghizadeh [1], Reza Homayounfar [1], Abbas Shahi [2], Abbas Paknahad [3], Mohammad Reza Ataollahi [1]

1- Noncommunicable Diseases Research Center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
3- Student Research Committee, Hormozgan University of Medical Sciences, Bandar Abbas, Iran

Oral Presentation

Background & Objective: Osteoarthritis (OA), is the most common type of arthritis. The proinflammatory cytokines have been considered as the main etiologic factor in OA pathogenesis. Although serum levels of cytokines related to innate immunity and TH1 cells have been analyzed throughoutly in OA patients, but there is little evidence about the profile of cytokines related to TH17 cells. The aim of this study was the assessment of serum level of IL-17 and IL-21 cytokines in sera of patients with OA compared to Healthy controls.

Materials & Method: The sera from 207 patients with OA and 111 healthy controls were checked for IL-17 and IL-21 using ELISA technique. Independent sample t tests, Chi square test, Pearson test and logistic regression was used for statistical analyses. All statistical analyses were performed using SPSS 20 software.

Result: The serum levels of IL-17 were significantly higher in patients with OA than healthy controls ($P < 0.001$). Significant correlation was found between the serum level of IL-17 and WOMAC pain score. On the other hand, the serum level of IL-21 was not different between patients with OA and normal group ($P > 0.05$). Moreover, the serum level of IL-17 in patients with OA was not correlated with WOMAC pain score.

Conclusion: Our data suggest that the IL-17 has a significant role in OA pathogenesis and related to pain in OA. Prevention of IL-17 signaling pathway may be useful in pain treatment in OA.

Key words: Osteoarthritis, TH17, WOMAC

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Association of Omentin Val109Asp Polymorphism with Coronary Artery Disease (CAD) Risk

Mehrdad Ghanbari [1], **Abbas Valizadeh** [2], **Javad Jamshidi** [3]

1- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Department of Cardiology, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
3- Noncommunicable Diseases Research Center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Oral Presentation

Background & Objective: Coronary artery disease (CAD) is one of the most important morbidity and mortality diseases worldwide. Omentin is a recently found adipocytokine. It has anti-inflammatory properties and also reported to be involved in atherosclerosis and CAD. Here we aimed to investigate the association of omentin Val109Asp polymorphism with CAD .

Materials & Method: Through a case-control study a total of 400 individuals were recruited in our study comprising 200 cases with CAD and 200 healthy controls. The cases were diagnosed with CAD through angiography, they had at least one main coronary artery with more than 50% stenosis. Blood samples were taken from all participants and genotyping was carried out using PCR-RFLP technique .

Results: There were 112 women and 88 men in case groups and 120 women and 80 men in control group. 92 (46%) of cases had one stenosed vessels, 73 (36%) had two and 35 (18%) had three coronary vessels with stenosis. There was no association between Val109Asp polymorphism and risk of CAD in our population ($p>0.05$). When subgroup analysis was performed according to sex, there was a significant difference in distribution of alleles between case and control groups for men ($p=0.031$), but not for women ($p=0.88$) .

Conclusion: Our result indicated that T (Asp) allele is more frequent among men with CAD than normal men, so it could be possibly a risk for CAD only in men. The difference in association between men and women could be due to different patterns of fat tissue in men and women. More studies with larger sample sizes are required to elucidate the role of this polymorphism in CAD.

Key words: Coronary artery disease, Omentin, Polymorphism, Association study

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

بخش چهارم

خلاصه مقالات انگلیسی پذیرفته شده صورت پوستر

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Relationship between ABO Blood Group and Osteoporosis among Postmenopausal Women of Fasa in 2015

Salar Hosseinpour [1,2], Niloofar Sohrabi [1], Mahdi Bakhshi [3*], Sanaz Hosseinpour [4], Ghazal Mousavian [5]

1- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Noncommunicable Diseases Research Center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
3- Laboratory scientist, Department of Pathology, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
4- Faculty of Medicine, Kazeroun Islamic Azad University, Kazeroun, Iran
5- Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: The relationship between different human blood groups and various diseases has been demonstrated. Osteoporosis is a disease in which decreased bone strength increases the risk of a broken bone. The present study is an attempt to examine possible associations between ABO blood groups and osteoporosis among postmenopausal women of Fasa.

Materials & Methods: This cross-sectional study involved 300 postmenopausal women from Fasa, aged between 45 and 85 years old. Four anthropometric measurements (height, weight, waist circumference, and hip circumference) and blood sample (ABO status and hemoglobin concentration) of all the participants were taken. Bone mineral density was evaluated by using dual energy X-ray absorptiometry at lumbar spine (L1–L4) and the proximal of the femur. The relationship between variables was evaluated by using T-test and chi-square. The analysis was done using SPSS21 software. P- Value<0.05 was considered statistically significant.

Results: The analysis of the data revealed that osteoporosis was more prevalent at lumbar spine among individuals with blood group A (29.3%), followed by those with blood group B (27.7%), AB (26.3%), and then O (16.7%). whereas the proximal of the femur in individuals with blood group B (32%) showed the highest prevalence of osteoporosis followed by a decreasing trend from blood group AB (31%) to A (28.7%), and then O (8.3%). Total prevalence of osteoporosis was 26.2% in lumbar spine and 19.8% in proximal femur, indicating that lumbar spine has an elevated risk for osteoporosis among postmenopausal women. All the anthropometric variables and hemoglobin concentration of individuals with blood group O demonstrated non-significant differences with non-O blood group except for weight and body mass index. These differences were statistically significant.

Conclusion: Women with blood group O exhibited significantly higher bone mineral density for lumbar spine and proximal femur as compared to those with non-O blood group, thereby suggesting an increasing risk of osteoporosis among individuals with non-O blood group.

Keywords: ABO blood group, Osteoporosis, Postmenopausal, Fasa

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Paramedical students' knowledge about Thalassemia in Mazandaran University of Medical Science in 1394

Soheil Azizi [1], Amir Shamshirian[2], Mohammad Taha Ebrahimi [2], Mahdi Ebrahimi [3], Shaghayegh Hooshmand [2], Seyed Fatemeh Seyed Esmaili [2], Zahra Alirahimi[2]

1- Department of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Paramedical, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2- Department of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Paramedical, Student Research Committee, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
3- Department of Environmental Health, Faculty of Health, Student Research Committee, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Thalassemia is the most common genetic disease in humans and is considered as a growing public health problem around the world. Thalassemia refers to a group of diseases caused by genetic defects that play role in the production of the normal hemoglobin chain. Thalassemia is an inherited disease transmitted to children from the parents with the disease gene. Community Knowledge, especially students' knowledge, play an important role in decreasing the prevalence and the incidence of thalassemia. Therefore, this study aimed to assess paramedical students' knowledge about the disease in Mazandaran University of Medical Sciences.

Materials & Methods: This study is a cross-sectional study on. 220 students of Mazandaran University of Medical Sciences who were selected randomly. The collected information was obtained by questionnaire. Chi-square test was used to analyze the data. A level of 5% is considered significant in this test.

Results: In this study, 39% have low awareness, 41% have moderate, and 20% good knowledge of the disease. The results showed that girls are more aware than boys. The course also has a significant relationship with the awareness, so that people enrolled in clinical laboratory sciences had the most knowledge and the students in the field of Anesthesiology have the least knowledge.

Conclusion: Due to the fact that most participants did not have good knowledge about the disease, providing the necessary training for better understanding of the disease is recommended.

Keywords: Paramedical students, Mazandaran University of medical sciences, Thalassemia

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Antitumor Effects of Crocin on Breast Cancer; A Systemic Review

Yaghoub Hassan, Fatemh Izadi

Nutrition Science Group, School of Hygiene and Nutrition, Student's Research Committee, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Breast cancer is the most common malignancy and is one of the leading causes of cancer-related mortality among female worldwide. Based on the cancer stage, current treatment options include surgery, radiation, hormone therapy, and/or chemotherapy. Many studies had shown the antitumor effects of Crocin. Therefore, the objective of this study is to find the antitumor effects of Crocin on breast cancer.

Materials & Methods: Keywords Saffron, Crocin, and Crocus sativus in combination with breast cancer has used in PUBMED searches from 2010 to 2016. Eight studies from clinical trials with adequate quality has been used as the references of this study.

Results: There are evidences that medicinal herbs have anticancer properties through different mechanisms including altering the carcinogen metabolism, induction of DNA repair systems, immune activation, induction of apoptosis, and suppression of cell cycle progression. Crocin have effect on breast cancer by inhibiting the proliferation of MCF-7 Cells and inducing their apoptosis through mitochondrial signaling pathways. Another study had shown that it also suppresses tumor growth and induces cell cycle arrest by downregulation of cyclin D1. In addition, Crocin suppressed p21Cip1 in a p53-dependent manner.

Conclusion: Crocin, a carotenoid and a main metabolite of saffron, might have cancer-preventive and cancer-therapeutic benefit for human breast cancer.

Keywords: Saffron, Crocin, Breast Cancer, Systemic review

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Minimally Invasive Procedures for the Treatment of Benign Prostatic; A Systematic Review

Navid Mokhtari

Nephrology-Urology Research Center and Department of Internal Medicine, Luqman Hakim hospital, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Benign Prostatic Hyperplasia (BPH), sometimes referred to Benign Prostatic Enlargement (BPE), is one of the most common complications and is a term that describes a prostate measurably larger than normal, which affects men beyond their middle age. The aim of this review is to assess advances in the minimally invasive treatment in the last three decades.

Methods: The PubMed and Scopus databases searched for clinical trial with the keywords of BPH and BPE, which were published from 1981 to May 2016 with relevant abstracts. This review clarifies the key points in medical management, traditional surgical treatment, and minimally invasive treatment options in BPH. IT focuses on articles about surgical treatments with holmium laser enucleation of the prostate photoselective (HoLEP) and laser vaporization of the prostate (PVP) for benign prostatic hyperplasia.

Result: αblockers cause a rapid improvement in urinary flow rate and BPH-related symptoms and 5α-reductase inhibitors reduce the prevalence of the prostate cancer. Complications of surgical treatment, such as clot retention or bleeding occur in about 16% of patients. Open prostatectomy is limited to cases with glands of volume > 100 cm3. The therapeutic options for BPH can be divided into medical, surgical, and minimally invasive treatments. The minimally invasive treatment of BPH is gradually accepted by more and more urologists for its advantages including less damage, good effect, quick recovery, and easy acceptance by patients. These treatments are Transurethral Needle Ablation of the prostate (TUNA), Transurethral Microwave Therapy (TUMT), PVP, and HOLEP. Bipolar Transurethral Resection of the Prostate (B-TURP) was associated with a lower rate of perioperative complications. Better short-term efficacy outcomes, fewer immediate complications, and a shorter hospital stay were found after holmium laser enucleation of the prostate. Compared with M-TURP, Green Light Photoselective Vaporization of the Prostate (PVP) was associated with a shorter hospital stay and fewer complications but with no different short-term efficacy outcomes.

Conclusion: This review shows that HoLEP is associated with more favorable outcomes than M-TURP. In published RCTs today, the choice of BPH treatment requires a balance in clinical needs, the preference of the patients, and its cost-benefit as a long-term therapy.

Keywords: Benign Prostatic Hyperplasia (BPH), Transurethral Needle Ablation of the prostate (TUNA), Transurethral Microwave Therapy (TUMT), Holmium Laser Enucleation of the Prostate (HoLEP)

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Total Absence of the Small Bowel in a Newborn with Duodenal Obstruction: A Case Report and Complete Review of Short Bowel Syndrome

Sam Zeraatian Nejad Davani[1], Alireza Manafi[2], Amir Reza Nikmanesh[2]

1- Department of Cardiology, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Total absence of the small bowel is a very rare situation. It is usually accompanied with vascular problems or abdominal wall defect. The following case is presented to discuss the optimal care and the best operative technique that could be done in this situation.

Patient Report: A two-day-old neonate, G/A of 36th weeks, was referred to our center because of bilious vomiting and double bubble sign in the X-rays. The patient was resuscitated and transferred to the operating room with the diagnosis of duodenal obstruction. We found adhesion and a sac containing two blind pouches. The proximal part was the third portion of the duodenum and the distal was cecum and three cm of terminal ileum. In order to end the operation, duodenocolic anastomosis was performed. The patient transferred to NICU for parenteral nutrition and discussing the matter with parents. In spite of good postoperative course, the patient was discharged with parent's consent on the third days and expired at home because of neglect.

Discussion: Patients with short bowel syndrome can survive with the presence of at least 15 cm of small bowel and intact ileocecal valve or with 25 cm of small bowel without ileocecal valve. If the above criteria did not exist, it is better to make bowel continuity back, put the patient on parenteral nutrition, then discuss the options of future transplant and complications of prolong parenteral nutrition. These give them the time to adapt and decide.

Keywords: Absence of small bowel, Newborn, Duodenal Obstruction

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Prevalence and the Risk Factors for Breast Cancer in Fasa in the Years 2014-2015

Mehdi Abdi Tahna[1], Ahmadreza Mortezavi[1], Zahra Maleki[1] , Mohadese Mobasheri[2], Razie Asode[2]

1- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Department of Nursing, Yazd University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Breast cancer is a disease in which malignant cells derived from breast tissue are irregular and increasingly proliferate and without being defensive and offensive brought a reaction in the immune system. With one million new cases in the world each year, breast cancer is the commonest malignancy in women and comprises 18% of all female cancers. The international incidence of female breast cancer varies markedly, being highest in the United States and Northern Europe, intermediate in Southern and Eastern Europe and South America, and lowest in Asia. From 1983 to 1987, the age-adjusted incidence rate of breast cancer varied by factor of about five between countries. However, the incidence rates have been rising in traditionally low-incidence Asian countries. Survival and disease epidemiology study has shown that 75% of breast cancers occur in women over 50, and only 6/5% was seen in women under 30 years.

Materials & Methods: This cross-sectional study was carried out by entering statistics of cancer deaths registered in department of Fasa Forensic Medicine and Vice Chancellery of clinical affairs of Fasa University of Medical Sciences in 2014-2015. The data were analyzed by Excel and SPSS soft wares.

Results: The results of this study showed that the prevalence of breast cancer in the studied population was 0.15%. Most frequent risk factors are related to physical activity, irregular activity or inactivity (24%), breastfeeding less than two years (16.5%), Bone Mass Index (BMI) BMI 30 and higher (8%) and being second-hand smoker (or passive smoking) at home (7.7%).

Conclusion: The results of this study showed that the prevalence of breast cancer in the study population was 0.15%, which is much lower than that reported in other studies on breast cancer prevalence in Iran. Early screening and other management may decrease this phenomenon

Keywords: Breast cancer, Fasa, Risk factor

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

Study of Auditory Discrimination in Preschool Children with Intellectual Disability

Seyyedeh Maryam Fazaeli[1], Somayeh Hasan Zadeh[2]

1- Department of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
2- Department of Speech Therapy, Varastegan Institute for Medical Sciences, Mashhad, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Intellectual disability (intellectual developmental disorder) is a neurodevelopmental disorder. Individuals with this type of disability have impairments in auditory processing. One of its key components is auditory discrimination, which is capacity in distinguishing between phonemes or sounds used in speech. Until recently, no research has been found that surveyed the auditory discrimination in Persian preschool children with intellectual disability. The major objective of this study was to investigate this skill in these children.

Material & Method: In this cross-sectional research, 11 preschool educable children with intellectual disability (seven boys and four girls, between 4; 7 to 14; 1 (year; month)) and 11 normal children participated. Two groups matched for gender and age. Children with intellectual disability had no combined physical, auditory, visual, speech, oral anatomical, neurological and obvious motor deficits. For this study the subtest of distinguishing word in TOLD- P:3 was used.

Results: There was significant difference between children with intellectual disability and normal ones' functioning on auditory discrimination ($p=0.000$; $p<0.05$). Boys' scores mean was better than girls'ones in two groups, but there was no significant difference between boys and girls'functions.

Conclusion: Individuals with intellectual disability have impairment in the auditory discrimination. Therefore, this research provided an important opportunity to advance the understanding of such problem. The findings should make a major contribution to the field of pathology because the treatment of such disability would affect their language different domains, educational and communicational functions.

Keywords: Auditory Processing, Auditory Discrimination, Intellectual Disability, Preschool Children.

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Prevalence and the Risk Factors for Cervical Cancer in Fasa in the Years 2014-2015

Mehdi Abdi Tahna[1], Ahmadreza Mortezavi[1], Mohammad Reza Shiukhi[1], Zahra Akbarzade[1], Farzaneh Mobasheri[2], Gholam Reza Bougari[1]

1- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Non-communicable diseases research center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Cervical cancer starts in the cells lining the cervix - the lower part of the uterus (womb). This is sometimes called the *uterine cervix*. The fetus grows in the body of the uterus (the upper part). The cervix connects the body of the uterus to the vagina (birth canal). Cervical cancer is the leading cause of death in women worldwide and the second or third most common cancer in women, which can be confirmed by colposcopy and PAP screening programs. Early diagnosis reduces mortality. 70% of cervical cancers occur in developing countries which include 15% of all malignancies, while the rate in developed countries is 4.4%. Causes of cervical precancerous lesions are human papilloma virus infection, having multiple sexual partners, smoking, high number of pregnancies over 20 weeks, low socioeconomic condition, sexually transmitted infections, Immunosuppression, diet low in fruits and vegetables, being overweight, and long-term use of oral contraceptives pills.

Materials & Methods: This cross-sectional study was carried out by entering statistics of cancer deaths registered in the department of Fasa Forensic Medicine and Vice Chancellery of clinical affairs of Fasa University of Medical Sciences in 2014-2015. The data were analyzed by Excel and SPSS soft wares.

Results: The risk of cervical cancer increases at the age of 50 years (OR: 1. 13), in women with husbands who smoke (OR: 1.30) and low-income husband (OR: 1.20). Condom use and pap smears showed 70% and 90%protective effects, respectively.

Conclusion: With regard to risk factors for developing cervical cancer, education programs and encouraging people to participate in screening programs is essential.

Keywords: Cervical cancer, Risk factor, Fasa

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Trend of Breakfast Consumption in Adolescence and Diet Diversity in South of Iran

Nazanin Tarbiatnobari[1], Fatemeh Pooladi[1], Fatemeh Moradi[1], Dorna Bahreyni[1], Fatemeh Borazjani[2]

1. Student Research Committee, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran
2. School of Health, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: Adolescence is a crucial period that requires adequate nutrition. Breakfast is known as the most important meal of the day. It provides people with fuel to begin their day. It is a magnitude component of healthy eating and good nutrition. Because of skipping breakfast among adolescence, we aimed to examine the breakfast eating pattern.

Materials & Methods: the present cross-sectional study was carried out on 342 adolescent girl aged 13-17 years old in Bushehr. The dietary data and food pattern were collected through food frequency questionnaire and some separate questions about personal attitude of breakfast. Demographic information was gathered by another questionnaire. ANOVA test was performed between breakfast frequency intake and adolescent diet habits with P value <0.05.

Result: 14.7% of the participants took breakfast 1-2days/week, 19.8% 3-4 days/week, 15.8% 5-6 days /week, 48.2% of them ate breakfast every day, and 1.4% never took breakfast. 62.8% of parents left house after their child leave the house, 12.3% parents left the house early in the morning. ANOVA test revealed that those taking breakfast equal or more than 5-6 days consumed more dairy product, citrus fruits, cheers, watermelon, and lower junky food, chips, and salty snacks, significantly.

Conclusion: Taking breakfast regularly made more adherence to have proper dietary pattern. Skipping breakfast may be attributed to lack of time, desire to sleep longer in the morning, and lack of appetite and knowledge about the importance of breakfast among family and their children. Accordingly, school educational counseling session on convenient healthy food choice that can be taken as meal, is required for whole family to make more co-operation with their children.

Keywords: Adolescence, Breakfast, Eating Pattern, Macronutrients, Micronutrients

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Effects of Delivery Mode and Sociodemographic Factors on Postpartum Stress Urinary Incontinency in Primipara Women; A Prospective Cohort Study

Roya Kokabi[1], Dorna Yazdanpanah[2]

1- Department of Obstetrics and Gynecology, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: This study was performed to determine the frequency of postpartum Stress Urinary Incontinency (SUI) in those undergoing vaginal delivery or elective cesarean section and also to investigate the sociodemographic determinants of SUI in a sample of Iranian patients.

Materials & Methods: This prospective cohort study was performed during a one-year period from 2014 to 2015 including 286 healthy nulliparous women in the third trimester of pregnancy without pre-pregnancy urinary incontinency. Patients were categorized based on the mode of delivery which was vaginal delivery (n=148) and elective cesarean section (n=138). The SUI was evaluated in all the participants before delivery and 1, 6, and 12 months after that by using a previously validated Persian questionnaire. The frequency of postpartum SUI was recorded in both study groups and was compared between them. We also determined the sociodemographic determinants of SUI.

Results: Baseline characteristics were comparable. The frequency of postpartum SUI was significantly higher in vaginal delivery compared to cesarean section after 1- ($p<0.001$), 6- ($p<0.001$), and 12-month ($p<0.001$) period. Age was found to be associated with increased frequency of postpartum SUI in both vaginal delivery ($p=0.021$, $r=0.286$) and cesarean section groups ($p=0.043$, $r=0.125$). SUI was associated with tool assisted vaginal delivery ($p<0.001$) and episiotomy ($p<0.001$). The birth weight was positively correlated with increased frequency of postpartum SUI in both vaginal delivery ($p=0.011$, $r=0.546$) and cesarean section ($p=0.034$, $r=0.311$). Patients with SUI had significantly higher BMI when compared to normal individuals ($p=0.038$). The SUI was associated with lower income ($p=0.028$) and lower neighborhood residence ($p=0.033$).

Conclusion: Vaginal delivery is associated with two-fold increased risk of postpartum SUI in primipara women compared to elective cesarean section. Age and birth weight are the main risk factors of postpartum SUI in both modes of delivery. Tool assisted delivery and episiotomy were determined as the risk factors of postpartum SUI in vaginal delivery.

Keywords: Vaginal Delivery, Cesarean Section, Stress Urinary Incontinence (SUI), Frequency, Sociodemographic determinants

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]

The Effects of Delivery Mode and Sociodemographic Factors on Postpartum Stress Urinary Incontinency in Primipara Women; A Prospective Cohort Study

Roya Kokabi[1], Dorna Yazdanpanah[2]

1- Department of Obstetrics and Gynecology, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran
2- Student Research Committee, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Poster Presentation

Background & Objective: This study was performed to determine the frequency of postpartum Stress Urinary Incontinency (SUI) in those undergoing vaginal delivery or elective cesarean section and also to investigate the sociodemographic determinants of SUI in a sample of Iranian patients.

Materials & Methods: This prospective cohort study was performed during a one-year period from 2014 to 2015 including 286 healthy nulliparous women in the third trimester of pregnancy without pre-pregnancy urinary incontinency. Patients were categorized based on the mode of delivery which was vaginal delivery (n=148) and elective cesarean section (n=138). The SUI was evaluated in all the participants before delivery and 1, 6, and 12 months after that by using a previously validated Persian questionnaire. The frequency of postpartum SUI was recorded in both study groups and was compared between them. We also determined the sociodemographic determinants of SUI.

Results: Baseline characteristics were comparable. The frequency of postpartum SUI was significantly higher in vaginal delivery compared to cesarean section after 1- ($p<0.001$), 6- ($p<0.001$), and 12-month ($p<0.001$) period. Age was found to be associated with increased frequency of postpartum SUI in both vaginal delivery ($p=0.021$, $r=0.286$) and cesarean section groups ($p=0.043$, $r=0.125$). SUI was associated with tool assisted vaginal delivery ($p<0.001$) and episiotomy ($p<0.001$). The birth weight was positively correlated with increased frequency of postpartum SUI in both vaginal delivery ($p=0.011$, $r=0.546$) and cesarean section ($p=0.034$, $r=0.311$). Patients with SUI had significantly higher BMI when compared to normal individuals ($p=0.038$). The SUI was associated with lower income ($p=0.028$) and lower neighborhood residence ($p=0.033$).

Conclusion: Vaginal delivery is associated with two-fold increased risk of postpartum SUI in primipara women compared to elective cesarean section. Age and birth weight are the main risk factors of postpartum SUI in both modes of delivery. Tool assisted delivery and episiotomy were determined as the risk factors of postpartum SUI in vaginal delivery.

Keywords: Vaginal Delivery, Cesarean Section, Stress Urinary Incontinence (SUI), Frequency, Sociodemographic determinants

[Downloaded from journal.fums.ac.ir on 2024-03-29]